کتابچه آثار برگزیده

اولین جشنواره مطبوعاتی شهرسانه

بخش‌های جشنواره:

- سرمقاله و یادداشت
- تیتر
- مصاحبه
- خبر
- گزارش



شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی

تابستان و پاییز ۱۴۰۰

شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی

دفتر مرکزی: تهران، خیابان سئول، نرسیده به نیایش، نبش ۱۲ متری دوم، پلاک ۹۲ تلفن: ۸۸۶۰۰۲۸۳ (۰۲۱)
کدپستی: ۱۹۹۵۸۷۳۷۹۳ نمابر: ۸۸۶۰۰۲۹۲ (۰۲۱)

دفتر اهواز: بلـــوار گلستان، میـــــدان جهاد کشاورزی
کدپستی: ۶۱۳۴۸۱۳۶۱۷ تلفن: ۴-۳۳۱۳۰۰۰۰ (۰۶۱)
نمابر: ۳۳۱۳۰۱۲۶ (۰۶۱)

info@sugarcane.ir
www.sugarcane.ir

بسم الله الرحمن الرحیم



حضرت آیت اللّه العظمی امام خامنه ای (مدظله العالی)

خبرنگاران لحظات نابودشدنی و زوال یافتنی را تثبیت و ابدی می کنند

Sugarcane
&By-products
Development
Company

شرکت توسعه نیشکر
و صنایع جانبی

فهرست

پیشگفتار	۵
بیانیه هیئت داوران	۸
بخش سردار سلیمانی	۹
بخش کرونا	۲۱
بخش تیتر	۳۵
بخش گزارش	۴۳
بخش یاداشت	۵۹
بخش خبر	۶۹

دبیر اجرایی



ولید آلبو ناصر

شورای سیاست گذاری



آقای افشارپرویزی بابادی



آقای غلامرضافروغی نیا



آقای قاسم منصور آل کثیر

شهد رسانه

داوران جشنواره مطبوعاتی



آقای مهردادخدیر



آقای رضا غبیشاوی



آقای کیوان لطفی

پیشگفتار



احیای مفهوم استراتژیک مسئولیت اجتماعی برند

از یک جایی به بعد که مشتریان یک برند بیشتر می شوند، یکی از راه‌هایی که می تواند به برند وجهه خوبی بدهد، مشارکت در کارهایی است که به نوعی با مسئولیت اجتماعی (CSR) در ارتباط هستند. به‌طور مثال برخی از برندها، اسپانسر موسسات خیریه می‌شوند یا نیازهای اولیه زلزله‌زدگان را تأمین می‌کنند، این موضوع علاوه بر بُعد انسانی که یک برند به یک طیف از جامعه کمک می‌کند، باعث ایجاد یک وجهه مقبول و مشروع در افکار عمومی، ساخت تصویری زیباتر در ذهن مخاطب و آفرینش یک رابطه عاطفی بین مشتری و برند می‌شود.

مسئولیت‌های اجتماعی که بعد از پایان یافتن حیطه قانونی اقدامات و مأموریت‌های شرکت‌ها آغاز می‌شود، صرفاً در مباحث انسان دوستانه یا ورود در زمان وقوع بلا یا آنهم در مقطعی کوتاه خلاصه نمی‌شود، خیلی از این دست فعالیت‌ها می‌توانند در مقاطع مختلف، جهت ارائه سرویس‌های متنوع به بخشی از جامعه محلی یا پیرامونی از جمله احترام به محیط زیست آن و رعایت پیوست‌های مربوطه صورت گیرد.

علاوه بر این خدمات، ارائه کالای خوب و سرویس مناسب از جمله عوامل مؤثر در ایجاد وفاداری در ذهن مشتریان به یک برند می‌شود. بر همین أساس سازمان‌ها و صنایع پیشرو عمل به تعهدات و مسئولیت اجتماعی شرکتی را نیز گامی برای تقویت ارزش پاسخگویی، شفاف‌سازی عملکرد در برابر ذی‌نفعان و اثرگذاری مستقیم بر کسب و کار از سوی جامعه هدف می‌دانند؛ لذا این امر می‌تواند در بلندمدت تضمین‌کننده موفقیت و سود شرکت‌ها باشد.

خوشبختانه این مهم از بدو تأسیس شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی در خوزستان مورد توجه مدیران این عرصه بوده و توجه شایستهای به آن مبذول شده‌است. با این حال، براساس شرایط خاص جامعه محلی نیشکر و ضرورت‌های تسریع در حرکت استان به سمت توانمندسازی، ما در دوره اخیر، احیاء مجدد این قبیل مفاهیم استراتژیک با هدف ارتقای سطح فرهنگ عمومی و اصلاح و بهبود دیدگاه های فعالان در حوزه‌های مختلف نسبت به موضوع نیشکر را سرلوحه کار خود قرار دادیم و تاکنون به لطف الهی منشأ اثر مثبت بوده‌است؛ بنابراین برگزاری اولین جشنواره ملی برداشت نیشکر و همچنین ثبت آن در تقویم ملی رویدادهای گردشگری کشور در راستای مسئولیت‌های اجتماعی و فرهنگی و همچنین به منظور توانمندسازی جوامع محلی و روستایی پیرامون آن را می‌توان از جمله این اقدامات برشمرد.

از منظر دیگری تأکید و پرداختن به مسئولیت‌های اجتماعی و پررنگتر شدن آنها نشانه خوبی از تغییر نگاه هاست، نگاه و ذهنی که به مسائل جدیدی در پیرامون خود حساس شده‌است، بنابراین ما در مقابل این روستاها و جوامع محلی پیرامون کشت و صنعت‌ها مسئولیم؛ تک تک ما.

در خاتمه جا دارد از کلیه اساتید، پژوهشگران و روزنامه نگاران که با ارائه مقاله و محتوای خبری در این جشنواره با شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی همکاری کردند، صمیمانه سپاسگزاری کنیم. همچنین از مؤسسه تحقیق و آموزش توسعه نیشکر خوزستان و روابط عمومی شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی که در هماهنگی و سفارش مقالات با نویسندگان محترم همکاری فعالانه ای مبذول داشته‌اند، قدردانی می‌کنیم.

دکتر عبدعلی ناصری
مدیرعامل شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی



دانش بومی چگونه به توانمندسازی جوامع محلی می‌انجامد؟

همه اتفاقات بزرگ، تحولات، ابداعات و اختراع‌های مؤثر در تاریخ براساس نیاز بشر به وجود آمده‌اند، مثل نیاز به نفس‌کشیدن هوای سالم. «توانمندسازی جوامع محلی» نیز از همین قرار است، یک نیاز است، یک ضرورت است، صرفاً یک کار فانتزی نیست. چندین مثال برای این موضوع می‌توان ردیف کرد؛ در اقلیمی که گرم و نیمه‌خشک است، افراد برای سکونت نیاز به معماری و ماتریال متناسب با این شرایط آب و هوایی و حتی پوشش سازگار با آن پیدا می‌کنند. مثال دیگری که می‌توان اشاره کرد: جامعه‌ای که قرن‌ها در کنار تالاب زندگی کرده‌اند، چگونه است که هم نیاز خود را از هور برآورده کرده‌اند و هم آسیبی به آن نزده اند؟ این تجارب را «دانش بومی» نامگذاری کردند.

بنابراین هر کاری که در نظر داریم آن را انجام دهیم، باید نیازها را مدنظر داشته باشیم. پس از تشخیص نیازها سپس باید سراغ روش‌های تأمین آنها رفت. در نتیجه برای جامعه ای چه کوچک و چه بزرگ، چه در مرکز توجه و چه در حاشیه، چه شهری و چه روستایی، شایسته‌است نیازهای زمانی و مکانی، شرایط تاریخی و اقلیمی افراد و داشته‌ها و ظرفیت‌های محلی آن را در نظر بگیریم. این مسیر می‌تواند یک نقشه راه برای رونق‌بخشیدن به روستاها باشد.

برخی از جامعه شناسان اخیراً توصیه کرده‌اند که بهتر است به جای اصطلاح «توانمندسازی جامعه محلی» از عبارت «یادآوری توانمندی‌ها و داشته‌های جامعه محلی به افراد آن» استفاده شود. با هر اصطلاح و عبارتی که در این دایره می‌گنجد، همه متفق هستیم که کسب دانش بومی از طریق دانشمندان بومی به دست می‌آید و تحقیقات فرهنگی و اجتماعی این چنینی نیاز به زمان، مشاهده گری و کسب تجربه دارد. از یک طرف این فرآیند نیاز به جلب مشارکت مردمی و اعتماد جامعه محلی دارد و از طرفی دیگر نمی‌توان کار فرهنگی را بدون کار اقتصادی پیش برد. در نتیجه یکی از راه های مشخص پیش رو، سودرسانی به جامعه محلی در کوتاه مدت است.برخی از فعالان و دوستداران محیطزیست چالش میان گردشگری و محیط زیست را مطرح می‌کنند که به نظر می‌رسد استفاده از تمام ظرفیت‌های یک جامعه سنتی در این زمینه راهگشا باشد؛ یعنی به جای ساخت‌وساز ناهمگون با بافت روستا و دستکاری طبیعت آن، از کسب و کارهای «بومگردی» استفاده کرد؛ مثلاً در یک روستا آشپزخانه‌ای راه‌اندازی شود و هرکس از زنان روستایی که مایل به انجام کاری در پخت‌و پز باشد، جذب آن شود. مایحتاج آن آشپزخانه مثل برنج، تخم‌مرغ، ماهی و.. که قرار است به گردشگران فروخته شود، از خود اهالی روستا تأمین می‌شود. بدین ترتیب همه ذی‌نفع می‌شوند و همه می‌پذیرند که گردشگر تخریبچی محیطزیست نیست، بلکه باعث درآمدزایی می‌شود.

علاوه بر این، خود اهالی آن جامعه سنتی نیز هوشمندانه عمل خواهند کرد و برای حفظ داشته‌های خود مثل تالاب، نخلستان و.. مجاهدت بیشتری خواهند کرد، زیرا به خوبی درک کرده‌اند که گردشگر به خاطر همین ظرفیت‌هاست که حاضر است پول بپردازد. در ادامه آنها می‌روند به سراغ تأمین جای خواب گردشگر متناسب با بافت و فرهنگ روستا، عرضه محصولات دستی و هنری خود و تلاش برای زیباترکردن روستای خود. در نتیجه نه تنها آن چالش از بین می‌رود، بلکه شاهد جهش کیفی هم خواهد بود. این همان مرحله‌ای است که جامعه بومی به اصطلاح خود را «واکسینه» می‌کند.

این ایده‌ها، افکار و دغدغه‌ها زمینه‌ای شده‌اند برای تدارک اولین جشنواره ملی برداشت نیشکر و ثبت آن در تقویم رویدادهای فرهنگی کشور. یکی از ویژه‌ترین اقدامات جشنواره شکرستان ۱۴۰۰، برگزاری اولین جشنواره «شهد رسانه» ویژه خبرنگاران و روزنامه‌نگاران است.

جشنواره اول که پیش‌روی شماست در تاریخ بیست و ششم و بیست و هفتم آبان سال ۱۴۰۰ در شرکت کشت و صنعت نیشکر فارابی با مشارکت کم‌نظیر اساتید و صاحب‌نظران برگزار شد. گزارش ها و محتوای خبری حاضر برآمده از گردآوری و مرور بیش از ۱۲۰ اثر گزینش، ارزیابی و داوری نهایی شده‌است که در سال گذشته در حوزه‌های گوناگون اعلام شده در فراخوان (موضوعات مختلف نیشکری و دو بخش ویژه سردار سلیمانی و بخش ویژه کرونا) منتشر شده‌است.

این آثار برگزیده و شایسته تقدیر از جهات مختلفی قابل تأمل و بررسی است. نخست آنکه هنوز در این کشور عده‌ای اهل قلم بخشی از وظیفه علمی خود را تجزیه و تحلیل عمیق رویدادها می‌دانند. دوم آنکه با اقدامات صورت گرفته در دوره اخیر از سوی مجموعه نیشکر، شاهد همگرایی بیشتر اهالی رسانه با این مجموعه هستیم.

اثر حاضر که شامل پژوهش‌هایی نو و دست اول به‌شمار می‌رود، با هدف جلب و طرح دیدگاه‌های گوناگون در این حوزه، در قالب مقاله، گزارش، گفت‌وگو تدوین شده و.. در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته‌است. در پایان از همه همکارانم در دبیرخانه اولین دوره جشنواره ملی برداشت نیشکر تقدیر و تشکر می‌نمایم.

دکتر ولید آلبوناصر
دبیر اولین جشنواره مطبوعاتی شهد رسانه

بیانیه هیئت داوران اولین جشنواره شهد رسانه

بشر در طول تاریخ هرگاه که وحشت می کرد، با نزدیک تر شدن و در کنار هم پناه گرفتن، رنج مشترک را با همدلی و همراهی دفع می کرد؛ اما شوربختانه در اوج برخورداری از مواهب فناوری و پیشرفت، مقهور ویروسی گشت که جان، مال و حال فرزندانش را نشانه گرفت. کرونا آمد و معلوم نبود اگر رسانه و شما نبودید، زمان و زمانه چه رنگی می شد و بر سر آشنایان چند هزارساله چه می آمد. شما در رسانه فردی و جمعی پناهگاه شدید و شهروندان ترس خورده ی زمین را در کنار هم نشاندید. به آن ها خبر رساندید، سرگرم و دلگرمشان کردید، آموزش دادید، همدل کردید و معبری روشن در دل تاریکی باز کردید.

متشکریم. ممنون که بی منت نقش زدید و می زنید. هیئت داوران اولین جشنواره شهد رسانه، قدردان شماست؛

شاخ و برگ های سبز، لطیف و ستبر درخت تنومند رسانه در جنوب غربی ایران، خوزستان عزیز، که نقش آزادی و همدلی می زنید ، سپاس! حقا که فرزندان خلف و دل آگاه مردمی شریف، سخت کوش و مهربان هستید.

نیک می دانید رسانه در خط مقدم مواجهه با واقعیت های جامعه، جزیره ای عمل نمی کند و تابعی از تحولات پیرامون خویش است. نقش می زند و نقش می پذیرد. رویای بی طرفی دارد، اما آکنده از روابط است. روابطی که اگر سالم باشد، رسانه را بر عرش می نشاند و بالعکس. سودای جامع نگری دارد، اما اگر نقشه ی راه نداشته باشد، دچار کژکارکردی شده و از مدار اثرگذاری خارج می گردد. آرزوی اثربخشی دارد، اما اگر معتبر نباشد از دور نقش آفرینی خارج می شود.

ما فکر می کنیم چه بسا بتوان با قدم و قلم حرفه ای، آرمان بی طرفی، جامع نگری و اثربخشی، رسانه را ذیل یک عبارت واقعی، ملموس و کاربردی محقق کرد: «روزنامه نگاری منصفانه».

ما معتقدیم می توان با بهره گیری از روابط پالوده، پرهیز از دادوستدهای آلوده و با همگامی و نقد توأمان تصمیم گیرندگان و کنش گران امین، دلسوز و توسعه یافته، راه روزنامه نگاری چاپلوسانه، بخشی نگر، سهم خواه و ضد توسعه را بست و عرصه را برای پیشبرد اهداف توسعه ای و بهبود کمی و کیفی زندگی عموم شهروندان هموار ساخت.

ما باور داریم رسانه ی توسعه گرا و روزنامه نگار جامع نگر قادر است ضمن تسلط بر ابزار حرفه ای و تکنیک های روزآمد، با رصد واقع بینانه تحولات و تحلیل هوشمندانه ی اقتضائات جامعه و همچنین خوانش و فهم عمیق اسناد بالادستی توسعه، اعتبار منبع ارتباطی را افزایش دهد، اثربخشی رسانه ای را تقویت و راه کوتاه، میان و بلندمدت توسعه ی موزون و متوازن را هموار سازد.

همکاران شریف! پیش سواران فهیم قطار توسعه ی کشور!

انتخابی نداریم، یا منصفانه قلم خواهیم زد یا در کشاکش تحولات درهم تنیده ی رسانه ای و غیررسانه ای غرق خواهیم شد. راه سومی وجود ندارد.

رضا غبیشاوی
مهرداد خدیر
کیوان لطفی
پاییز ۱۴۰۰

SUGARCANE & BY-PRODUCTS
Development Company

شرکت توسعه نیشکر
و صنایع جانبی

بخش
ویژه (سردارسلیمانی)





نفر اول جشنواره
کوثر کریمی
عنوان اثر:

سین مثل سردار سلیمانی/ سلیمانی‌های جوان ادامه‌دهنده مکتب هستند

خبرگزاری مهر – گروه استان‌ها – کوثر کریمی: از ابتدای شیوع ویروس کرونا گروه‌های جهادی بسیاری ابتدا برای پشتیبانی کادر بهداشت و درمان نسبت به تولید ملزومات مبارزه با ویروس از جمله ماسک، الکل، و ژل ضدعفونی اقدام کردند ولی به تدریج و با خودکفایی در این زمینه کمک‌های گروه های جهادی نیز به سمت‌وسوی دیگری گرایش پیدا کرد.

اکنون گروه‌های جهادی از تولید فاصله گرفتند و به سمت گندزدایی اماکن مختلف، حضور در طرح‌های غربالگری، فعالیت به عنوان کمک پرستار، تأمین خوراکی‌های مقوی از جمله آب‌میوه و آب هویج برای توزیع میان بیماران و حتی غسل و کفن اموات کرونایی حرکت کردند.

در این میان اما برخی گروه‌های جهادی با تأسی از مکتب سردار شهید «قاسم سلیمانی» پا به عرصه فعالیت گذاشتند و این سردار را الگوی کاری خود می‌دانند.

سال که تحویل شد، لحظات و روزهای پس از سال‌تحویل هم در حال سپری شدن است ولی گویا بسیاری از اعضای گروه‌های جهادی حتی سال‌تحویل را در خانه و کنار خانواده خود نبوده‌اند.

اقداماتی که همه به صورت خودجوش و مردمی در حال انجام است و می‌توان آن را چند روزی تعطیل کرد ولی هیچ‌کدام از این نیروها خود را مستثنا از کادر بهداشت و درمان ندانستند و ترجیح دادند تا کنار بیماران کرونایی باشند.

هفت سال حضور در گروه‌های جهادی

لباس مخصوص (گان) را پوشیده، ماسک و شیلد بر دهان و صورت قرار داده و چکمه‌هایش را به پا کرد و از اتاق رختکن نیروهای جهادی بیرون آمد، «جلال جنادله» ۲۵ ساله با هفت سال سابقه فعالیت در گروه‌های جهادی اکنون از سوسنگرد به بیمارستان رازی اهواز آمده است تا به بیماران خدمت رسانی کند.وی، سال تحویل نیز در بیمارستان بوده و هرچند ابتدای کار خانواده‌اش راضی نبودند ولی اکنون با این موضوع کنار آمده‌اند که پسرشان متعلق به تمام جامعه است و نمی‌توانند پسر خودشان را در خانه نگه دارند. کمک به محرومان، انجام اقدامات عمرانی، محرومیت‌زدایی، کمک به سیل‌زدگان خوزستانی در سیل ۹۷ و ۹۸ و حالا هم کرونا و گندزدایی و همچنین پرستاری در بیمارستان از جمله فعالیت‌هایی هستند که جلال ۲۵ ساله در سال‌های اخیر انجام داده است.

وی خدمت به مردم و امیدواری و انگیزه داشتن از ریشه‌کن شدن این ویروس از خوزستان، کشور و جهان را از علل اصلی حضورش در بیمارستان رازی می‌داند و می‌گوید: این خدمات‌رسانی‌ها را وظیفه خود می‌دانیم و آن را در قالب کمک به پرستاران، بیماران، توزیع شیرینی و برپایی ایستگاه‌های صلواتی انجام می‌دهیم.این نیروی جهادی از صحبت با بیماران، همراه بیماران و کادر پزشکی و با هدف روحیه بخشی به آنها می‌گوید و از عموم مردم می‌خواهد که مراعات کنند و از بیماران مبتلا به کرونا عبرت بگیرند.وی در آخر می‌گوید: مردم با استفاده از ماسک و رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی به فعالیت‌های روزمره خود ادامه دهند تا واکسن به میزان کافی توزیع شود و بعد از واکسینه شدن جامعه از این ویروس مرگبار و خطرات آن عبور کنیم.

فدای مردم

دستکش‌هایش را به دست می‌کند، مشغول پچ‌پچ کردن با دوستش شده است تا هماهنگی‌های لازم را برای حضور در بخش‌های مختلف انجام دهند.

«یعقوب جوام» طلبه ۲۴ ساله‌ای است که مدرک کمک پرستاری دارد که از سال گذشته کار خود را با گروه‌های جهادی شروع کرد و مانند دوستش از سوسنگرد به بیمارستان رازی برای کمک‌رسانی آمده است.وی سال گذشته که اوایل شیوع ویروس کرونا بود، در بخش کرونایی بیمارستان نفت سوسنگرد سه ماه فعالیت و خدمات‌رسانی داشته است و همچنین در تغسیل و تدفین بیماران کرونایی نیز حضور داشت.جوام از خاطرات بسیار خود در این زمینه و حتی اقامه نماز برای اجساد کرونایی می‌گوید و اینکه اصلاً هیچ ترسی از انجام این کار نداشته است.

خانواده‌اش از ابتدا برای فعالیت‌هایش ممانعت کردند ولی جوام توانست که آنها را به این نبودن‌ها و حتی غیبت در ایام نوروز قانع کند.

وی می‌گوید: خانواده‌ام اکنون هم خبر ندارند که در بیمارستان رازی مشغول خدمات‌رسانی هستم ولی همیشه از آنها فقط می‌خواهم که فقط مرا دعا کنند تا خدمتگزاری بهتری را برای مردم داشته باشم.

جوام خود را فدایی مردم می‌داند و می‌گوید: برای خدمت به بیماران اینجا آمده‌ام و هر کاری را که بخواهند، برای آنها انجام می‌دهم ولی از عموم مردم درخواست دارم که با رعایت پروتکل‌های بهداشتی، مراقب سلامتی خود باشند تا به این ویروس مبتلا نشوند.

بی‌خبری خانواده

شیلد را روی صورتش محکم می‌کند، دو ماسک بر دهان گذاشته و مشغول زمزمه دعا و شاید هم نجوا با حق‌تعالی است؛ بعد از درخواست برای مصاحبه روی صندلی می‌نشیند و با عجله به سوالات پاسخ می‌دهد که هرچه سریع‌تر به محل کار خود برگردد و خدمات‌رسانی به بیماران کرونایی را در این شیفت آغاز کند. «احمد سعدونی» طلبه ۳۱ ساله اهل اهواز که دختر یک سال و ۸ ماهه دارد ولی همسرش از حضورش در بیمارستان رازی خبر ندارد؛ سعدونی نیز از سال گذشته در تغسیل و تدفین اموات بوده و از ابتدای شیوع ویروس کرونا نیز با نیروهای جهادی فعالیت داشته است.

وی می‌گوید: در این یک سال همسرم به صورت کامل نمی‌داند که چه کارهایی در حوزه کرونا انجام می‌دهم و به صراحت از ماجرا خبر ندارد.

این طلبه جوان در پاسخ به اینکه «آیا از انجام غسل و تدفین اموات کرونایی نمی ترسد؟» یادآور می شود: ترس که هست ولی به هر حال این خدمات‌رسانی‌ها باید انجام شود؛ زیرا با این اعتقاد که مرگ آغاز زندگی دوباره است، پس هیچ تفاوتی ندارد که با کرونا و یا بی کرونا دچار مرگ شوم.

سعدونی، مردم را به رعایت پروتکل‌های بهداشتی و فاصله‌گذاری اجتماعی دعوت می‌کند و می‌گوید: اوایل کار ملزومات بهداشتی به اندازه کافی نبود و حتی بدون این تجهیزات نیز کار می‌کردیم و با اوضاع کنار می‌آمدیم ولی اکنون همه ملزومات بهداشتی برای مقابله با ویروس کرونا موجود است.

به گزارش خبرنگار مهر، گروه‌های جهادی سربازان بی‌نام و نشانی هستند که برای دفاع از حریم سلامت مردم به میدان آمدند و به اندازه کادر بهداشت و درمان در یک قدمی مرگ به خاطر ابتلاء به کرونا هستند؛ آنها به عنوان پرورش‌یافتگان مکتب جهادی و با الگوبرداری از سردار شهید قاسم سلیمانی نمی‌توانند دست روی دست بگذارند تا کرونا از کمبود نیروی مقابله با ویروس سوءاستفاده کند.

خبرگزاری مهر



نفردوم جشنواره

علی نواصر

عنوان اثر:

رازهای محبوبیت سردار سلیمانی در خوزستان/ با مردم از جنگ تا سیل

خبرگزاری مهر – گروه استان‌ها، علی نواصر: سردار شهید حاج قاسم سلیمانی چه در روزهای دفاع مقدس، چه روزهای دفاع از حرم اهل‌بیت و چه در دفاع از خانه و کاشانه مردم در برابر هجوم بی‌امان سیلابی ویرانگر، همیشه سایه‌ای از غیرت و حمیت ایرانی و اسلامی خود را برای مردم خوزستان نشان داده است و همین موارد باعث شده وی به چهره‌ای محبوب بین مردم خوزستان تبدیل شود، چهره‌ای که تمام اقوام خوزستانی به تمجید از شخصیت قاطع و در عین مردمی و اسلامی وی می‌پردازند.

اولین نشانه‌های حاکمیت قاسم سلیمانی بر دل‌های مردم خوزستان به روزهایی برمی‌گردد که خوزستان در برابر هجوم ناجوانمردانه دشمن بعثی در روزهای اول جنگ، خود را تنها و بی‌کس می‌دید و دولت وقت تلاشی برای دفاع همه‌جانبه از این استان از خود نشان نمی‌داد ولی در همین ایام حاج قاسم که آن روزها جوانی پرشور و انقلابی بود باغیرت دینی و جمع کردن تعدادی از جوان‌های همفکر کرمانی، خود را به مرزهای خوزستان رساند و به دفاع از این استان پرداخت.ک

او در طول دفاع مقدس رشادت‌های بی‌نظیری از خود به نمایش گذاشت و با اغلب فرماندهان خوزستانی جنگ مثل علی شمخانی و محسن رضایی روابط نزدیکی داشت که این امر نشان می‌داد که او در جنگ حضوری فعال در خوزستان داشت.

سردار قاسم سلیمانی در ابتدای جنگ فرماندهی دو گردان از نیروهای کرمانی را بر عهده داشت تا اینکه با پیشنهاد شفاهی سردار شهید حسن باقری، تیپ جدیدی از نیروهای کرمان را تشکیل داد که اندکی بعد در زمستان سال ۶۱ به لشکر ۴۱ ثارالله ارتقا یافت که شامل نیروهایی از کرمان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان می‌شد.

وی در طول دوران دفاع مقدس، با لشکر تحت امر خود در عملیات‌های زیادی از جمله والفجر ۸، کربلای ۴، کربلای ۵ و تک شلمچه حضور مؤثر داشت. لشکر ۴۱ ثارالله را باید جزو لشکرهای خط شکن سپاه در سال‌های دفاع مقدس نامید که نیروهای آن نقش بسزایی در عملیات‌های بزرگی مثل والفجر ۸، کربلای ۵ و... داشتند.

اینها عملیات‌های سرنوشت‌ساز در طول دفاع مقدس بودند که همگی در نهایت باعث شد سرزمین ایران اسلامی از لوث تجاوز بعثی‌ها پاکسازی شود به همین دلیل قاسم سلیمانی جزو فرماندهانی بود که مردم خوزستان او را به عنوان فرماندهی جسور و غیرتمند شناخته بودند.

جنگ که تمام شد، فصل تازه‌ای از فعالیت‌های حاج قاسم سلیمانی آغاز شد و او در وسعتی فراتر از مرزهای ایران اسلامی، این بار از نه تنها از خاک کشور که باید از جامعه اسلامی و محور مقاومت در منطقه دفاع می‌کرد.

قاسم سلیمانی در سال ۱۳۷۹ از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی به فرماندهی سپاه قدس منصوب شد. سلیمانی پس از احمد وحیدی، دومین فرمانده سپاه قدس ایران شد.

با ظهور داعش و گروه‌های تکفیری، حاج قاسم سلیمانی بیش از پیش برای مردم ایران شناخته می‌شد و او با ساماندهی نیروهای مردمی باعث تقویت محور مقاومت در برابر گروه‌های تکفیری در منطقه شد. نقطه بارز حضور همیشگی سردار حاج قاسم سلیمانی در جبهه‌های نبرد علیه تکفیری‌ها، این بود که تعداد بی‌شماری از نیروهایی تحت امر وی، فرزندان ولایی خوزستان بودند که ارتباط عمیقی با سردار پیدا کرده بودند و این ارتباط زمینه‌ساز محبوب شدن بیشتر وی نزد مردم خوزستان شده بود.

خوزستان که به دروازه ورود تشییع به ایران معروف است، مردم آن همیشه با حساسیت خاصی تحرکات نیروهای محور مقاومت را پیگیری می‌کردند و از اینکه می‌دیدند، محور مقاومت با درایت‌حاج قاسم سلیمانی روز به روز در حال نبرد بی‌امان با گروه‌های تکفیری و رقم زدن پیروزی‌های سرنوشت ساز است، بیشتر شیفته این سردار مردمی می‌شدند.

مدافعان حرم خوزستانی که از سراسر استان به محورهای عملیاتی جبهه‌های محور مقاومت علیه تکفیری‌های اعزام می‌شدند به علت تسلط خوبی که به زبان عربی داشتند به‌خوبی موردتوجه سردار حاج قاسم سلیمانی قرار می‌گرفتند و در این بین به واسطه همین آشنایی به زبان عربی مأموریت‌های ویژه‌ای از سوی سردار دریافت می‌کردند.

شرکت در تشییع پیکر فرزند کوت عبدالله

برای نمونه یکی از فرماندهان و دوستان سردار قاسم سلیمانی شهید تقوی فرد بود. سردار حمید تقوی یکی از فرزندان منطقه کوت عبدالله اهواز و روستای ابودبس است که در دی‌ماه سال ۱۳۹۳ در درگیری‌های منطقه بلد در استان صلاح‌الدین به درجه رفیع شهادت نائل آمد. ۹ دی ۱۳۹۳ سردار سلیمانی شخصاً در مراسم تشییع این سردار در اهواز شرکت کرد.

حضور سردار سلیمانی که در آن سال‌ها به که کابوس نیروهای تکفیری، آمریکایی، صهیونیستی تبدیل شده در مراسم تشییع پیکر شهید تقوی و در میان مردم با آن نشستن بدون تکلف خود باز هم بر محبوبیت سردار نزد مردم خوزستان افزود.

همسر شهید تقوی فرد در مورد ارتباط قاسم سلیمانی و تقوی فرد می‌گوید: حاج حمید به لهجه‌های مختلف عربی صحبت می‌کرد و همین باعث شده بود تا هنگامی که به عراق می‌رود بتواند بر روی نیروهای مردمی این کشور تأثیرگذار باشد. او به خوبی توانسته بود نیروهای «حشدالشعبی» را سازماندهی و فرماندهی کنند. حاج قاسم سلیمانی نیز از این مدیریت همسرم خوشش آمده بود و از او خواسته بود تا فرماندهی محور سامرا را بر عهده بگیرد. حاج حمید در زمان جنگ از نیروهای اطلاعات و عملیات و با شهید حسن باقری همرزم بود. پس از آن نیز مدتی فرماندهی قرارگاه رمضان را بر عهده داشت.

خوزستان نزدیک به ۱۰۰ شهید مدافع حرم را در کارنامه پرافتخار خود ثبت کرده است و بسیاری از فرزندان این استان در جبهه‌های نبرد با تکفیری‌ها و در راستای ارتقای محور مقاومت حضوری فعال دارند که همگی خاطرات بی‌نظیری از شجاعت‌ها، درایت‌ها، خونگرمی و ایمان بالای حاج سردار قاسم سلیمانی را برای مردم خوزستان نقل کرده‌اند که این موارد از عوامل محبوبیت این سردار رشید اسلام در خوزستان به شمار می‌روند.

سردار در کنار مردم سیل‌زده

اما نقطه عطف رابطه حاج قاسم سلیمانی و مردم خوزستان بی‌شک در حادثه سیل فروردین‌ماه ۱۳۹۸ بود که شهرهای استان خوزستان یکی پس از دیگری در میان هجوم سیلی ویرانگر به زیر آب می رفتند و آنجا بود که حاج قاسم سلیمانی جبهه‌های مقاومت در کشورهای اسلامی را رها کرد و رهسپار منطقه جنوب خوزستان شد تا به مردم سیل‌زده کمک کند.

مردم ناامید از مسئولان دولتی برای یافتن راهکاری برای جلوگیری از نابودی خانه و وسایل زندگی و زمین‌های کشاورزی خود، حاج قاسم سلیمانی را همچون نقطه امیدی در تاریکی می‌دیدند و حضور ساده و بدون تکلف وی در میان مردم و حرف زدن با آنها به زبان عربی، سختی‌های دوران سیل را برای آنها به حلاوت تبدیل کرد.

به خصوص آنجا که حاج قاسم سلیمانی با لباس‌های بسیار ساده و در حالی که روی یکی از سیل بندها در میان مردم محلی نشسته بود به مرد عرب دشداشه پوش که از مسئولان گلایه می‌کرد به زبان عربی و با زبانی شیرین و توأم با طنز می‌گوید: «باران نبارد ناراحت می‌شوی، باران ببارد هم ناراحت می‌شوی»، صحنه‌ای ماندگار از فداکاری‌ها و مردمی بودن سردار حاج قاسم سلیمانی را در ذهن مردم خوزستان حک کرده است.

فراخوان دادن به مدافعان حرم برای خوزستان

شاید تاریخی‌ترین جمله او در ایام سیل خوزستان و هنگام حضورش در کنار روستاهای سیلاب گرفته، فراخوان دادن به مدافعان حرم برای کمک به مردم سیل‌زده خوزستان و لرستان بود که گفت: مدافعان حرم برای کمک به مردم سیل‌زده به خوزستان بیایند.

فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران در همان فروردین‌ماه ۱۳۹۸ و در روزهایی که در خوزستان سیل‌زده حضور داشت در مصاحبه‌ای تاریخی گفت: در حال حاضر بسیاری اصرار می‌کنند که برای دفاع از حریم اهل‌بیت به سوریه اعزام شوند اما خوزستان در این حادثه نوعی دفاع از حرم است زیرا دفاع از حرم چه چیزی بالاتر از این است که کرامت یک انسان را حفظ کنید تا از خانه‌اش آواره نشود یا اینکه در اردوگاه‌ها کرامتش حفظ شود.وی گفت: اگر با حفظ کرامت مردم و بدون خسارت انسانی این کارها را انجام دادیم بدون شک نتیجه مهمی می‌توانیم بگیریم.

وقتی سردار، زبان مردم شد

سردار سلیمانی در هنگام سیل هم زبان حال مردم شد و حرف دل آنها را به گوش همه رساند. او گفت این سیل ۱۰ روز دیگر نیست. باید برای بحران‌های دیگر پیش‌بینی کرد که مردم دچار مشکل نشوند.

سردار گفت: بستان، سوسنگرد، حمیدیه، اهواز، خرمشهر و آبادان و امثال آن دژهای اساسی و پادگان‌های این کشور هستند. باید استحکامشان بالا باشد؛ ان‌شاءالله دولت در این زمینه فکر می‌کند و انجام می‌دهد.

حشد الشعبی در خوزستان

در همان روزها که خوزستان سخت محتاج کمک بود، حضور نیروهای حشد الشعبی با ۱۰۰ خودرو و کمک به مردم یکی دیگر از صحنه‌های ماندگار در ذهن مردم خوزستان را خلق کرد و چه کسی نمی داند که علت حضور آنها در خوزستان و در کشوری دیگر، شخص قاسم سلیمانی بود. اتفاقاً در آن روزها حضور ابومهدی المهندس که به همراه حاج قاسم سلیمانی در فرودگاه بغداد ترور شد، نشان می‌داد که این دو چقدر جدا نشدنی هستند.آن روزها گروهی از نیروهای حشد الشعبی و «جنبش النجبا» که یکی از چهل و چند تشکل تحت هدایت بسیج مردمی عراق است با یک‌صد خودرو سبک و سنگین و تجهیزاتشان از مرز مهران وارد ایران و روانه نواحی سیل‌زده شده‌اند. برخی هم از حضور نیروهای جهادی فاطمیون متشکل از داوطلبان مدافع حرم از همسایگان شرقی، در استان لرستان برای یاری‌رساندن به سیل‌زدگان خبر دادند. در ابتدا بیانیه‌ای انتشار یافت که در آن حشد الشعبی اعلام داشته بود یگان مهندسی و برخی ماشین‌آلات سنگین این سازمان برای منحرف کردن جریان آب سیل و جلوگیری از ورود آن به عراق وارد خاک ایران شده است. در ادامه، سفیر جمهوری اسلامی ایران در بغداد بیان داشت که اعضای حشد الشعبی با اخذ روادید از نمایندگی دیپلماتیک ایران در عراق برای کمک‌رسانی خواستار سفر به استان‌های غربی کشور شده‌اند.

ابومهدی المهندس فرمانده نیروهای حشد الشعبی عراق درباره حضور نیروهای خود در مناطق سیل زده ایران گفته بود: از تمام امکانات خود برای کمک‌رسانی به مردم آسیب‌دیده از سیل از موصل عراق تا اهواز استفاده می‌کنیم.

وی با بیان اینکه مدیون زحمات مجاهدین و مدافعان ایرانی حرم هستیم، اظهار کرد: مدافعان حرم خوزستان در جنگ با داعش و دفاع از حرم اهل‌بیت (ع) همراه ما بودند و امروز وظیفه ماست که در سختی‌ها به آنها کمک کنیم. برای کمک‌رسانی به مردم موصل و بصره نیز از امکانات حشد الشعبی در حال استفاده هستیم تا به مردم خدمت‌رسانی کنیم. از تمام امکانات خود برای کمک‌رسانی به مردم آسیب‌دیده از سیلاب در مناطق مختلف از موصل عراق تا اهواز استفاده می‌کنیم.

روابط عاطفی مردم خوزستان با سردار

استاندار خوزستان شنبه هنگام اعلام جزئیات مراسم تشییع پیکر سردار قاسم سلیمانی در اهواز گفت: با توجه به علقه و روابط عاطفی فراوان مردم خوزستان با شهید سلیمانی به خصوص خدمات در جریان سیل وی در فروردین‌ماه امسال به مناطق سیل‌زده، مردم شهیدپرور استان خوزستان تقاضاهای فراوانی برای میزبانی تشییع شهید سلیمانی در ورود پیکر پاکشان به کشور را کردند که با پیگیری‌های انجام شده با این تقاضا موافقت شد.

وی اظهار کرد: بر این اساس پیکر پاک و مطهر شهید قاسم سلیمانی پس از تشییع در کربلا و نجف وارد استان خوزستان خواهد شد تا مردم قدرشناس استان یکشنبه ضمن تشییع باشکوه این شهید والامقام محبت خود را به وی اعلام کرده و بار دیگر شهیدی از مکتب امام حسین (ع) را از این استان تشییع و بدرقه کنند.استاندار خوزستان اضافه کرد: شهید سلیمانی در جریان سیل فروردین‌ماه امسال به کمک مردم سیل‌زده استان خوزستان شتافت تا ثابت کند که خدمت جهادی مرز و حد نمی شناسد و مردمی که هشت سال دفاع مقدس را میزبانی کردند شایسته خدمت بوده و در کنار سختی های آنان قرار گیرد . وی گفت: شهید سلیمانی در طول مدتی که در جریان سیل در کنار مردم سیل زده استان قرار گرفت خاضعانه و خالصانه به مردم کمک کرده و در درد و رنج آنها مشارکت کرد تا روحیه آنها را در برابر سختی‌ها مضاعف کند. در همان روزهایی که در خوزستان سیل زده بود، سردار حاج قاسم سلیمانی یار دیرینه خود سردار شهید علی هاشمی را از یاد فراموش نکرد و به حضور در منزل شهید هاشمی با مادر وی نیز دیدار کرد. مادر شهید والامقام سردار علی هاشمی در دیدار با فرمانده سپاه قدس سپاه گفت: «سردار، حضور شما در مناطق سیل‌زده استان خوزستان برای من مثل حضور فرزندم حاج علی در این مناطق است از شما می‌خواهم مشاهدات خود از این مناطق را خدمت حضرت آقا برسانید.» از وقتی که خبر شهادت حاج قاسم سلیمانی منتشر شد تاکنون در خوزستان، باشکوه‌ترین و پرتعدادترین مراسم‌های گرامیداشت این سمبل مقاومت اسلامی برگزارشده است و عشایر خوزستان که جوانمردی همواره مورد احترام آنهاست و در شعارهای محلی خود بر جوانمردی تأکید زیادی دارند، اشعار بی‌نظیری در رثای این سردار ایرانی سروده‌اند و نمونه یزله های باشکوه مردم عرب کوت عبدالله و بستان و هویزه و حمیدیه و... برای شهادت حاج قاسم در این روزها را کمتر می‌توان در تاریخ یافت.

لقب سردار دل‌ها واقعاً برازنده حاج قاسم سلیمانی بود و این موضوع روز یکشنبه برای همه دنیا مشخص می‌شود که مردم خوزستان چگونه از خدمات، مجاهدت‌ها و فداکاری‌های این سردار مردمی خود با حضور باشکوه در مراسم تشییع پیکر مطهرش تجلیل خواهند کرد.

حاج قاسم سلیمانی در تروری ناجوانمردانه از میان رفت ولی منش مردانه و جوانمردانه این سردار اسلامی را مردم خوزستان که تاریخ گواهی به قدرشناسی آنها می‌دهد، هیچگاه در ذهن خود فراموش نخواهند کرد.



نفرسوم جشنواره

حدیث کریمی

عنوان اثر:

دوربین ها و قلم ها در مقابل ازدحام جمعیت سرخمیده شد

به گزارش پایگاه خبری هنر قلم_ حدیث کریمی_روزی که دوربین ها و قلم ها نتوانستند در برابر موج جمعیت مردم خوزستان قد علم کنند، در تاریخ ثبت شد اما روز سختی برای مردم کشورمان بود زیرا گوهر ارزشمندی در عراق به خاک و خون کشیده شد؛ آمریکا آنجا لانه کرده و دسیسه ای راه اندازی کرده بود تا بتواند الماس گرانبهای اسلام و ایران را از ما بگیرد آن هم در کشوری که سالهاست برادری خود را ثابت کرد

امریکا قادر نبود رو در روی شیر ایرانی، سردار حاج قاسم سلیمانی حاضر شود ؛ و در بامداد ۱۳ دی ماه ۱۳۹۸ او را به شهادت رساندند.

نخستین استان میزبان پیکر پاک سردار عاشقان، خوزستان دروازه تشیع بود

در این میان بودند افرادی که شاید کمتر دیده شوند اما نقشی را اجرا می کنند که هدایت افکار جوامع را بر عهده دارند؛ اصحاب رسانه های دیداری و شنیداری و مکتوب و عکاسان و فیلم برداران که با دوربین ها و قلم ها و صدای خود توانستند گوشه ای از این موج جمعیت عاشق استقبال کننده از سردار را به سمع و نظر جهانیان برسانند.

عکاس و خبرنگار خبرگزاری ایرنا در خوزستان با بیان اینکه سردار شهید قاسم سلیمانی، فرمانده بنام ایران و جهان بود، می گوید: به عنوان یک خبرنگار انقلابی و ایرانی، سردار شهید حاج قاسم سلیمانی را کاملا می شناختم.

حمیدرضا ترابی فرد لحظه شهادت سردار را این گونه تفسیر می کند: زمانی که خبر شهادت سردار شهید قاسم سلیمانی را بامداد ۱۳ دی ماه شنیدم، باور نمیکردم که خبر صحت داشته باشد تا اینکه خبر شهادت را در خبرگزاری جمهوری اسلامی رویت کردم. قلبم به تپش افتاد، باورکردنی نبود، تا صبح منتظر بودم تا به محل کار بروم و پیگیر اخبار و جریانات واقعه شوم.

ترابی فرد بیان می کند: پس از یک سال از شهادت فرمانده؛ جای خالی سردار در منطقه خالیست، وجود وی باعث دلگرمی برای ما در مقابله با دشمنان اسلام و انقلاب بود.

خبرنگار ایرنا در خوزستان عنوان می کند: در پی شهادت سردار اطرافیان با تماسهای مکرر در پی دریافت اطلاعات جدید از شهادت سردار بودند.

ترابی فرد در پاسخ به این سوال که در زمان پوشش خبری مراسم سردار چه چیزی بیشتر برای تان جالب بود، اظهار می کند: حضور جمعیت میلیونی برای تشیع پیکر سردار بی نظیر بود که انقلابی باشکوه را کشور به خود دید.

او خاطره ای از آن روز تشیع شهید سلیمانی می گوید: صبح روز ۱۷ دی ماه بود که از ساعت ۶ صبح در محل فرودگاه آبادان منتظر ورود پیکر شهید حاج قاسم سلیمانی بودیم تا گزارش تصویری از مراسم تشیع تهیه کنم، با گذشت زمان بر سیل جمعیت افزوده می شد، ساعت حدود ۱۱ صبح بود که هرطرف میدان فرودگاه آبادان را نگاه می کردم مملو از جمعیت بود که با ورود خودروی حامل شهید ابومهدی المهندس و قاسم سلیمانی برای تشییع به راه افتاد و جمعیت به حدی زیاد بود که اجازه تردد به خودرو ها داده نمی شد.

در اهواز هم از میدان مولوی تا چهار راه نادری تردد انسانی غیر ممکن بود، زمانی که با خودروی بالابر شرکت توزیع برق برای تصویر برداری به ارتفاع رفتم از آن بالا به محبوبیت سردار پی بردم که به حق شهید سلیمانی «سردار دلها» است که با شهادتش این جمعیت را به خیابان ها کشانده است.

تلخ ترین واقعه در ساعت ۱ و ۲۰ دقیقه بامداد رخ داد

ثریا زندیار؛ خبرنگار روزنامه روزان در خوزستان این گونه از شناخت خود در مورد سردار قبل از شهادت می گوید: سردار را بسیار عمیق می شناختم، اوج شناختم از این شخصیت محبوب، زمان حملات داعش به مردم بی گناه عراق و سوریه بود که آرزو می کردیم کسی بتواند داعش را نیست و نابود کند، از آنجایی که اقدامات امنیتی مرزی و برون مرزی را پیگیری می کردم، شخصیت مبارزه طلبانه و وطن دوستانه سردار سلیمانی را بیشتر شناختم و با سخنان ایشان در خصوص نابودی داعش، و حراست از خاک ایران، احساس امن بودن داشتم.

زندیار روز خبردار شدن شهادت سردار این گونه توصیف می کند: ساعت ۵ و ۴۰ دقیقه صبح بود از خواب بیدار شدم. طبق معمول هر روز، گوشی تلفنم را برداشتم که پیامهای دریافتی را بخوانم، یکی از دوستانم یک خبر کوتاه برایم ارسال کرده بود که: *"سردار قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس در فرودگاه بغداد به شهادت رسید."* برق از سرم پرید، بلند شدم ایستادم و دوباره نشستم؛ علیرغم اینکه دلم نمیخواست صحت خبر را پیگیری کنم اما همه ناگزیر بودیم آنچه رخ داده بود را بخوانیم، گروه های خبری و خبرگزاری های رسمی را چک کردم، و متاسفانه تلخ ترین واقعه در ساعت ۱ و ۲۰ دقیقه بامداد رخ داده بود و تلخ ترین خبر در تاریخ ثبت شده بود.

وی با بیان این که حال آن لحظه قابل توصیف نیست، و اصلا در قالب کلمات نمی گنجد، ادامه می دهد: فرمانده بیدار و هشیار ملت ایران در میدان ها بود، عمیقا ناراحت بودم و اینکه هیچ کاری از دست هیچکس بر نمی آمد، به عمق ناراحتی مان اضافه میشد. این روزنامه نگار با اشاره به اینکه یک سال از شهادت سردار گذشته، شهادت را پایان قصه مقاومت نمی داند و می گوید: البته که پس از شهادت ایشان، سردار سلیمانی های ایرانِ بزرگ بیشتر می شوند و راه سردار دلها ادامه دار خواهد بود اما اکنون دلمان برای سردار محبوبمان تنگ شده و این دلتنگی تمام شدنی نیست.

زندیار در ادامه از احوال و واکنش اطرافیانش در مواجهه با شهادت سردار می گوید: اطرافیانم هم از این رخداد تلخ به شدت ناراحت بودند، مادرم به محض اینکه برنامه ای در خصوص حاج قاسم از تلویزیون پخش می شود، تا پایان برنامه گریه می کند، تصاویر ایشان را که در روز تشییع با خود به خانه آورده بود، در خانه قاب کرده و برای شخصیت این شهید بزرگ و تمام تصاویر ایشان بسیار احترام قائل است. این حس در بین تمامی اعضای خانواده و نزدیکان وجود دارد.

احساس یتیمی کردم

در ادامه فاطمه زومند خبرنگار روزنامه کیهان می گوید: سردار را می شناختم و در جریان فعالیت های ایشان در سپاه قدس و مبارزه با داعش در عراق و سوریه بودم.

این روزنامه نگار خوزستانی ادامه می دهد: باشنیدن خبرشهادت سردار به شدت غمگین شدم و گریه کردم و قلبم درد گرفت و یکبار دیگر احساس یتیمی کردم چون سردار را به اندازه پدرم و شاید هم بیشتر دوست داشتم. زورمند بیان می کند: یکسال از شهادت سردار گذشته و بار غمش کم که نشد سنگین تر هم شد، دنیای بدون قاسم سلیمانی پشیزی نمی ارزد، دنیایی که خونخواران تحمل وجود نازنین سردار آزاده ما را نکردند و بزدلانه ترین راه یعنی ترور او را برنامه ریزی کردند، دنیای بدون حاج قاسم دنیای ترسناک و بی مهری است.

او از حال و هوای اطرافیانش می گوید: اطرافیان همه از محبین حاج قاسم بودند، مادر روزها کارش گریه بود و حسرت و افسوس میخورد، ساعت ها جلوی تلویزیون می نشست و با فیلم های حاج قاسم اشک می ریخت.

این روزنامه نگار در ارتباط با روز تشییع در اهواز اظهار می کند: عشق سردار که در دل همه بود و مخصوص هیچ دسته و گروهی نبود و همه طیفی برای تشییع آمده بودند و بسیار ناراحت و اندوهگین بودند، اهواز آن روز عجیب جمعیتی به خود دید ، مردم موج موج می آمدند تا فقط ارادت خود را به سرباز مخلص وطنشان ثابت کنند.

حاج قاسم برای ما اسطوره ای تاریخی بود

یکی دیگر از خبرنگاران خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) در خوزستان عنوان می کند: باتوجه به اینکه شغل رسانه و عرصه فعالیت در حوزه نیروهای مسلح را انتخاب کردم آشنایی خوبی با چهره‌ها و قهرمانان ملی از جمله سردار رشید اسلام حاج قاسم سلیمانی داشتم و از سال ۹۲ که نبرد مدافعان حرم با نیروهای تکفیری در سوریه و عراق شدت گرفت، رشادت های این انسان بزرگ، روز به روز برای ما بیشتر نمایان و آشنایی ما نیز بیشتر می شد.

رضا خبازان اظهار می کند: حاج قاسم دیگر برای ما به اسطوره ای تاریخی تبدیل شده بود و روزی نبود که اخبار ایشان را در رسانه ها دنبال نکنیم.

او ادامه می دهد: بامداد جمعه سال ۱۳۹۸ شاید خبر شهادت سردار دل ها بزرگترین شوک تاریخی بود که به ملت ایران وارد شد؛ روز جمعه معمولاً وقت استراحت است اما با این وجود ساعت ۸ صبح از خواب پریدم و مانند همیشه ابتدای گوشی همراه خود را چک کردم که یکی از همکاران رسانه ای عکسی از صحنه شهادت حاج قاسم برای من ارسال کرده بود بدون هیچ توضیحی، فقط نوشته بود رضا حاج قاسم رفت .

خبرنگار خبرگزاری ایرنا خوزستان با بیان اینکه در ابتدا گمان کردم یک شوخی رسانه ای است اما وقتی سایر گروه های مجازی را بررسی کردم یکباره آوار بر سرم خراب شد، می افزاید: فعالیت در عرصه رسانه و دیدن صحنه های خشن و شاید تا اندازه احساسات را از ما به دور کرده اما این نخستین باری بود که بغض گلوی من را گرفته و اشک از چشمانم جاری شد و بیشترین چیزی که من را ناراحت میکرد این بود که چرا در این لحظه کاری از دست من بر نمی آید.

او تصریح می کند: هرچه ساعت های بامداد جمعه میگذشت خبرها و روایت های متعددی از لحظه شهادت سردار سلیمانی به گوش ما می رسید و تنها کاری اهواز دستم بر می آمد این بود که به دفتر خبرگزاری بیایم تا شاید بتوانم اخبار را بهتر پیگیری کنم.

خبازان می گوید: آن روز سخت ترین لحظه‌های زندگی را تجربه کردم و گویا آرزوی دیرینه دیدار سردار سلیمانی را دیگر باید به فراموش می سپردم و این بیشتر از هرچیزی آزارم می داد.

او در ادامه با بیان اینکه اکنون که یک سال از شهادت سردار سلیمانی گذشته، هنوز داغ از دست دادن این بزرگمرد و رشادت هایی که در زمان سیل خورستان داشت از یاد من نرفته و روز به روز برای الگو برداری از شخصیت والای ایشان با خود تمرین می کنم. تاکید می کند: حاج قاسم از میان ما رفت اما مکتب سلیمانی زنده است و ما نیز رهروان او خواهیم ماند.

خبازان در ارتباط با روز تشییع سردار دلها در اهواز می گوید: در زمان تشییع پیکر مطهر سردار سلیمانی حضور کودکان گریان بیشترین صحنه قابل توجه بود چرا که این کودکان هیچگاه درکی از وجود حاج قاسم نداشتند اما غم از دست رفتن یک بزرگمرد تاریخی ایران را احساس کرده بودند.

خبرنگار ایرنا در خوزستان بیان می کند: تنها خاطره ای که در این روز به یاد دارم ازدحام جمعیت و برای ثانیه هایی سختی نفس کشیدن بود که آن زمان فهمیدم که چه گوهر با ارزشی را از دست داده ایم که مردم اینگونه با ماتم نشستند.

هنوز متوجه نیستیم چه کسی را از دست داده ایم

خالدی که به عنوان عکاس پایگاه خبری رهیاب نیوز در مراسم تشییع سردار حاضر شده بود هم در وصف سردار سلیمانی می گوید: به قول فرمایشات مقام معظم رهبری" حاج قاسم یک شخص نبود یک مکتب بود" ؛ در مورد شناخت بنده از سردار، همیشه به دوستانم می گویم: هنوز تنمان گرم است و متوجه نیستیم چه کسی را از دست داده ایم.

این عکاس خوزستانی در خصوص وصف لحظه شهادت سردار می گوید: ابتدا از فضای مجازی این خبر را متوجه شدم؛ دست بریده حاج قاسم را باورم نمی شد، با خود می گفتم این هم یک حاشیه است که در فضای مجازی منتشر شده، ساعت ۲۲ و ۴۵ دقیقه بود که از طریق شبکه خبر این حادثه تایید شد و آن لحظه نمی‌دانستم باید چه کار کنم، هیچ چیزی به ذهنم نمی رسید تا دوستان گفتند که قرار است در مصلای اهواز، مراسمی بعد از نماز جمعه برگزار کنیم و من هم در آن مراسم کمک هایی انجام دادم. هنوز که هنوز است

بعد از یک سال از شهادت سردار، با دیدن عکس ها و فیلم هایش در رسانه ملی و فضای مجازی، حال من همچنان خوب نیست، امیدوارم تا زمانی که زنده ام چنین قهرمانانی را از دست ندهیم.

خالدی، شب حادثه را اینگونه تشریح می کند: شب شهادت حاج قاسم به دوستان گفتم انتقام میگیرم، روز تشییع فیلمی از دختر بچه ای گرفتم که می گفت عمو قاسم را آمریکایی ها شهید کردند، خواهرزاده شش ساله ام با دیدن این فیلم تحت تاثیر قرار گرفت. حاج قاسم در سخنرانی هایشان فرموده بود "آن دختر کم حجاب هم هم دختر من است" می شد این فرمایش حاج قاسم را در بین مردم و روز تشییع دید، مردم از هر تیپ و ظاهر و مذهب با هر پوشش، زن و پیر و موان و بزرگ و کوچک برای بدرقه پیکر پاکش آمدند.

می توان نام باشکوه ترین و بی بدیل ترین تشییع را برای میزبانی مردم خوزستان و اهواز از شهدای حادثه ۱۳ دی ۹۸ در عراق و سردار بزرگ حاج قاسم سلیمانی در تاریخ نوشت.

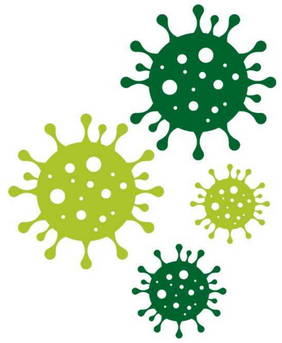
این عکاس خبری خاطره ای از سردار بیان می کند: در جریان سیل ۹۷، یک روز یک بالگرد بر فراز آسمان روستای بام شهرستان اهواز پرواز کرد با خود گفتم" کاش من هم در آن هواپیما بودم و تصاویری را به ثبت می‌رساندم و این حادثه سیل را به خوبی پوشش می دادم. چیزی نگذشت که سه نفر در آب به سمت ما می آمدند وقتی خوب نگاه کردم حاج قاسم و دو نفر دیگر را دیدم... واقعاً زبان قاصر است برای گفتن لطف و محبتی که سردار دلها به مردم استان خوزستان و سایر کشور داشته است. انشاللّه دیگر چنین اتفاق تلخی برای ایران بزرگ شاهد نباشیم.

به گزارش پایگاه خبری هنر قلم، خوزستانی ها با شکوه هر چه تمامتر پیکر پاک سردار دلها حاج قاسم سلیمانی را تشییع کردند اما این دوربین ها و قلم ها بودند که در مقابل ازدحام جمعیت میلیونی سر فرود آوردند، جمعیتی که عاشقانه برای شهادت سردار اشک می ریخت اما پیمان بستند که استوار از همیشه راه شهدا را ادامه دهند.

شرکت توسعه نیشکر
و صنایع جانبی

SUGARCANE & BY-PRODUCTS
Development Company

بخش کرونا





نفر اول جشنواره

زهرا رضاپور

عنوان اثر:

کودکان کار فراموش شدگان بی دفاع در مقابل کرونا

ما هم می دانیم که این ویروس شوخی بردار نیست و اگر پیشگیری نکنیم سلامت مان در خطر است برای ما هم این موضوع مهم است اصلا خود سلامتی هم که مهم نباشد به خاطر هزینه های درمان هم که شده باید مراقب خود باشیم اما تکلیف هزینه ها و مخارج خانواده که بعد از فوت پدرم بر عهده ی من و برادرهایم است و ناچاریم در هر شرایطی کار کنیم چه می شود؟

کاوش اخبار؛ زهرا رضاپور: این روزها در کنار تمام شهروندانی که سعی می کنند با درخانه ماندن و دیگر خود مراقبتی ها از مبتلاشدن به کرونا پیشگیری کنند کودکانی هم هستند که نه تنها ناچار هستند از خانه بیرون بیایند بلکه محصولات بهداشتی مانند ماسک و مواد ضدعفونی کننده هم برای آن ها معنا ندارد و همه ی فکر و ذکرشان تامین مالی خانواده هایشان در قبال دود کردن رویاهایشان با اسپند یا پاک کردن آرزوهای کودکانه ی خود با تمیز کردن شیشه های خودروها پشت چراغ های قرمز اهواز کرونا زده هستند.

یحیی یکی از هزاران کودک کار در کشورمان است که در این روزهایی که مرتبا می شنویم "از خانه خارج نشوید" برای غلبه بر فقری که در آن گرفتار شده اند چاره ای جز بیرون رفتن ندارد. یک خواهر کوچکتر از خود و یک برادر ۱۵ ساله دارد که او هم تا پیش از تصادف سختی که برایش رخ داد سرچهار راه ها کار می کرده اما حالا مدتی است خانه نشین شده و حجم کار را برای یحیی بیشتر کرده است، تا جایی که از خیر مدرسه رفتن هم گذشته است.

برای پرداخت مهریه مادرم کار می کنم

یحیی ظرف اسپند را تکانی می دهد و می گوید: کلاس ششم ابتدایی هستم اما تنها ۲ سه ماه اول سال را به مدرسه رفتم تا بیشتر کار کنم چون باید پول مهریه مادرم رو دربیاورم، پدرم به خاطر پلاتین هایی که توی پایش است خیلی کم می تواند کار کند.

با وجود عجله ای که برای رفتن سرکارش دارد کمی دیگر برایم حرف میزند، از زندگیش که باید کودکانه می بود اما به خاطر شرایط خانوادگی اش نیست و بعد با جمله ی صادقانه اش قشنگ ترین خداحافظی را برایم رقم می زند "خداحافظت باشه".

رحمان یکی دیگر از کودکان کاری است که لابه لای خطوط عابر پیاده و پشت چراغ قرمزها وقت و امکاناتی برای مقابله با ویروس کرونا ندارد و همچنان برای خانواده اش به همراه ۲ برادرش درآمدزایی می کند.

اسمش رحمان است اما در ابتدا که فکر می کرد مامور بهزیستی به سراغش آمده تا مانع کار کردن او شود با استدلالی کودکانه خودش را علی معرفی می کند، کلاس دوم دبستان است و هنوز با هر سختی که شده به مدرسه می رود البته شاید این سواد آموزی را مدیون برادر بزرگتر از خودش باشد که ترک تحصیل کرده تا باری از دوش خانواده بردارد و بیشتر فرصت کار کردن داشته باشد.وقتی به او گفتم چرا با وجود شیوع ویروس کرونا باز هم کار می کند و خبر دارد همین ویروس چند نفر را مبتلا کرده وچند قربانی برجای گذاشته، پاسخ داد: بله میدانم، تاحالا فقط درخوزستان جان چهار نفر را گرفته است

مادرم ۲۴ ساعته اخبار مربوط به کرونا را دنبال می کند و از این می ترسد که ما هم مبتلا شویم اما چاره ای هم نداریم و باید به کارمان ادامه دهیم وگرنه...چراغ که قرمز می شود برای شستن شیشه ی خودروها با جثه ی ریزش به سرعت به طرف خیابان می رود.

اما برادرش که انگار حرف دل رحمان را از بر است جمله اش را کامل می کند و می گوید: ما هم می دانیم که این ویروس شوخی بردار نیست و اگر پیشگیری نکنیم سلامت مان در خطر است برای ما هم این موضوع مهم است اصلا خود سلامتی هم که مهم نباشد به خاطر هزینه های درمان هم که شده باید مراقب خود باشیم و مانند سایر مردم که این روزها به ندرت از خانه خارج می شوند ما هم در خانه بمانیم اما در این صورت تکلیف هزینه ها و مخارج خانواده که بعد از فوت پدرم بر عهده ی من و برادرهایم است و ناچاریم در هر شرایطی کار کنیم چه می شود؟ وقتی نمی توانیم کار را تعطیل کنیم یا حداقل ماسک و دستکشی تهیه کنیم چه کنیم؟ همین ۲ سه روز پیش بود که قصد داشتم ماسک بخرم، البته بیشتر برای رحمان که ۲ هفته پیش دچار سرماخوردگی شدیدی شد اما چندین داروخانه رفتم که نداشتند.

احمد برادر ۱۹ ساله ی رحمان است که به گفته ی خودش از یک سالگی با کار کردن در چهارراه ها آشنا شده، او می گوید: از چند روز پیش تا حالا مردم به خاطر ویروس کرونا تردد کمتری در خیابان ها دارند و حتی از برخورد با ما می ترسند برای همین درآمد کمتری داشته ایم سکوت می کند و در حالی که غصه دار به جایی خیره شده ادامه می دهد: ببین خودت. رد نگاهش را که می گیرم علت سکوتش را متوجه می شوم، کمی آن طرف تر مردی حدودا ۴۰ ساله بر سر رحمان که قصد داشت شیشه ی خودرویی را تمیز کند فریاد زد "برو کنار کرونا داری".

احمد بعد از چند ثانیه می گوید: برادر دیگرم رحیم که سوم ابتدایی است هم در چهارراه بالایی کار می کند چون اگر تعداد بالا در یک چهارراه باشند پول کمتری بدست می آوریم برای همین شیفت کاری گذاشته ایم، روز ما اینجا هستیم و شب گروه دیگری می آیند.

چهار راه بعدی که می روم تعدادی کودک و نوجوان دیگر هستند که هریک خود را مشغول کاری کرده اند از اسپند دود کردن تا شیشه ی خودروها را تمیز کردن و بادکنک و آدامس فروختن، بین آن ها پسری بود که به او می خورد ۱۷، ۱۸ ساله باشد.

مصطفی هم از اینکه مجبور است در این شرایط پشت چراغ قرمزها کار کند می گوید و با ناراحتی اضافه می کند: اوضاع ما بد بود با آمدن کرونا بدتر هم شد بعضی ها اصلا اجازه نمی دهند به آن ها و خودرویشان نزدیک شویم چه برسد به اینکه پولی به ما دهند، حتی پیش آمده با وجود ماسک و دستکشی که دارند شیشه ماشین را سریع بالا می کشند و از پشت شیشه از ما می خواهند که دور شویم. هرچند قبلا هم بعضی مواقع چنین رفتاری با ما می شد اما اخیرا به خاطر این ویروس خیلی بیشتر شده است.

نوجوانی که پدر هفت بچه است

مصطفی خستگی از سر و رویش می بارد، خسته و رنجور تر از دیگر همراهانش. تا حدی که چندین بار بین صحبت ها یک دفعه سکوت می کند و جمله اش را ناتمام باقی می گذارد و بعد دوباره ادامه می دهد علت این کلافگی با جمله ای که می گوید مشخص می شود: سه خواهر و چهار برادر دارم، با این سن پدر هفت بچه شدم برای همین دیگر وقتی ندارم به این بیماری جدید و خطراتش فکر کنم همین حالا هم کرونا خیلی به من بدهکار است چون باعث شده درآمدم کمتر شود، فقط می گویم کاش پنجمین قربانی کرونا من باشم.

چهارراه دیگر دختر بچه ای حدودا ۱۰، ۱۱ ساله بین خودروها با ظرف مخصوص اسپند دود کردن در یک دست و بطری حاوی اسپند در دست دیگر پرسه می زند و هر از گاهی زغال را فوت می کند تا شاید اندکی بیشتر با آن کاسبی کند.

از بهزیستی آمدی که نذاری کار کنیم؟ آخه بهزیستی نمیذاره ما کارهایی مث اسپند دود کردن یا شیشه تمیز کردن را انجام بدیم باید اگر می خوایم اینجا کار کنیم چیزی مثل دستمال کاغذی یا لنگ بفروشیم ولی من پول خرید این ها را ندارم علاوه بر این با فروش مثلا دستمال روزی ۳۰ تا ۴۰ تومان پول بدست می آوریم که کفاف هزینه های زندگی را نمی دهد اما با اسپند دود کردن تا روزی ۱۲۰ تومان کار می کنیم که البته چند روزی می شود که نصف این مبلغ پول در می آوریم. این جملات را طیبه تند تند و پشت سرهم برایم ردیف کرد.

طیبه کودک دیگری است که چرخ سنگین زندگی را با دستان کوچکش می چرخاند. ۲ خواهر بزرگتر و یک برادر کوچکتر از خود دارد، او می گوید: چون هوا رو به گرم شدن می رود تعداد ما شب ها خیلی بیشتر می شود و اکثر دخترا هم همان موقع می آیند.

اسپند برای ما ضد کروناست!

با زبانی ساده به او می گویم که این روزها کمتر سرچهار راه ها قرار بگیرد یا حداقل از ماسک و دستکش استفاده کند تا ویروس جدید برایش خطرساز نشود که با لبخند بی جانی می گوید: اسپند خودش ضد کروناست.

خودش هم به این حرفش می خندد اما باز هم اصرار دارد با چهره ای منطقی که به خود گرفته نشان دهد حداقل ما هم یک مورد از خود مراقبتی های این روزها را انجام می دهیم.

در آخر به او دستکش می دهم که بلافاصله خوشحال از گرفتن تنها یک جفت دستکش با همان دستان سیاه شده از زغال از آن ها استفاده می کند و در اعتراض من به این کار، می گوید: اشکالی ندارد و با تشکری مجدد می رود.

این روزها کودکان کار فراموش نشوند

کودکان کار به دلیل برخوردهای زیادی که با افراد مختلف و بعضا اشیاء آلوده دارند هم در معرض خطر مبتلاشدن هستند و هم می توانند بیشتر از افراد دیگر ناقل ویروس کرونا باشند لذا توجه به سلامت آن ها گرچه در هر زمان و شرایطی لازم است اما در این برهه ی حساس ضروریت بیشتری دارد.

رساندن اقلام بهداشتی مذکور علاوه بر بعد بهداشتی نشان از توجه به سلامت کودکانی دارد که آرزوهای خود را در خیابان ها و پشت چراغ قرمزها به فراموشی می سپارند.

دوران جولان دادن کرونا هم بالاخره هرچند سخت و تلخ تمام می شود اما برای کودکان کار کرونا می تواند همین جمله ی مصطفی باشد که گفته بود؛ ای کاش پنجمین قربانی کرونا باشم یا نگاه حسرت زده ی یحیی که خوره می شود به جان و آدم را به تنگی نفس می اندازد.



نفردوم جشنواره
کوثرکریمی
عنوان اثر:

کرونای اهواز به بی‌آبی آراسته شد/ تب تشنگی در عین دو

خبرگزاری مهر؛ گروه استان‌ها – کوثر کریمی: قصه غصه‌های منطقه عین دو در اهواز حکایت امروز و دیروز نیست؛ منطقه‌ای محروم و حاشیه شهر اهواز که در جاده اهواز به سوسنگرد و تنها کمی آن طرف‌تر از منطقه سه راه خرمشهر واقع شده است.

تلاقی آب و فاضلاب، کیفیت پایین آب، نبود آسفالت، محرومیت و دردهای دیگری که باعث شده مردم منطقه رنج نبود امکانات را به دل کشیده و رنگ توسعه را به چشم خود نبینند.

هرچند که کوی عین دو، یک منطقه محروم و کم برخوردار است ولی برخی خانواده‌ها از فقر مطلق رنج می‌برند؛ خانواده‌هایی پرجمعیت با کمترین حمایت مالی اقتصادی که ابتدا معیشت آنها و سپس سلامتی کودکان را به خطر انداخته است. در بحبوحه شیوع ویروس کرونا و توصیه به رعایت نکات بهداشتی، در اهواز اما تب تشنگی کوی عین دو به اوج رسیده است و زمزمه دردهای مردم به گوش کسی نمی‌رسد. بچه‌ها مشغول بازی هستند؛ یکی با دوچرخه غرق در خاک شده و باز بلند می شود، دیگری هم سیب قرمزش روی زمین افتاده و وقتی آن را بر می‌دارد بدون هیچ ملاحظه‌ای حتی بدون توجه به شیوع ویروسی که با عدم رعایت بهداشت آثار مرگباری دارد، دوباره سیب را سمت دهان می‌برد و محکم گاز می‌گیرد.

وضوی شک دار

پسر جوانی در عین دو در گفتگو با خبرنگار مهر، ابتدا با گلایه از بیکاری فرزندان خانواده‌های دارای کنتور آب که هر ماه پرداخت قبوض را انجام می‌دهند، می‌گوید: آنهایی که کنتور و انشعاب رسمی آب دارند، بارها شاهد قطعی آب هستند؛ همچنین افراد بدون انشعاب نیز بارها درخواست ارائه داده‌اند ولی کسی برای رفع مشکل مراجعه نمی‌کند.

او با گلایه از اینکه اوایل اعلام شده که به مناطق کم برخوردار انشعابات آب و گاز رایگان داده می شود ولی خبری نشده است، ادامه می‌دهد: مسئولان باید برای بازدید و اطلاع از وضعیت عین دو به این منطقه بیایند چون آن قدر وضع بدی داریم که آدم موقع وضو گرفتن هم به شک می‌افتد که شاید نه آب، بلکه لجن داریم.

این جوان اهل عین دو با اشاره به شکوائیه‌های بسیار به مسئولان برای رفع مشکل آب عین دو یادآور می‌شود: هرچند مدیرعامل آبفای اهواز به منطقه آمد ولی کاری نکرد؛ آنها فقط خودشان رو گول می‌زنند؛ مردم این منطقه گناه دارند چون برخی مواقع چهار صبح آب وصل و بعد از مدت کمی دوباره قطع می‌شود.

کنتور هست ولی آب تصفیه خریداری می‌شود

موهایش سفید شد، هرچند که سن و سالی ندارد؛ دمپایی به پا کرده و با لباس‌های خانگی خود به اصرار همسایه‌ها بیرون آمده تا کمی از درد آنها بازگو کند.مرد میان‌سالی که گویا بیشتر از دیگر اهالی پیگیر مشکلات و مصائب محله است، با اشاره به جمعیت ۳۰ تا ۳۵ هزار نفری این منطقه در گفتگو با خبرنگار مهر می‌گوید: بخشی از منازل انشعاب آب تهیه کرده‌اند ولی با این حال همین تعداد هم دارای کنتور آب فرسوده‌ای هستند که آبفا برای تعویض آنها اقدامی نکرده است.

ابوجلال با اشاره به اینکه خدمات‌رسانی نامطلوب به مشترکان موجب بی‌انگیزه شدن دیگر اهالی برای گرفتن انشعاب شده است، خطاب به مسئولان ادامه می‌دهد: باید به داد این مردم مظلوم و بیکار برسید؛ آنها با وضعیت معیشتی مالی بد خود در شرایط سختی هستند.

او طرح سوال می‌کند که چرا کسی که کنتور دارد و حق آب بهای خود را پرداخت می‌کند باید یک آب بی‌کیفیت را در لوله‌کشی منزل دریافت کند و در ادامه از روی اجبار آب تصفیه‌ای که قبلاً بشکه‌ای ۲۰۰ تا ۵۰۰ بوده ولی این روزها به ۱۵۰۰ تا دو هزار تومان افزایش پیدا کرده را خریداری کند؟

مسئولان بی مردم ارزشی ندارند

این شهروند ساکن عین دو با اشاره به اینکه مسئولان باید وجدان کاری داشته باشند، می‌گوید: مسئولان باید به فکر مردم باشند چون آنها بدون مردم هیچ ارزشی ندارند؛ رئیس آبفا هم بدون ملت ارزش یک ریال هم ندارد.

ابوجلال با اشاره به اینکه استاندار خوزستان چندین بار از عین دو بازدید کرده ولی مسئولان حرف گوش کنی نداریم، یادآور می‌شود: استاندار می‌آید و مدیران را جمع می‌کند؛ آنها وعده فردا و پس فردا را به استاندار می‌دهند ولی تا حالا در عمل چیزی نشان نداده‌اند؛ بنابراین از مقام ارشد استان انتظار داریم که مدیران را به انجام کار، بدون وعده و وعید، اجبار کند.

او با اشاره به اینکه هیچ خدمات‌رسانی از آبفا ندیده است، می‌گوید: وقتی استانداری خوزستان برای مسئله آب منطقه اعتباراتی را اختصاص می‌دهد باید از مدیران زیر مجموعه هم طرح سوال داشته باشد که چرا فقط ملت را سرکار می‌گذارند؟

بیماری روده‌ای کودکان

چشم‌هایش برای دیدن دردهای منطقه کم آورده‌اند و برای همین دو چشم دیگر هم قرض گرفته و عینک‌هایش را روی صورتش جابه‌جا می‌کند؛ بچه‌ای یک و نیم ساله را بغل کرده و مشغول صحبت با همسایه‌ها شده است.

مرد جوان اهل عین دو با گلایه از شوره‌زار شدن منطقه می‌گوید: اگر آب با کیفیت از لوله‌کشی دیگر منازل به مردم داده شود آن وقت برای خرید کنتور اقدام می‌کنم؛ وقتی در حال حاضر همه (خانه‌های با کنتور یا بی کنتور) برای شست‌وشو و حتی آب خوراکی باید آب تصفیه خریداری کنیم، دیگر دلیلی برای پرداخت هزینه لوله‌کشی، نصب کنتور و یا بعد از آن قبض آب وجود ندارد.

او با گلایه از اینکه در مقابل نبود خدمات‌دهی و یا فاضلاب و لجنی که از لوله‌کشی بیرون می‌آید نیازی به پرداخت هزینه نیست، ادامه می‌دهد: پسر یک سال و نیمه من به خاطر بیماری (عفونت روده، کلیه و مثانه) ۱۵ روز در بیمارستان ابوذر بستری شده ولی آبفا با هزار دردسر یک نیرو برای لایروبی منهول ها به منطقه اعزام می‌کند که با یک فنر ساده چند دقیقه‌ای دوباره ناپدید می‌شود؛ دود این بی توجهی به چشم کودکان می‌رود و آنها بیماری پوستی می‌گیرند.

این مرد جوان بیکار با گلایه از نبود آب در منطقه و حمام چهار روز یک بار فرزندانش می‌گوید: آبی که می‌خوریم از فاضلابی است که با پر شدن منهول زیر زمین رفته و پمپ‌های آب آن را به خانه‌ها پمپاژ می‌کند.

بهداشت نباشد کرونا می‌گیریم

پسرهای قد و نیم قد یکی پس از دیگری از خانه بیرون آمدند و با هم سر و کله می‌زنند؛ یکی به حیاط بر می‌گردد و دیگری به دنبال آب برای شستن دست‌ها ناامید شده است و به خیابان بر می‌گردد.

مادر خانه اما زنی جوان و لاغر است که بنا به اعلام همسایه‌ها همسرش دار فانی را وداع گفته و او را به ۶ پسر و مشکلات اقتصادی محتمل تنها گذاشت.

این بانوی خانه‌دار که به زبان فارسی مسلط نیست با همکاری یکی از همسایه‌ها برای ترجمه می‌گوید: آب قطع شده و همه وسایل حتی ظروف غذاخوری از صبح تا حالا بدون شستن باقی مانده است.

او با اشاره به اینکه برای رعایت بهداشت آب ندارند، گلایه می‌کند: می‌گویند که «بیماری کرونا آمده» ولی اینجا در عین دو وضعیت بهداشتی ضعیفی داریم؛ من چند تا بچه دارم و وقتی بهداشت نباشد، ۱۰۰ درصد کرونا می‌گیریم.

ماشین وانت با مخزن آب تصفیه آمده و با شیلنگ بشکه‌های آب تصفیه مردم را یکی پس از دیگری پر می‌کند؛ پیرمردی با محاسن سفید نیز که برای خرید آب آمده از روزگار و بی‌توجهی مسئولان گلایه ها دارد. عمو حسین می‌گوید: من کنتور دارم ولی گاهی مواقع حتی به مدت نیم روز آب قطع است؛ آب از لوله‌کشی نداریم و فقط لجن می‌شود، این درست نیست لجن را از کنتور بخریم و آب تصفیه را هم آزاد بخریم، یعنی نمی‌شود که دو بار پول خرید آب را بپردازیم.

او در آخر گلایه می‌کند: اگر آب تصفیه و با کیفیت از لوله‌کشی دریافت کنم آن وقت حق آب بها و قبوض آب را پرداخت می‌کنم ولی وقتی آب تصفیه برای شرب را به صورت آزاد خریداری می‌کنم چرا باید پول لجنی را بدهم که آب تصفیه شده نیست و نامش را «آب لوله‌کشی» گذاشته‌اند؟

مرد میان‌سالی هم که به عنوان فروشنده آب با وانت سفید رنگ خود خیابان‌ها را طی و به مردم آب تصفیه ارائه می‌دهد نیز در گفتگو با خبرنگار مهر می‌گوید: آب لجن را تصفیه و برای خانه‌ها می‌آوریم؛ آب معمولی نیست و با کُلر و فیلترهای آب تصفیه کُن برای مردم زحمت می کشیم تا آب را برای فروش به منطقه بیاوریم.

در آخر اما حرف همه اهالی یکی می‌شود و آن هم قطعی مکرر آب است و اینکه کودکان بسیاری دچار بیماری‌های روده‌ای یا خارش پوستی شده‌اند؛ آنها انتظار دارند که مسئولان به جای سرکار گذاشتن مردم منطقه عین دو، فقط و فقط به فکر کودکان باشند.

رسیدگی ویژه به عین دو

استاندار خوزستان نیز در خصوص مشکلات منطقه عین دو اهواز در گفتگو با خبرنگار مهر اظهار می کند: مصوب شده تا یک کار ضرب الاجلی ظرف یک ماه و نیم انجام شود؛ آن هم اینکه از کانال چمران روزانه بین دو و نیم در نهایت تا چهار مترمکعب بر ثانیه از آب کرخه به سمت تصفیه‌خانه کیان آباد منتقل و از آنجا برای مناطق مختلف اهواز پمپاژ شود.

غلامرضا شریعتی ادامه می‌دهد: یعنی میزان آب تأمینی از کرخه برای اهواز از حدود ۵،۷ مترمکعب در ثانیه به حدود ۸ مترمکعب در ثانیه برسد.

وی خبر می‌دهد: در بالاترین زمان مصرف یعنی تابستان مصرف آب اهواز حدود ۹،۵ تا ۱۰ مترمکعب است که دو متر آن هم از کارون گرفته می‌شود، تا این مشکل حل شود.

استاندار خوزستان در پایان با تأکید بر رسیدگی ویژه به منطقه عین دو می‌گوید: برنامه‌ریزی این بوده است که تا پایان خرداد ماه امسال مشکل برطرف شود.

اجرای ۱۴ کیلومتر شبکه فاضلاب در عین دو

مدیرعامل آبفای اهواز نیز در گفتگو با خبرنگار مهر اظهار می‌کند: خدماتی که شرکت آب و فاضلاب اهواز به این منطقه ارائه کرد، اجرای حدود ۱۴ کیلومتر شبکه فاضلاب است که باعث شده تا شبکه آن در خیلی از نقاط جدید شود.

بهنام مریدی با بیان اینکه این شبکه‌ها در سه سال اخیر انجام شده است، ادامه می‌دهد: جنس لوله های جدید پلی‌اتیلن هستند ولی قدیم بتنی کار می‌شد.

وی بیان می‌کند: در حال حاضر در بخش فاضلاب عمده‌ترین مشکل موجود در منطقه عین دو خط خروجی است که آن را اجرا کردیم ولی ورودی به ایستگاه پمپاژ که آخرین ایستگاه پمپاژی در منطقه عین دو است، فاضلاب را پمپاژ و به نهری می‌ریزد تا فاضلاب را دفع کند.

مدیرعامل آب و فاضلاب اهواز می‌گوید: خود ورودی خط نشست کرده است که بخشی از آن را انجام داده‌ایم ولی به دلیل اینکه آنجا اکثر خانه‌ها بافت قدیمی و با استانداردهای مهندسی ساخته نشده اند عمق لوله پایین و به طور تقریبی ۶ متر است.

مریدی تصریح می‌کند: این پروژه قبل از سال جدید آغاز شد اما به دلیل اینکه عمق لوله پایین و بافت زمین به گونه‌ای است که خیلی از آنها خاک دستی و نخاله بود، شروع به ریزش کرد که تنها راهکار آن سپرکوبی بود که اگر انجام می‌شد همه خانه‌ها را دچار مشکل می‌کرد و عملاً این راهکار منتفی شد چون موجب ریزش خانه می‌شد؛ پس بهترین کاری که به ذهن متبادر می‌شد، تسمه بستر بود که در این راستا عمق لوله را تغییر و با شفت آهک خاک را تثبیت کردیم.

کرونا و تعطیلی پروژه

وی ادامه می‌دهد: وقتی شفته آهک ریخته می‌شود، باید حدود یک ماه اجازه داد تا خاک خود را بگیرد؛ بنابراین بحث ورودی پمپاژ عین دو در دستور کار است و به طور قطع این پروژه را اجرا می کنیم.

مدیرعامل آب و فاضلاب اهواز با بیان اینکه پروژه به دلیل شیوع ویروس کرونا و تعطیلی کارگاه‌ها، مراکز و معادن تأمین مصالح و همچنین حضور نداشتن کارگران غیرفعال است، می‌گوید: اما با فعال شدن مراکز و تأمین مواد اولیه دوباره این پروژه آغاز به کار می‌کند چون تأثیر بسیاری را در خط فاضلاب عین دو دارد.

مریدی با اشاره به اینکه لایروبی‌ها به دلیل سطح بالای فاضلاب منطقه مقطعی است، یادآور می‌شود: خط خروجی برای ما بسیار حائز اهمیت است، خروجی ایستگاه انجام شده اما بحث ورودی یعنی از جایی که جمع کننده اصلی باید اجرا شود، پیمانکار و اعتبار مشخص شده و تأمین بودجه از محل اعتبارات نفت در دستور کار است.

وی در خصوص بحث «آب شرب» در منطقه عین دو بیان می‌کند: پنج هزار خانوار در منطقه عین دو وجود دارد که از این تعداد حدود دو هزار و ۶۰۰ خانوار مشترک آبفا هستند یعنی به طور تقریبی ۵۰ درصد کل جمعیت منطقه مشترک نیستند و به صورت غیرمجاز از شبکه و یا جایی که خط انتقال آب است، برداشت کردند که به طور قطع وقتی با استانداردها کار انجام نشود شبکه را دچار افت فشار می‌کند.

خانواده‌ها متقاضی نیستند

مدیرعامل آب و فاضلاب اهواز عنوان می‌کند: برای این منطقه یک خط ۴۰۰ داریم که از میدان سه راه خرمشهر و از یک نقطه به بعد با خط ۲۵۰ اختصاصی برای منطقه عین دو شبکه کشیده شده است؛ این خط فشار آب باید خیلی خوب باشد ولی چون خیلی از افراد انشعاب غیرمجاز و غیراستاندارد گرفته‌اند، به طور قطع شبکه را دچار افت فشار می‌کند و مشکلاتی را برای شرکت به دنبال دارد.

مریدی ادامه می‌دهد: اکنون در شهر اهواز هر انشعاب دریافتی یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان هزینه دارد ولی در عین دو اعلام کردیم تنها ۱۰۰ هزار تومان این کار را انجام می‌دهیم بلکه بتوانیم شبکه را مدیریت کنیم اما متأسفانه در حال حاضر قادر به مدیریت شبکه نیستیم؛ هرچند باید به مشترکان خود خدمات ارائه کنیم اما خیلی از مشترکان هم حق آب را پرداخت نمی کنند.



وی با بیان اینکه اکنون بحث استانداردسازی پروژه بسیار مهم است، اظهار می‌کند: بنابراین اکنون وضعیت شبکه به گونه‌ای شده که از دست ما خارج است چون انشعاب غیرمجاز گرفتن شبکه را دچار مشکل می‌کند.

مدیرعامل آب و فاضلاب اهواز می‌گوید: برای توسعه شبکه در این منطقه تأکید بر این بود که حتماً خانواده‌ها متقاضی راه‌اندازی شبکه جدید باشند ولی از هر ۲۰ واحد فقط دو خانواده متقاضی بودند و این باعث توقف مقطعی پروژه شد؛ در عین حال با توجه به شرایط منطقه دستور داده شده تا با حضور اکیپ‌های اجرایی این شبکه راه‌اندازی شود که حداقل بتوانیم شبکه آب‌رسانی منطقه را مدیریت کنیم.

آلودگی آب شبکه با پمپاژ غیرمجاز

مریدی با تشکیل گروهی تخصصی برای رصد مشکلات در نقاط مختلف منطقه عین دو یادآور می‌شود: استاندار خوزستان با عنایت خاص به مناطق محروم خیلی تأکید دارد تا مشکل آنها زودتر حل شود؛ خوشبختانه مجموعه نفت نیز اعتبارات خوبی را به این منطقه داده است.

وی می‌گوید: با وجود نبود تخصیص بودجه نفت به شهر اهواز اما تمامی مناطق حاشیه‌ای را حمایت کرده است، به عنوان نمونه نفت سال گذشته در بخش فاضلاب ۱۵ میلیارد ریال اعتبار تخصیص داد که از آنها قدردانی می‌کنیم.

مدیرعامل آب و فاضلاب اهواز عنوان می‌کند: مجموعه نفت برای مشکل فاضلاب منطقه عین دو کمک های خوبی داشته و حدود سه میلیارد تومان تخصیص اعتبار کرده است.

مریدی در پایان با گلایه از اینکه پمپاژ غیرمجاز آب از سوی خانواده‌های این منطقه باعث آلودگی آب شبکه کل منطقه می‌شود، بیان می‌کند: این انشعاب غیرمجاز ممکن است مکش برعکس داشته باشد و آب را در شبکه آلوده کند؛ بنابراین بر گرفتن خط انشعاب مجاز تأکید می‌کنیم چون در این منطقه به دنبال مبلغ ریالی نیستیم.

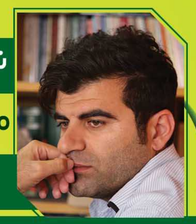
بهداشت نظارت دارد

سخنگوی دانشگاه علوم پزشکی اهواز نیز در این زمینه در گفتگو با خبرنگار مهر می‌گوید: هر مشکلی که باعث تشدید وضعیت بد بهداشتی در جامعه شود، به طور طبیعی بر افزایش شیوع بیماری کرونا هم تأثیر دارد.

علی احسان پور در پایان با تأکید بر نظارت معاونت بهداشت و درمان دانشگاه بر رعایت نکات بهداشتی در جامعه یادآور می‌شود: این معاونت ضمن انجام بازرسی‌های مستمر گزارش‌های خود را از کمبودهای احتمالی به نهادهای بالادستی ارائه می‌کند.

به گزارش خبرنگار مهر، قطع آب در کوی عین دو، اولین معضل مردم این منطقه و بعد از آن نیز ورود فاضلاب به شبکه آب‌رسانی مشکل دیگری است که هر دو تبعات بدی را برای اهالی به خصوص کودکان دارند؛ در این ایام شیوع ویروسی که رعایت نکات بهداشتی بزرگ‌ترین سلاح مقابله با ابتلای به این ویروس است نیز باید مراقبت‌های بیشتری از مناطقی مثل کوی عین دو انجام شود.

خبرگزاری مهر



نفرسوم جشنواره مرتضی آژند

عنوان اثر:

از مرگ برگشته

خیلی سخت بود، هرشب یکی از بیماران تخت های کنارم علی رغم انجام عملیات احیاء فوت می کرد و صدای چرخ ارابه های مرگ و کاورهای زیپ دار را که جنازه را در آن می گذاشتند می شنیدم.

" ۵۰ سال دارم و از سال ۱۳۶۱ ورزش را با کُشتی شروع کردم و از اواخر سال ۶۱ به رشته ی تکواندو روی آوردم، در حال حاضر مربی و دارو بین المللی تکواندو و رییس کمیته داوران هیات تکواندو استان خوزستان هستم، با این حال کرونا من را زمین گیر کرد و تا آستانه ی مرگ برد و ۱۷ روز در بخش اورژانس آی سی یو حاد تنفسی بستری ام کرد ". این ها بخشی از صحبت های اسماعیل اسفندیاری بیمار کرونایی از مرگ برگشته ای است که در گفت و گو با خبرنگار کاوش اخبار، از تجربه ی کرونایی شدن خود و سختی هایی که در مدت نزدیک به ۲ ماه بر او و اعضای خانواده اش گذشته است می گوید. متن مصاحبه در ادامه آمده است.

مربی و دارو بین المللی فدراسیون جهانی تکواندو و رییس کمیته داوران هیات تکواندو استان خوزستان گفت: ماجرای کرونایی شدن من از شب بیست و سوم ماه رمضان شروع شد در ابتدا علائم سرماخوردگی مانند استخوان درد و تب و لرز داشتم همچنین سوزش گلو نیز به سراغم آمده بود که با استفاده از آب نمک سعی در رفع این مشکل داشتم. به پزشک که مراجعه کردم تشخیص آنفلوآنزا داد و برایم آمپول شل کننده ی عضلات تجویز کرد.

سه پزشک؛ سه تشخیص اشتباه

اسفندیاری اظهار کرد: بعد از گذشت یک هفته که بهبودی حاصل نشد به پزشک دیگری مراجعه کردم که باز هم تشخیص آنفلوآنزا برای علائمی که داشتم داده شد و پزشک توصیه کرد تا مایعات مصرف کنم و نیازی به استفاده از قرص نیست. بعد از ۱۲ روز دیگر حالم به شدت بد شد و به سومین پزشک مراجعه کردم که مجدد همان تشخیص قبلی به من اعلام شد و هیچ کدام از این سه پزشک به من پیشنهاد انجام تست کرونا ندادند و حتی نگفتند به کرونا مشکوک باش.

زمانی ابتلا به کرونا را متوجه شدم که ۷۰ درصد ریه ام درگیر ویروس شده بود

وی ادامه داد: بعد از این مدت حتی توان کوچکترین حرکتی را نداشتم و چهار دست و پا در خانه راه می رفتم، همسرم که مدتی در رشته ی پزشکی تحصیل کرده بود و با این رشته آشنایی داشت یک شب که در خواب بودم مرا بیدار کرد و گفت تعداد نفس هایت در خواب زیاد شده که به بیمارستان مراجعه کردیم و در اسکن ریه که انجام دادم مشخص شد ۷۰ درصد ریه ام درگیر ویروس کرونا شده است که گفتند به بیمارستان رازی مراجعه کن.

بعد از سه روز قرنطینه ی خانگی بیهوش شدم

مربی و دارو بین المللی فدراسیون جهانی تکواندو عنوان کرد: در بیمارستان رازی اکسیژن خونم را اندازه گیری کردند که اکسیژن خونم ۸۴ بود در حالی که در حالت نرمال باید ۹۴ باشد اما با این حال مرا ترخیص کردند و گفتند که در قرنطینه ی خانگی بمانم. علی رغم اینکه ورزشکار حرفه ای هستم اما بعد از چند روز درگیری با کرونا توان بدنم تحلیل رفته بود و از آن جایی که تشخیص کرونا برایم ندادند همچنان روزه می گرفتم که مزید بر علت شد تا بعد از سه روز قرنطینه ی خانگی بیهوش شوم که با آمبولانس مرا به بیمارستان اعزام کردند.

۱۷ روز بستری در آی سی یو حاد

اسفندیاری با بیان اینکه تشخیص دیرهنگام ابتلا به کرونا منجر شد تا تمام اعضای خانواده ام از طریق من آلوده به ویروس شوند، تصریح کرد: مجدد اسکن ریه انجام دادم که اعلام شد در وضعیت خطرناکی به سر می برم برای همین به بخش اورژانس آی سی یو حاد بیمارستان رازی منتقل شدم. کادر درمان در این بخش بسیار خوب به بیماران رسیدگی می کردند و تیم فوق العاده ای بودند اما با این حال روزگار بسیار سخت بر من گذشت چرا که ۱۷ روز در بخش اورژانس آی سی یو حاد تنفسی بستری بودم و هشت روز اول توان خوردن هیچگونه آب و غذایی نداشتم و زنده بودنم به یک دستگاه وصل بود.وی افزود: بعد از هشت روز شروع به غذا خوردن کردم اما با کوچکترین غذایی حالت تهوع پیدا می کردم، انگشتان دست و پایم را تکان می دادم که رگ هایم خشک نشود اما با همین کار در تنفس دچار مشکل می شدم یعنی اکسیژنی که هر دقیقه رایگان از آن استفاده می کنیم در آن روزها برای من غنیمت بود.

تنها بیمار حاد هوشیار بودم

این نجات یافته ی کرونا بیان کرد: ۷۰ درصد ریه ام درگیر کرونا شده بود و به تبع حال بدی داشتم، همکاری داشتم که با ۲۰ درصد درگیری ریه فوت شد و اگر لطف خدا و تلاش پزشکان نبود و روحیه ی جنگنده ای و بدن سالم نداشتم امکان نداشت جان سالم به در ببرم. در روزهای ابتدایی بستری در بخش آی سی یو هوشیار بودم اما توان حرکت نداشتم، بعضا حتی نمی توانستم پلک هایم را هم تکان دهم و تنها می شنیدم که در آن مدت به گفته ی پزشکان تنها بیمار حاد بهوش در بخش بودم.

گفتم من که قرار است بمیرم کمکی به علم پزشکی کنم

اسفندیاری خاطرنشان کرد: بعد از هشت روز بستری شدن گفتند داروی جدیدی به نام رمدسیویر آمده که یک داروی تحقیقاتی و اهدایی است که سهم خوزستان چهار آمپول است که رضایت کتبی دادم تا این دارو را به من تزریق کنند گرچه اصلا امیدی به این دارو نداشتم اما با خودم گفتم من که قرار است بمیرم حداقل کمکی به علم پزشکی کنم.

صدای مرگ را می شنیدم

وی متاثر از شرایطی که در آن به سر می برد، اظهار کرد: خیلی سخت بود، هرشب یکی از بیماران تخت های کنارم علی رغم انجام عملیات احیاء فوت کند و صدای چرخ ارابه های مرگ و کاورهای زیپ دار را که جنازه را در آن می گذاشتند می شنیدم، تا ساعت پنج صبح جنازه کنار تختم بود تا آمبولانس برای انتقال آن ها بیایند و هر روز و هر شب با خودم می گفتم امروز نوبت من است بدتر از همه این بود که قبل از پایان شیفت کاری ساعت هفت صبح با خانواده ی متوفی تماس می گرفتند و فوت بیمارشان را به آن ها اعلام می کردند، من این صحبت ها را می شنیدم و به شدت به لحاظ روحی آسیب دیده بودم.رییس کمیته داوران هیات تکواندو خوزستان یادآور شد: در حالت خوابیده بر روی تخت به وسیله ی کش عضلاتم را تکان می دادم گرچه یک دقیقه تمرین می کردم اکسیژن کم می آوردم اما با این حال حرکات سبک برای تقویت عضلات انجام می دادم زیرا میزان توانایی جسمی بدن و حفظ روحیه در مقابل این ویروس بسیار مهم است و از همه مهمتر اکسیژن رسانی است، هیچ وقت تصور نمی کرم باز و بسته کردن انگشتان دست اکسیژن مصرف کند، در زمان تکان دادن انگشتان دستم پنج درجه از میزان اکسیژن دریافتی ام کم می شد.

کاهش ۱۸ کیلویی وزن در یک هفته/ چهار روز بعد از تزریق رمدسیویر رو به بهبودی رفتم

اسفندیاری با اشاره به اینکه از روز دوازدهم بستری شدن اشتهایم بازگشت، اذعان داشت: ۱۰۸ کیلو بودم اما در هفته ی اول بستری ۱۸ کیلو وزنکم کردم و تمام عضلاتم آب شد به نحوی که بعد از

۱۲ روز بستری شدن همچنان نمی توانستم سرپا بایستم. ۲ روز بعد از تزریق داروی رمدسیویر چشمهایم تار شد و روز سوم دچار نارسایی کلیه شدم اما از روز چهارم رو به بهبودی رفتم و دارو اثرات مثبت خود را نشان داد البته داروی های دیگر هم در کنار رمدسیویر برایم تجویز می شد.

وی بیان کرد: یکی از عواملی که باعث شد من به زندگی برگردم این بود که با خودم می گفتم خانواده ام منتظر هستند که خبر خوشی از بیمارستان بشنوند نه اینکه هفت صبح به آن ها بگویند بیمارتان فوت شده است.این داور و مربی بین المللی تکواندو با اشاره به اینکه بعد از ۱۷ روز که در بخش آی سی یو حاد بستری بودم دو شب به آی سی یو دیگری در بخش نوزادان منتقل شدم و بعد از آن یک شب نیز در بخش بستری شدم، ادامه داد: در مجموع ۲۰ روز در بیمارستان بستری بودم و می بایست باز هم بستری می ماندم اما از آن جایی که اوضاع روحی بدی به دلیل مرگ و میرهایی که شاهد آن بودم، داشتم همسرم دستگاه اکسیژن برایم در خانه فراهم کرد و در حالی با اکسیژن ۹۱ از بیمارستان ترخیص شدم که حداقل مقدار اکسیژن باید بین ۹۳ تا ۹۶ باشد.

کرونا مانند شکنجه گری آمریکایی هاست

اسفندیاری در توصیف این بیماری گفت: هرکسی به نوعی این بیماری را درک و تجربه می کند اما من برای توصیف آن از دو تشبیه استفاده می کنم؛ اول اینکه، انگار انسان به روش آمریکایی ها شکنجه می شود به این روش که آن ها حوله ای را روی صورت می گذارند و آب زیادی به یکباره روی صورت می ریزند تا حالت خفگی مصنوعی برای فرد ایجاد شود و کرونا قرار گرفتن در چنین وضعیتی است. مثال دیگر انگار فرد مماس با سطح آب دریا دراز بکشد و تا بخواهد نفس بکشد موجی از آب در حلقش فرو رود و به سرفه بیفتد، مبتلا شدن به کرونا نیز همین است هیچ وقت نمی توانی تنفس راحتی داشته باشی.

کادر درمان علی رغم نارضایتی ها کم کاری نکردند

وی اظهار داشت: کادر درمان خسته و از معوقات حق و حقوقشان ناراضی بودند اما با این وجود حداقل در بخشی که شاهد آن بودم علی رغم حجم بسیار بالای کار هیچ وقت کم کاری نکردند گرچه همیشه تست کرونای یکی از پرستاران مثبت می شد و باید استراحت می کرد.

آقای بهداشت بودم اما کرونایی شدم/ تشخیص دیرهنگام پزشکان منجر به کرونایی شدن خانواده ام شد

رییس کمیته داوران هیات تکواندو استان خوزستان گفت: نمی دانم از چه طریقی مبتلا شدم، به قدری موارد بهداشتی را رعایت می کردم که در خانواده آقای بهداشت خطابم می کردند چراکه هیچ وقت پلاستیک خرید را در خانه نمی بردم و با لباس بیرون وارد خانه نمی شدم اما با این حال آلوده به کرونا شدم و همسر و دو فرزندم و برادرم نیز به دلیل تشخیص دیرهنگام ابتلای من به کرونا، مبتلا شدند در صورتی که اگر از همان روز اول پزشک کوچکترین شکی به کرونا می کرد و پیشنهاد انجام تست را می داد خودم را قرنطینه می کردم و کار به اینجا نمی رسید.

اسفندیاری عنوان کرد: در ایامی که بستری بودم پدرم مبتلا به کرونا شد و بر اثر سکته فوت کرد اما به دلیل اینکه رابطه ی عاطفی بسیار قوی و نزدیکی با او داشتم خانواده ام به من اطلاع ندادند و بعد از ۲۰ روز متوجه این موضوع شدم، حتی در زمان ترخیص هم از فوت پدرم اطلاع نداشتم تا اینکه روزی که برای انجام تست مجدد از خانه خارج شدم پلاکاردهای ترحیم را بر دیوارهای خانه پدرم که در نزدیکی ما بود دیدم.

۵۰ روز جنگ با کرونا/ ماندگاری عوارض ویروس تا یک سال دیگر

وی یادآور شد: علی رغم اینکه تصور می شود طول مدت بیماری براثر کرونا ۲ هفته است اما من ۵۰ روز درگیر این بیماری بودم؛ ۲ هفته قبل از تشخیص درگیر آن بودم، ۲۰ روز در بیمارستان بستری بودم و ما بقی نیز در قرنطینه ی خانگی به سر می بردم که در مدت قرنطینه ی خانگی بیشترین فعالیت من روزانه حداکثر ۵۰ متر پیاده روی در خانه بود. اکنون حالم بهتر شده و زندگی عادی خود را شروع کرده ام اما باز هم عوارضی از کرونا مانند تعریق زیاد و سرفه در زمانی که زیاد صحبت می کنم همراه من است که وقتی این موضوع را به پزشک منتقل کردم گفت انتظار زیادی نداشته باشم زیرا یک سال زمان می برد ریه ام مانند سابق شود.

خاطره ی ۲ شب بیهوشی/ اینجا قطعه ی ۱۰ است

این مربی و دارو بین المللی فدراسیون جهانی تکواندو اضافه کرد: ۲ شب در بیهوشی کامل بودم که خاطره ای از آن شب ها دارم که مانند فیلم ها است که وقتی انسان در حال مرگ باشد تمام خاطرات زندگی اش را می بیند، من هم در آن مدت تمام لحظات زندگی از بچگی تا کنون، از استخدام شدنم تا ازدواج کردنم را دیدم و حس مرگ را داشتم، در آن حالت به یک تاریکی مطلق رسیدم که صدایی به من گفت اینجا قطعه ی ۱۰ است، با خود گفتم پس من در قبرستان هستم.

اسفندیاری که با یادآوری و مرور این رویا هر لحظه بیشتر از قبل متاثر می شد تا جایی که به گریه افتاد، ادامه داد: در این بین بوی پدرم را حس کردم و مامایی که من را به دنیا آورده بود را در کنار خودم دیدم و همان لحظه شعری به ذهنم رسید و آن این بود " آمده ام ای شاه نجاتم بده" و گفتم یاعلی ابن موسی الرضا که یک مرتبه دستم را در دست امام رضا(ع) دیدم. که بعدها متوجه شدم آن لحظه پدرم فوت کرده بود.

۲۲ میلیون تومان برای هزینه ی درمان پرداخت کردم/ اگر بیماری این پول را نداشت رحمه اللّه من یقرأ ...

این نجات یافته از کرونا در خصوص هزینه های درمان خاطرنشان کرد: ۱۹ میلیون تومان هزینه ی بستری در بیمارستان رازی شد که آن را به صورت نقد پرداخت کردم و هنوز بیمه پولی به من بازنگردانده است همچنین علاوه بر این سه میلیون تومان برای خرید کپسول اکسیژن هزینه کردم زیرا هفته ی اولی که در قرنطینه ی خانگی بودم به این دستگاه نیاز داشتم یعنی در مجموع ۲۲ میلیون تومان هزینه ی درمانم شد واگر بیماری این پول را نداشته باشد رحمه اللّه من یقرأ الفاتحه مع الصلوات...

کرونا به جز مرگ هزینه هم دارد

اسفندیاری تصریح کرد: به مردم توصیه می کنم به هیچ وجه کرونا را شوخی نگیرند و شعار پیشگیری بهتر از درمان را سرلوحه قرار دهند زیرا مرگ در یک قدمی ما است و کرونا به جز مرگ هزینه هم دارد بنابراین اگر جانتان را دوست ندارید به خاطر جیب خانواده هایتان مراقب خودتان باشید.

وی بیان کرد: من هم ریه ام دچار مشکل شد هم پدر و پولم را از دست دادم و هم خانواده ام به خصوص همسرم در این مدت بسیار سختی کشیدند و به لحاظ روحی آسیب دیدند، به طور مثال دخترم امسال سال چهارم دبیرستان بود و کنکور دارد اما نتوانست امتحاناتش را با موفقیت پشت سر گذراند ضمن اینکه این ویروس کوچک از همه لحاظ یک خانواده را در تنگنا قرار می دهد.

کاوش اخبار

شرکت توسعه نیشکر
و صنایع جانبی

SUGARCANE & BY-PRODUCTS
Development Company

بخش تیتر



نفر اول جشنواره

ملیحه گریزی نسب

عنوان اثر:

نیشکر بکارید، کاغذ برداشت کنید/ وقتی تفاله‌های نیشکر پیش مرگ درختان می‌شوند

کاغذ از سالیان دور از قطع کردن درختان تولید می‌شد، اما با پیشرفت تکنولوژی و فناوری تفاله های نیشکر جایگزین تنه‌های درخت شدند و به فریاد ریه‌های سبز طبیعت رسیدند.

به گزارش گروه استان‌های باشگاه خبرنگاران جوان از اهواز، زمانی که بشر تصمیم گرفت دست به قلم شود، از ابزارهای مختلفی کمک می‌گرفت، روزگاری پاپیروس نوعی کاغذ ضخیم با رنگی مایل به قهوه‌ای و با حجم زیاد به کمک انسان آمد تا مکاتبه‌ها را بر تن بنشاند، البته با اینکه وزن زیادی داشت و جای زیادی را اشغال می‌کرد، اما طرفداران زیادی هم داشت و بسیاری از مطالب بر روی آن نوشته می‌شد. رفته رفته با پیشرفت تکنولوژی و فناوری، انسان به این علم دست یافت که می تواند از چوب درختان کاغذی سبک و نازک تولید کند، به همین منظور اره‌ای بزرگ و قدرتمند را به دست گرفت و دل به جنگل زد تا بتواند با پایان دادن به زندگی درخت، وسیله نوشتن و جمع آوری اطلاعات را تولید کند. آفتاب که طلوع می‌کرد مردی اره به دست به راه می‌افتاد و با نگاهی تیزبین درختانی را جست و جو می‌کرد تا بتواند او را به مقصود برساند.

در جنگل قدم می‌زدم که صدای مهیب و دلخراشی نظرم را جلب کرد، به سوی صدا رفتم و هرچه نزدیک‌تر می‌شدم، صدای ناله‌ای سوزناک به گوش می‌رسید که گویی برای ادامه زندگی التماس می کرد، آری همان مرد هیزم شکنی بود که در کتاب‌ها درباره اش خوانده ایم، فرق هیزم شکن گزارش ما این بود که به روش سنتی جان از درخت نمی‌گرفت، بلکه اره برقی که در کمترین زمان به زندگی درختی تنومند پایان می‌داد و نفسش را می‌گرفت به دست داشت.

خوشحالی را می‌شد از برق چشمانش فهمید، از دورن خوشحال بود، ولی حال زمین را بد می‌کرد، برای رشد یک اصله درخت سال‌های زیادی زمان لازم است، درختانی که ریه‌های تنفسی کره زمین هستند و هر کدام که قطع می‌شود، زمین را به مرگ نزدیک‌تر می‌کند، ولی چه کسی به فکر انسان هاست؟ بسیاری هستند که فقط منافع خود را مدنظر دارند و به سودهای کلانی که عایدشان می‌شود فکر می‌کنند.

هر ثانیه که می‌گذشت، تیغ تیز اره بیشتر به عمق درخت نفوذ می‌کرد و مرگ درخت را نزدیک می‌کرد و سرانجام بر زمین می‌افتاد تا همچون جنازه‌ای بر دستان تولیدکنندگان راهی کارخانه‌های کاغذسازی شود.خوب کاغذ یکی از وسایل مهم و ضروری برای نوشتن و انجام امورات اداری است و می‌توان گفت تا قبل از اینکه روش‌های جدید الکترونیکی برای کاهش مصرف این محصول رونمایی شوند، انجام کارها غیرممکن بود.

از نوشتن الفبای فارسی تا بلیت‌های وسایل حمل و نقل همه و همه از کاغذ بود، اگر کاغذ نبود، کتاب و دفتر تولید نمی‌شد و فراگیری سواد هم تا حدودی شاید سخت می شد، قبوض آب و برق منازل، بلیت ناوگان حمل و نقل عمومی دورن شهری، بلیت هواپیما و ناوگان برون شهری و... با استفاده از کاغذ تهیه می‌شد، اما علم بشر به جایی رسید که بسیاری از کاغذها حذف و روش‌های الکترونیکی جایگزین آن شد.

بر اساس اطلاعات مرکز آمار و سازمان جنگل‌ها و مراتع ایران، ۲۲ درصد از جنگل‌های ایران طی ۴۰ سال گذشته از بین رفته است، بطوری که معاون برنامه ریزی و پشتیبانی اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری در این باره گفته که سطح جنگل‌ها از ۱۸ هزار هکتار به کمتر از ۱۴ هزار هکتار کاهش پیدا کرده است که این روند ادامه دارد و اگر کاهش سطوح جنگل‌ها به همین منوال ادامه پیدا کند تا ۵۰ سال آینده جنگلی در کشور وجود نخواهد داشت و آلودگی هوا، سیلاب و فرسایش خاک عرصه زندگی را بر مردم تنگ می‌کند.اما چه ماده جایگزینی می‌تواند از قطع سالانه ۶ میلیون اصله درخت جلوگیری کند؟ در این میان نیشکر که گیاهی جادویی محسوب می‌شود به فریاد درختان بی گناه آمد و کابوس قطع شدن را از آنها گرفت. تفاله نیشکر یا باگاس که شاید زمانی دورریز به شمار می‌رفت، سال‌های زیادی است که در تولید محصولات مختلف از جمله کاغذ طرفداران زیادی پیدا کرده است و دیگر دور ریخته نمی‌شود، بلکه به محصولاتی با ارزش و اقتصادی تبدیل می‌گردد.

راه اندازی کارخانه کاغذ از مرگ ۶ میلیون اصله درخت جلوگیری می‌کند

عبدعلی ناصری مدیرعامل شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی در گفت و گو با خبرنگار ما با بیان اینکه باگاس نیشکر ماده مناسبی برای جایگزینی چوب است، گفت: با استفاده از باگاس یا تفاله نیشکر که در صنعت نیشکر تولید می‌شود، می‌توانیم از قطع درختان جنگل جلوگیری کنیم و کاغذ با کیفیت تولید کرده و نیاز بازار را تامین نماییم.

او با بیان اینکه نیشکر تنها محصولی است که دورریز ندارد، افزود: باگاس باقیمانده فیبری از ساقه نیشکر پس از استحصال شکر است و از این ماده ارزشمند صنایع زیادی را می‌توان ایجاد کرد که از آن جمله می‌توان به تولید کاغذ، ام دی اف، خمیر کاغذ، نئوپان و خوراک دام اشاره کرد و یکی از مزایای این محصولات را مقرون به صرفه بودن در مقایسه با نمونه‌های تولید شده از چوب و سایر مواد وموجود در طبیعت عنوان کرد.ناصری در ادامه بیان داشت: استفاده از ضایعات نیشکر علاوه بر مزایای اقتصادی و زیست محیطی، سبب صرفه‌جویی ارزی برای کشور می‌شود، ضمن اینکه ضایعات این گیاه جادویی پتانسیل تولید حدود ۲۸ محصول در صنایع جانبی و استفاده بهینه از آنها را دارد و در نتیجه هر محصول فرعی نیشکر به عنوان یک محصول اصلی برای صنعتی دیگر تبدیل می‌شود که از آن جمله می‌توان به تولید کاغذ اشاره کرد.

بهره برداری از کارخانه کاغذ تا ۳ سال آینده

مدیرعامل شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی با اشاره به ساخت کارخانه کاغذ در کشت و صنعت سلمان فارسی اظهار کرد: عملیات احداث کارخانه کاغذ با اعتباری معادل ۹ هزار میلیارد تومان در دی ماه سال ۹۸ با حضور محمد مخبر دزفولی رئیس ستاد اجرایی فرمان حضرت امام خمینی (ره) آغاز شد و پیش بینی می‌شود مراحل ساخت این کارخانه تا ۳ سال آینده پایان یافته و به بهره برداری برسد.

این مقام مسئول به ایجاد اشتغال و رونق اقتصادی منطقه با احداث کارخانه کاغذ اشاره کرد و ادامه داد: با احداث و راه اندازی این کارخانه، برای حدود ۲ هزار نفر به صورت مستقیم و غیرمستقیم اشتغالزایی می‌شود، البته جوانان بومی این منطقه در اولویت اول و اصلی جذب و استخدام هستند.

باگاس نیشکر به کاغذ تبدیل می‌شود

ناصری با اشاره به ظرفیت‌های کارخانه کاغذ گفت: این کارخانه با سرمایه‌گذاری ۴۶۷ میلیون دلاری احداث خواهد شد که علاوه بر جلوگیری از قطع درختان تنومند از خروج سالانه ۲۸۵ میلیون دلار ارز جلوگیری می‌شود، چرا که این مجموعه از تکنولوژی نوین دوستدار محیط زیست بهره می‌برد و با راه اندازی آن دانش فنی کشور در حوزه کاغذسازی توسعه خواهد یافت.

او بیان کرد: ماده اولیه کارخانه کاغذسازی کشت و صنعت سلمان فارسی، باگاس است که از واحدهای نیشکر در جنوب خوزستان تامین خواهد شد و با تولید کاغذ به عنوان یک کالای فرهنگی، زنجیره‌ای از تولیدات و محصولات متکی بر کاغذ در استان شکل خواهد گرفت که نقش بسزایی در حوزه‌های چاپ و نشر و اقلام آموزشی متکی بر کاغذ دارد.

براساس این گزارش؛ دی ماه سال ۹۸ مراسم عملیات اجرایی احداث کارخانه کاغذسازی با ظرفیت تولید ۲۴۰ هزار تن کاغذ چاپ و تحریر با مشارکت ستاد اجرایی فرمان امام خمینی (ره) و شرکت توسعه نیشکر با هدف اشتغالزایی، حفظ محیط زیست و حمایت از حوزه نشر و چاپ کشور در محل کشت و صنعت سلمان فارسی برگزار شد.

آنچه خواندید روی زیبا و امیدوارکننده تولید کاغذ در استان خوزستان بود، در ادامه به کارخانه مجتمع صنایع کاغذ پارس رفتیم که آهنگ زیبای تولید و خودکفایی از آن گوش می رسد، نیروهای متخصص ایرانی که ساخت ملودی تولید را به دست گرفته اند و اجازه نمی دهند تحریم ها کمر اقتصاد کشور را خم کرده و آن را از پیشرفت باز دارد.

کاغذ از تفاله نیشکر خمیر باگاس به دست می‌آید

شاپور ابراهیمی مدیر مجتمع صنایع کاغذ پارس در هفت تپه استان خوزستان به خبرنگار ما گفت: این شرکت در سال ۱۳۴۸ تاسیس و پس از ۲ سال بطور کامل راه اندازی شد و شامل سه خط تولید کاغذ، دو خط تولید خمیر باگاس و یک خط ریکاوری و بازیافت مایع پخت تفاله نیشکر است و می‌تواند جزو صنایع جانبی هر واحد کشت و صنعت قرار بگیرد و به عنوان صنعت سبز به شمار می‌رود.

او افزود: از تفاله نیشکر که در فرآیند تولید آن به شکر به وجود می‌آید، به کاغذ که یک محصول استراتژیک و مهم به شمار می‌رود تبدیل می‌شود و در حال حاضر در کارخانه کاغذ پارس انواع کاغذ برای چاپ و تحریر، بسته بندی، ظروف یکبار مصرف و کارتن سازی تولید و به بازار مصرف عرضه می‌گردد.

ابراهیمی درخصوص وضعیت اشتغال در کارخانه بیان کرد: هم اکنون حدود ۹۰۰ نفر به صورت مستقیم در این واحد تولیدی مشغول به کار هستند و فاز دوم آن با موفقیت به پایان رسیده و پس از راه اندازی ظرفیت ایجاد اشتغال برای حدود یک هزار و ۴۰۰ نفر به صورت مستقیم را دارد. دربخش داخلی نیز کاغذ تولید شده به کارخانه‌های مختلف از جمله؛ کارتن سازی، چاپخانه‌ها و بسته بندی موادغذایی ارسال می‌شود، چراکه کاغذ تولید شده از نوع کاملا بهداشتی و دارای استانداردهای بین المللی است و تماس مستقیم موادغذایی با آن مشکلی برای مصرف کنندگان ایجاد نمی‌کند.

۱۶ کشور اروپایی و آسیایی خریدار خمیر باگاس

این مقام مسئول اظهار داشت: در بخش دیگری از کارخانه، تولید خمیر باگاس برای صادرات به بیش از ۱۶ کشور آسیایی و اروپایی دنیا انجام می‌شود که برای تهیه ظروف یکبار مصرف، دستمال کاغذی تیشو مورد استفاده قرار می‌گیرد. ضمن اینکه در حال حاضر دارای سه دستگاه عظیم تولید کاغذ بوده از توانایی تولید برخوردار است و بسته به سفارش مشتری کاغذ تهیه و عرضه می‌شود.

مدیر مجتمع صنایع کاغذ پارس در هفت تپه استان خوزستان در ادامه گفت: در منطقه‌ای در مجاورت کارخانه کاغذپارس و مزارع نیشکر که ظرفیت تولید سالانه بالغ بر ۸۰۰ هزار تن باگاس را دارد، این ماده با شرایط خاص نگهداری می‌شود و می‌تواند نیاز ۳ الی ۴ سال ما را برای تولید محصولات مختلف تامین کند. البته در فصل برداشت باگاس نیشکرهای مختلف وارد کارخانه می‌شوند و پس از پیت گیری آن به منظور نگهداری سالم اقدام به متراکم سازی آنها می‌کنیم و به دلیل وجود شکر در آن و تولید الکل، احتمال ایجاد خودسوزی در آن وجود دارد، به همین دلیل در رطوبت ۸۰ درصد نگهداری می‌شود.

او در تشریح میزان مصرف باگاس برای تولید کاغذ بیان داشت: برای مثال بطور میانگین از هر ۲ کیلوگرم باگاس پیت گیری شده خشک، حدود یک کیلوگرم خمیر کاغذ به دست می‌آید، اما در شرایطی که ما باگاس تهیه و دپو می‌کنیم دارای رطوبتی معادل ۵۰ تا ۶۰ درجه است و از حدود ۶ کیلوگرم از این ماده، حدود یک کیلوگرم خمیر کاغذ تهیه می‌شود.

در ادامه بازدید از کارخانه تولید کاغذ پارس به قسمت‌های مختلف رفتیم تا روند تولید کاغذ را از نزدیک مشاهده و با کارکنان بخش مختلف درخصوص مراحل تولید این محصول گفتگو کنیم.

تولید روزانه ۲۸۰ تن خمیر قهوه‌ای و سفید کاغذ در کارخانه

کرمانی مدیر تولید گروه صنایع کاغذ پارس گفت: در این قسمت، باگاس دریافت شده از کشت و صنعت‌های مختلف در سطح استان با لودر از سیلوها به کامبایر منتقل می‌شود و پس از ریختن به درون پالپر، تفاله شست و شو و به میزان ۳۰ درصد از آن به کارخانه خمیرسازی ارسال می‌شود.

او گفت: در واحدهای مذکور روزانه مجموعا ۱۵۰ تن خمیر قهوه‌ای و حدود ۱۲۵ الی ۱۳۰ تن خمیر سفید برای تهیه انواع کاغذها تولید می‌شود.

کرمانی ظرفیت تولید سالیانه خمیر قهوه‌ای حاصل از باگاس را ۵۰ الی ۶۰ تن عنوان کرد و افزود: از این میزان خمیر قهوه ای، حدود ۵۰ تن خمیر سفید برای کاغذ به دست می‌آید.

نیروهای متخصص و جوان سرمایه گروه صنایع کاغذپارس

حسن رمضانی مسئول امور آموزش کارکنان ماشین آلات کاغذ گروه صنایع کاغذ پارس در گفت و گو با خبرنگار ما اظهار داشت: در کارخانه سه دستگاه ماشین برای تولید کاغذ وجود دارد و ظرفیت روزانه هر یک از آنها ۱۰۰ تن است و با توجه به ورود بخش خصوصی، تولید به لحاظ کمی و کیفی در شرایط مطلوبی به سر می‌برد و توانستیم با آموزش نیروهای جوان و متخصص، آنها را مشغول به کار کنیم.

او افزود: ماشین شماره یک فعال در شرکت، ظرفیت تولید روزانه حدود ۷۵ تن کاغذ دولایه وایتاب را دارد، ماشین شماره ۲ نیز کاغذ ۱۸۵ گرمی ویژه تولید لیوان بهداشتی است و با توجه به سرعت دستگاه‌ها توان تولید ۷۵ تن در روز را دارد، کار ماشین شماره ۳ نیز تولید کاغذ فولوتیک و روکش داخلی کارتن است و روزانه شاهد تولید حدود ۵۰ تن انواع کاغذ هستیم.

دیدن این همه عظمت در تولید کاغذ واقعا حیرت انگیز است و هر گوشه استان خوزستان را که نگاه می‌کنیم، چرخ واحدهای تولیدی به دست جوانان غیرتمند و متخصص ایرانی در گردش است و آواز خودکفایی سر می‌دهند، اما تداوم این گردش توجه مسئولان و دولت را می‌طلبد و باید حمایت‌ها در این زمینه به خوبی صورت گیرد تا هیچگاه حرکت چرخ تولید متوقف نشود.

اگر چه میزان تولید در این کارخانه قابل توجه است، اما اگر روش‌های قدیمی در استفاده از کاغذ را کنار نگذاریم و در مصرف این محصول صرفه جویی نکنیم، در شرایطی که شاهد تحریم‌های ظالمانه حتی در زمینه تهیه کاغذ هستیم و دشمن از هر سو می‌تازد، نه تنها چرخ تولید از حرکت می‌ایستد، بلکه در مدت زمانی کوتاه خود را وابسته به کشورها خواهیم دید، پس درست مصرف کنیم تا شاهد جهش تولید و افزایش صادرات و ارزآوری باشیم.

نفردوم جشنواره

پدرام طاهری



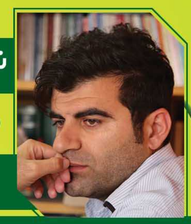
عنوان اثر:

پایان کابوسِ غول های آهنین پس از ۱۳ سال

روایت آیات دختر هشت ساله روستای مبارکه سه از حال و هوای تحصیل در مدرسه دعبل خزاعی؛ اما حالا سه سال است که نقاشی های رنگارنگ دانش آموزانِ این روستا به دیوارهای مدرسه ای آویزان شده که از سوی شرکت توسعه نیشکر ساخته شده است. با ساخت این مدرسه، ۱۳ سال رنج تحصیل کودکان معصوم در غول های آهنین به پایان رسیده و آیات اکنون دو سالی ست که مهر ماه هر سال با شادی دو چندان فارغ از گرما و سرما در فضایی تحصیل می کند که شاخص های استاندارد یک مدرسه با امکانات مناسب را دارد. حرف های آیات دختر هشت ساله روستای مبارکه ی سه، تکان دهنده بود: " از غول آهنی نجات پیدا کردیم". ۱۳ سال تحصیل زیر سقف های آهنین باعث شده بود که کانکس های مدرسه روستای مبارکه سه در نظر بچه های روستا مبدل به غول های آهنینی شود که در گرما تبدیل به جهنمی برایشان شده بود و در سرمای زمستان تنشان را به لرزه می انداخت.به گزارش کاوش اخبار؛ سپیده صبح که سر می‌زد باید سریع حاضر می شدند. گرمای داغ تابستان و سرمای استخوان سوز زمستان، تنها رفیق هر لحظه آنان برای کسب علم بود؛ دستان عرق کرده و گونه هایی که از شدت گرما قرمز می شد. بیش از ۱۳ سال، نه خبری از امکانات آموزشی بود و نه خبری از سیستم سرمایشی و گرمایشی؛ دانش آموزانی که تنها چند نیمکت زنگ زده در کانکس هایی خاک گرفته و تاریک در انتظار آنان بود تا الفبای زندگی را مشق کنند.

آیات دختری که به همراه ۳۰ دانش آموز دیگر این روستا، روزها برای کسب علم در این کانکس ها سر می کردند با دنیایی متفاوت از آنچه همه ما در مدارس شهری و کودکی تجربه کرده ایم. در زمستان به جای شیطنت بازی در زنگ‌های تفریح، سراغی از گرمای نور خورشید می گرفتند تا دست و دلشان گرم شود و با گرم شدن هوا نیز نفس شان بند می آمد. نه فرصت کشیدن نقاشی با مداد شمعی را داشتند و نه خیال این کار به ذهن شان خطور می کرد.تمام مشکلات به اینجا ختم نمی‌شد. برخی از دانش‌آموزان روستایی به دلیل وضعیت بد تحصیل مجبور به کناره گیری از مدرسه می شدند که متأسفانه در چنین شرایطی آینده خوبی برای آنان رقم نمی‌خورد و برخی دیگر نیز به همراه خانواده هایشان مجبور به مهاجرت به شهرها می شدند تا در زیر سقفی دیگر شرایط درس خواندن را پیدا کنند.اما حالا سه سال است که نقاشی های رنگارنگ دانش آموزانِ این روستا به دیوارهای مدرسه ای آویزان شده که از سوی شرکت توسعه نیشکر ساخته شده است. با ساخت این مدرسه، ۱۳ سال رنج تحصیل کودکان معصوم در غول های آهنین به پایان رسیده و آیات اکنون دو سالی ست که مهر ماه هر سال با شادی دو چندان فارغ از گرما و سرما در فضایی تحصیل می کند که شاخص های استاندارد یک مدرسه با امکانات مناسب را دارد."آیات" امسال به کلاس دوم ابتدایی می رود. کابوس غول های آهنین جای خود را به رویای زیبای مدرسه ای داده است که دیگر نه خبری از گرمای داغ است و نه سرمای سوزان. با چشمانی به برق نشسته، انگشت اشاره اش را به سمت دیواری دراز می کند که نقاشی هایش بر آن آویزان است. نقاشی هایش نیز حال و هوای زیبایی دارد؛ چند دانش آموز تکیه داده بر نیمکت های نو . بالای نقاشی هم نوشته است: مدرسه دعبل خزاعی.درست است که کرونا ، آیات و دیگر دانش آموزان را از مدرسه دور کرده و فضای تدریس به مجازی کشیده شده است اما رفت و آمد مدیران و دانش اموزان با رعایت پروتکل ها همچنان به این مدرسه ادامه دارد و با رعایت پروتکل ها این مدرسه مامنی برای یادگیری و پناه دانش آموزان شده است.

خبرگزاری کاوش اخبار



نفرسوم جشنواره
مرتضی آژند
عنوان اثر:

شکر تر از نفت!

بر اساس آمار ارائه شده، اهمیت مزارع هفت گانه توسعه نیشکر و صنایع جانبی در خوزستان آنجا روشن می شود که با تامین شکر مصرفی ۲۸ میلیون نفر در کشور و سایر تولیدات جانبی مانند تولید ۷۶ درصد الکل طبی کشور، تولید ۱۰ هزار تنی خمیرمایه، تامین تخته صنعتی مصرفی بیش از ۵ میلیون نفر، تامین گوشت قرمز به میزان ۳۵ هزار تن با استفاده از خوراک دام تولیدی، تامین کاغذ مصرفی بیش از ۵ میلیون نفر و .. از خروج بیش از ۷۰۰ میلیون دلار ارز از کشور جلوگیری می کند.
کاوش اخبار؛ مرتضی آژند: نام خوزستان با اقتصاد گره خورده و از آن به عنوان قلب تپنده اقتصاد کشور یاد می شود و دلیل آن سهم دوم استان در تولید محصول ناخالص داخلی کشور بعد از تهران است. استانی حاصلخیز که از آن به عنوان سرزمین نفت یاد می شود و سایر بخش های اقتصادی آن تحت الشعاع این برادر بزرگتر خود، چندان به چشم نیامده و از نقش حیاتی آنها در اقتصاد کشور غفلت شده است. نمونه ای از آن شرکت های هفت گانه توسعه نیشکر در خوزستان است که آمار آن می گوید، شکرتر از نفت هستند.
سالانه دو تا ۳ میلیون تن شکر در کشور مورد استفاده قرار می گیرد که نشان دهنده جایگاه هرچند اندک اما مهم آن در سبد خانوار است، از این مقدار مصرفی حدود ۱,۵ میلیون از نیاز بازار در داخل تولید می شود که سهم خوزستان با ظرفیت تولید ۷۰۰ هزار تن در سال، حدود ۴۰ درصد از میزان تولیدی شکر در داخل است.
در اهمیت تامین شکر مورد نیاز بازار همین بس که در چند وقت گذشته کمبود آن در بازار به یم مسئله برای کشور تبدیل شد و نگرانی و اعتراض هایی از سوی مردم به همراه داشت و همین کمبود هم باعث شد که قمیت آن چندین بار دچار تغییر شود و در واردات آن با توجه به مشکلات اقتصادی کشور و تحریم، مسائلی رخ دهد.
بر اساس آمار ارائه شده، اهمیت مزارع هفت گانه توسعه نیشکر و صنایع جانبی در خوزستان آنجا روشن می شود که با تامین شکر مصرفی ۲۸ میلیون نفر در کشور و سایر تولیدات جانبی مانند تولید ۷۶ درصد الکل طبی کشور، تولید ۱۰ هزار تنی خمیرمایه، تامین تخته صنعتی مصرفی بیش از ۵ میلیون نفر، تامین گوشت قرمز به میزان ۳۵ هزار تن با استفاده از خوراک دام تولیدی، تامین کاغذ مصرفی بیش از ۵ میلیون نفر و .. از خروج بیش از ۷۰۰ میلیون دلار ارز از کشور جلوگیری می کند.
اهمیت این آمار و ارقام در شرایط تحریمی کشور که در آن نفت هم به سختی به فروش می رود و در واردات محصول و پرداخت بهای ارزی آنها مشکلاتی وجود دارد بیشتر خود را نشان می دهد.
ویژه تر آنکه همین آمار می گوید، مزارع هفت گانه توسعه نیشکر و صنایع جانبی در خوزستان ۲۰ هزار شغل مستقیم و ۲۵ هزار شغل غیر مستقیم ایجاد کرده اند و نقش مهمی در اشتغال استان دارند، آنهم استانی که رتبه سوم بیکاری را در کشور را دارد.
آمارهای قابل دفاع اقتصادی را که کنار بگذاریم به ایجاد و توسعه شرکت های هفت گانه توسعه نیشکر و صنایع جانبی خوزستان انتقادهایی نیز وارد است که بیشترین آن مربوط به مسائل محیط زیستی است و به نوع برداشت این محصول و میزان مصرف آب آنها در شرایط خشکسالی بر می گردد.

مکان های جمعیتی اطراف این مزارع می رسد باعث انتقادهایی به نوع برداشت از مزارع شده است. هرچند که شرکت توسعه نیشکر می گوید که برداشت عمدتا بصورت سبز و با دستگاه هاروستر انجام می شود مگر در مواقعی که امکان برداشت سبز وجود نداشته باشد.

با در نظر گرفتن جمیع شرایط می توان گفت که شرکت های هفت گانه توسعه نیشکر و صنایع جانبی خوزستان حداقل در شرایط کنونی، نقش مهمی در اقتصاد استان و کشور ایفاء می کنند هرچند که ظرفیت های آنها ناشناخته مانده و خدمات اقتصادی آنها به کشور کمتر معرفی شده است.

البته شرط پایداری و ماندگاری هر صنعتی آن است که خود را با آخرین دستاوردهای عملی و سخت افزاری روز دنیا در حوزه خود، بروزرسانی کند و مسائل محیط زیستی را به حداقل ممکن برساند و با مردم بومی که صنعت در آن مکان ایجاد شده، ارتباط دو سویه برقرار کند و برای آنها عایدی هم داشته باشد. اقداماتی که شرکت های هفت گانه توسعه نیشکر و صنایع جانبی خوزستان برای ماندگاری باید آنها را در سرلوحه برنامه های خود قرار دهد به ویژه در بحث چگونگی تامین آب این مزارع با توجه به خشکسالی های اخیر و پیش رو.

شرکت توسعه نیشکر
و صنایع جانبی

SUGARCANE & BY-PRODUCTS
Development Company

بخش گزارش





نفر اول جشنواره
کوثر کریمی
عنوان اثر:

مثلث دودزا در کلان شهر میلیونی/ عوامل اصلی آلودگی اهواز چیست؟

اهواز کلان‌شهری با کلکسیونی از مشکلات است که مردم بار سنگینی از آلودگی آب‌وهوا، پس‌زدگی فاضلاب، مشکلات تنفسی و خدمات‌رسانی‌های ضعیف (حمل‌ونقل عمومی و فضای سبز) را به دوش می کشند.

اینجا اهواز است و فلرهای نفتی، سوزاندن نیشکرها و سایت دفع زباله صفیره همه دست‌به‌دست هم داده‌اند تا نفس شهروندان را به شماره بیندازند.

آتش گرفتن زباله‌های سایت دفع زباله صفیره از مشکلاتی است که بارها شهرداری نسبت به تغییر روش برای امحای این پسماندها وعده داده است ولی این وعده عملی نشد؛ این در حالی است که دیگر استان‌ها از این ظرفیت به‌عنوان طلای کثیف بهره‌مند می‌شوند.

نیشکر هم که سوزانده می‌شود و با فلرهای نفتی مزید بر علت شده‌اند تا بوی نامطبوعی در شهر متصاعد شود و مردم علاوه بر تحمل ماسک، درد تنگی نفس بر اثر دود را نیز متحمل شوند.

در ایام شیوع کرونا درد و استرس ابتلاء به ویروس ناشناخته کم بود، مردمی که آن‌چنان سهمی از رفاه شهری ندارند باید باوجود ماسک، از خفگی دودهای ساطع‌شده نیز رنج ببرند.

شکایت‌های محیط زیست ابزار مسئولیت گریزی

«هژیر کیانی» دبیر انجمن دوستداران طبیعت و محیط‌زیست خوزستان در گفت‌وگو با خبرنگار مهر با اشاره به شکایت‌های محیط‌زیست در این رابطه می‌گوید: شکایت همیشه بهترین ابزار برای مسئولیت گریزی است ولی کجا و چه زمانی به نتیجه رسیده است و آیا گزارش آن به مردم ارائه می‌شود؟

کیانی ادامه می‌دهد: همه می‌دانند که نفت، نیشکر و شهرداری (با سایت صفیره) مقصر هستند؛ سال هاست که شکایت از سوی محیط‌زیست را اعلام می‌کنند ولی هرگز نتایج آن منتشرنشده است و اگر مدعی این کار هستند باید شفاف‌سازی در این زمینه داشته باشند.

وی با اشاره به اینکه محیط‌زیست با این کار فقط توپ را در میدان دستگاه قضائی رها می‌کند تا از خود رفع تکلیف کرده و صورت‌مسئله را نیز پاک کند، می‌افزاید: سازمانی که وظیفه‌اش حفاظت از محیط زیست انسانی و طبیعی است باید به مردم گزارش شفاف ارائه دهد ولی تاکنون این‌گونه نبوده و نیشکر خودش را به کسی پاسخگو نمی‌داند.

کیانی عنوان می‌کند: سه سال قبل معاون اول رئیس‌جمهور برای ساماندهی زهاب‌های نیشکر دستورات لازم را صادر کرد ولی تاکنون گوش نیشکر بدهکار نیست و هرگز ندیدیم که در این زمینه گزارش اقدامات انجام‌شده را ارائه دهد.

پیامدهای منفی نیشکر برای محیط زیست

دبیر انجمن دوستداران طبیعت و محیط‌زیست خوزستان یادآور می‌شود: فعالیت نیشکر پیامدهای منفی را برای محیط‌زیست در زمینه‌های مختلف ازجمله خاک، هوا و حتی تالاب‌ها دارد؛ پساب و زهابی که وارد تالاب شادگان می‌شود، منجر به از دست رفتن زیست‌بوم این تالاب می‌شوند که با توجه به ارزش‌های اکولوژیکی خسارت‌های چندمیلیاردی به بار آورده است.

وی در ادامه انتقاد می‌کند: زهاب‌های نیشکر میلیون‌ها تُن نمک را وارد تالاب شادگان کرد و همین یکی از مهم‌ترین عوامل از دست رفتن زیست‌های این تالاب است.
کیانی گلایه می‌کند: نه‌تنها شرکت‌های نیشکر بلکه دیگر نهادهای مختلف به‌صورت شفاف اعلام کنند که چقدر به اصول و اسناد بالادستی کشور پایبند هستند؟ به‌عنوان نمونه چند درصد از سند ملی حفاظت محیط‌زیست را که مقام معظم رهبری ۲۶ آبان ۹۴، ابلاغ فرمودند، اجرایی کردند؟ و یا اینکه چقدر به اصل ۵۰ قانون اساسی اهمیت می‌دهند؟
دبیر انجمن دوستداران طبیعت و محیط‌زیست خوزستان اضافه می‌کند: همه دستگاه‌ها، شرکت‌ها و نهادهایی که فعالیتی را در محیط‌زیست انسانی یا طبیعی دارند، شفاف اعلام کنند اگر حتی یک بند از این قانون یا سند ابلاغی عمل کره باشند، به نمایندگی از انجمن‌های محیط‌زیست به آن‌ها هدیه می‌دهیم.

انجمن‌های زیست محیطی هم می‌توانند شکایت کنند

وی به لزوم ارائه گزارش‌های مستمر و شفاف‌سازی اداره کل حفاظت از محیط‌زیست خوزستان اشاره می‌کند و می‌گوید: انجمن‌های محیط‌زیست می‌توانند از همه دستگاه‌هایی که به محیط‌زیست انسانی و طبیعی خسارت وارد می‌کنند، اعلام شکایت داشته باشند.
کیانی ادامه می‌دهد: بیش از ۶۰ انجمن اسمی محیط‌زیست در خوزستان به ثبت رسید که تعداد انجمن‌های فعال در حوزه انجام کارهای پژوهشی و میدانی به ۲۰ مورد نمی‌رسد.
دبیر انجمن دوستداران طبیعت و محیط‌زیست خوزستان تأکید می‌کند: تا زمانی که کمیته راستی آزمایی با حضور مردم و انجمن‌های محیط زیستی تشکیل نشود، نمی‌توان به سبز بودن برخی از صنایع اعتماد کرد.وی می‌گوید: در پروژه‌های کلان مرتبط با سازمان‌دهی و پایش مباحث محیط‌زیست مثل شورای حفاظتی رودخانه کارون مردم و انجمن‌های محیط‌زیست ضمن عضویت باید نظارت لازم را داشته باشند.

صرف عوارض آلایندگی برای غیر محیط زیست خیانت به مردم

کیانی با اشاره به اینکه سال‌های بسیاری از فعالیت این شورا با مصوبات و اختصاص اعتبارات مختلف می‌گذرد ولی خروجی کار اصلاً مشخص نیست، می‌افزاید: مردم هیچ اطلاعی از هزینه کرد و یا شفاف سازی از نوع صرف هزینه بیش از ۷۰ میلیارد سالانه عوارض آلایندگی ندارند؛ محیط‌زیست خوزستان در صورت دریافت نکردن این عوارض باید علل آن را شفاف اعلام کنند و یا اگر هم عایدی داشته باشد، باید از نحوه استفاده آن اطلاع‌رسانی داشته باشد که بدانیم کدام‌یک از دردهای زیست انسانی و طبیعی درمان شده است.
دبیر انجمن دوستداران طبیعت و محیط‌زیست خوزستان در ادامه تأکید می‌کند: باید بدانیم که این عوارض آیا در بهبود کیفیت زیست در شهر اهواز تأثیری داشته است؟ صرف هزینه عوارض محیط زیست خارج از این حوزه خیانت به مردم است و شورای شهر باید گزارش‌های لازم را در این خصوص ارائه دهد چراکه برخی مواقع این اعتبار حتی برای مسائل جاری شهرداری هزینه شده است.
وی بیان می‌کند: عوارض آلایندگی باید برای نهال‌کاری، توسعه کمربند سبز، حمایت از ایده و طرح های پژوهشی و کارآمد حوزه محیط‌زیست هزینه شود.

لزوم برداشت سبز توسط نیشکر

معاون عمرانی استانداری خوزستان نیز در گفت‌وگو با خبرنگار مهر عنوان می‌کند: یکی از منابع آلودگی هوا در اهواز و برخی شهرهای خوزستان از برداشت مزارع نیشکر است؛ قبلاً به شرکت‌ها اعلام شد که باید سطح برداشت سبز را تا ۱۰۰ درصد افزایش دهد.

«فاضل عبیات» ادامه می‌دهد: شرکت‌ها باید ماشین‌آلات و تجهیزات لازم ازجمله دروگر را خریداری کند که دیگر نیازی به آتش زدن مزارع نباشد.
وی تصریح می‌کند: به واحدهای مختلف نیز تکلیف شد که برداشت سیاه نداشته باشند و برنامه تفضیلی را برای برداشت سبز خود در ظرف یک هفته آینده ارائه دهند.
عبیات به نقش سایت دفع زباله صفیره و سایت برومی (در محدوده نفت) در آلودگی هوای اهواز اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: در بازدیدهای میدانی از سایت صفیره مشخص شد که آتش‌سوزی‌های طبیعی به دلیل انباشت گاز متان زیر لایه‌های زباله و یا از سوی زباله گردها رخ می‌دهد؛ برای این سایت نیز در کارگروه مدیریت پسماند مصوباتی را داشتیم.

صفیره منبع جدی برای آلودگی شهر اهواز

وی با تأکید بر اینکه محیط‌زیست باید به‌صورت مستمر از سایت دفع زباله صفیره بازدید کند و ارائه گزارش داشته باشد، می‌گوید: این سایت یک منبع جدی آلودگی برای اهواز است.
معاون عمرانی استانداری خوزستان بیان می‌کند: شهرداری اهواز باید نسبت به فشرده کردن زباله های جمع‌آوری‌شده در سایت صفیره اقدام کند و لایه‌های باضخامت مناسب را روی آن‌ها قرار دهد تا امکان بروز آتش‌سوزی کاهش پیدا کند.
عبیات با اشاره به اینکه شهرداری باید نسبت به رفع مشکل گاز متان اقدام کند، می‌گوید: استقرار ماشین‌آلات آتش‌نشانی برای اطفای به‌موقع حریق‌های احتمالی، جلوگیری از ورود زباله‌گردها و آماده سازی سلول شماره دو و سه نیز از دیگر تعهدات شهرداری اهواز برای سایت صفیره است.
وی با اشاره به لزوم زمان‌بندی مناسب شهرداری برای انجام به تعهدات خود، یادآور می‌شود: در یک برنامه بلندمدت باید به پسماند به‌عنوان محلی برای تولید اشتغال و سرمایه در صنعت بازیافت نگاه کرد.

نقش بنزین غیر استاندارد در آلودگی هوا

معاون عمرانی استانداری خوزستان با اشاره به اینکه فلرهای نفتی نیز در آلودگی هوا مؤثر هستند و شرکت نفت باید در این زمینه ارائه گزارش داشته باشد، گفت: شرکت پخش فرآورده‌های نفتی نیز ملزم به رعایت استاندارد یورو چهار برای بنزین توزیعی در اهواز و برخی شهرها بود که گزارش‌ها و نمونه‌گیری‌ها نشان می‌دهد در بعضی از جایگاه‌های سوخت از این استانداردها انحراف شده است.
عبیات در واکنش به خبر اعلامی توسط رئیس سازمان پسماند شهرداری اهواز مبنی بر اینکه سایت صفیره علت آلودگی هوای اهواز نیست، می‌گوید: هواشناسی به علوم پزشکی، بهداشت و محیط زیست گزارش می‌دهد و مراجع تعیین‌شده و صلاحیت‌دار برای اعلام آلوده بودن اقدام‌ها و فعالیت های هر شرکت یا دستگاه مشخص است و خود آن‌ها نمی‌توانند اظهارنظری را در این زمینه داشته باشند.
وی عنوان می‌کند: مسئله دارای ابعاد مختلف است و کسانی که به ساماندهی این وضعیت ملزم شده اند باید هرچه سریع‌تر اقدامات لازم را انجام دهند تا در صورت اضطرار آن‌ها را به توقف تولید و یا فعالیت ملزم کنیم.
یک پزشک متخصص اهوازی در گفت‌وگو با خبرنگار مهر اظهار می‌کند: بیماری‌های ریه در قالب دو نوع «بیماری‌های حاد» در بین افراد با ریه سالم با عنوان برونشیت و ذات‌الریه و «بیماری‌های مزمن» در قالب آسم بروز می‌کند.
«احمد مشکور نیا» به بروز آسم در میان کارگران معدن یا افراد در تماس با دود و گردوخاک اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: یکی از مواردی که باعث ایجاد آزار ریوی و تنفسی و یا باعث بروز بیماری‌های مزمن ریه می‌شود، دود ناشی از آتش‌سوزی به هر دلیل است.

وی یادآور می‌شود: ذرات کربن موجود در دود پس از ورود به سیستم تنفسی در همه مجاری تنفسی فرد از بینی تا انتهایی‌ترین قسمت «آلوئول‌های» ریوی (کیسه‌های هوایی ریوی) رسوب می‌کند و در نهایت منجر به فلج شدن مژک‌های مجاری تنفسی (این مژک‌ها در حالت طبیعی آلودگی‌های ورودی به مجاری تنفسی و ریه‌ها را از بدن بیرون می‌کنند) و انباشت آلودگی در ریه‌ها می‌شود.
این پزشک متخصص داخلی بیان می‌کند: سخت شدن دیواره «آلوئول‌های» ریوی و فلج کردن سلول های دفاعی بدن از دیگر اتفاقات ناشی از رسوب ذرات کربن موجود در دود است؛ در حالت عادی فعالیت «آلوئول‌ها» باعث نابود کردن میکروب‌ها، ویروس‌ها و آلودگی‌های راه‌یافته به ریه می‌شوند.
مشکور نیا عنوان می‌کند: استنشاق دود ناشی از آتش‌سوزی انواع تنگی نفس را در پی دارد که ابتدا شاید با از بین رفتن دود این مشکل برطرف می‌شود ولی ذرات کربن دود بعد از ورود به ریه هرگز از ریه و سیستم تنفسی خارج نمی‌شوند و این بیماری‌زایی را حتی تا ۲۵ سال بعد ادامه می‌دهند.

وی به آتش‌سوزی‌های مکرر پسماندهای صفیره اشاره می‌کند و می‌افزاید: این آلودگی خطرناک به شمار می‌رود که با اقدام درست و علمی شهرداری قابل اصلاح است؛ این آلودگی به‌غیراز مسائل زیست‌محیطی اثرات ماندگاری را بر سلامتی افراد به‌ویژه کودکان و نوجوانان به دلیل ریه آسیب‌پذیر و حساس دارد.

این پزشک متخصص داخلی می‌گوید: اگر این رویه کنترل یا اصلاح نشود، در آینده نزدیک نسلی بیمار را خواهیم داشت که به خاطر تنگی نفس حتی قادر به انجام ساده‌ترین فعالیت‌های روزانه خود نیستند؛ به‌طور طبیعی این نسل به‌جای اینکه تولیدکننده باشد صرفاً یک بیمار نیازمند دارو و مصرف کننده خواهند بود.

به گزارش خبرنگار مهر، انتظار می‌رود که محیط‌زیست جای ظرفیت قانونی خود را به التماس ندهد و آن‌گونه که باید به این موضوع ورود کند تا نیشکر برداشت سبز داشته باشد، نفت نیز احترام بیشتری را برای زیست شهروندان قائل شود و درعین‌حال شهرداری مکلف به دفع زباله اصولی شود.

درحالی‌که دیگر استان‌ها از زباله به‌عنوان طلای کثیف بهره‌مند می‌شوند و شهرداری آن‌ها درزمینهٔ بازیافت خیلی موفق‌تر از اهواز عمل می‌کنند اما هیچ خلاقیت و عملکرد خاصی در شهر اهواز برای این بخش وجود ندارد.

استقرار کیوسک‌های تحویل گرفتن زباله‌های بازیافتی همراه با جایزه و نواختن زنگ بازیافت برای تعویض زباله با برخی کالاها ازجمله خلاقیت‌های دیگر شهرداری‌های کشور است که حداقل شهرداری اهواز می‌تواند از آن الگوبرداری کند.

خبرگزاری مهر

نفردوم جشنواره



ملیحه گریزی نسب

عنوان اثر:

از دست نیشکرهای بلند قامت شکر نمی‌ریزد/نی‌ها در عطش آب می‌سوزند

موضوع کمبود آب و وقوع خشکسالی از ماه‌ها قبل مطرح شد، اما شواهدی نشان می‌دهد که خطری جدی اراضی نیشکر کشت و صنعت دهخدا را تهدید می‌کند.

به گزارش گروه استان‌های باشگاه خبرنگاران جوان از اهواز، خوزستان در جنوب غرب کشور، استانی که نامش را از شکرستان‌های اطرافش به ارث برده است، البته شاید فقط آن را از نخل‌های سر به فلک کشیده اش بشناسیم، استانی که در چهارفصل سال بوی شیرینی شکر از آن به مشام می‌رسد، بوی رطب‌های آویزان شده از نخل‌های بلند قامت که با نوازش‌های داغ آفتاب خرما می شوند تا کام تلخ ساکنان صبور را شیرین کنند.
جاده‌هایی دارد دِیم و خشک و بی آب و علف که فقط باد و خورشید تنها همدم غربتش هستند، اما چند کیلومتری که پیش روی دیگر خبری از بیابان‌های خشک نیست، اندک اندک سبز می‌شود، گویی ردایی سبز بر شانه‌های زمین‌ها می‌نشیند، یکی پس از دیگری نی‌ها خودنمایی می‌کنند.
نی‌هایی بلند که انگار دامن آبی آسمان را به دست گرفته اند و با وزش باد در تابش نور خورشید برای ابرها ناز می‌کنند، این نی‌ها همان‌هایی هستند که شیرینی طبیعی را در دل خود می‌پرورانند و به وقت برداشت از شیره جان خود شکر می‌ریزند، اما این حکایت روزهای خوش نیشکرها و شکرستان‌های خوزستان بود، ولی حالا صدای غریبانه نی‌ها به گوش می‌رسد، تراژدی غم انگیز که چشم هر بیننده‌ای را اشکبار و قلب هر شنونده‌ای را به درد می‌آورد.
نیشکرها دیگر قد بلندی ندارند، دیگر از دوردست‌ها دیده نمی‌شوند، کمرشان خم شده، گویی تشنه اند و آب طلب می‌کنند، رخسارشان زرد شده و تشنگی را فریاد می‌زنند، آب می‌خواهند، اما مایه حیات را از آن‌ها دریغ کرده اند، خوب که گوش بسپاری به صداهای اطراف دیگر صدای گنجشگ‌ها را نمی‌شنوی و صدای قدم‌های آب به گوش نمی‌رسد.
جوی‌های متصل به رودخانه دز خشک شده اند، آب لحظه به لحظه دورتر می‌شود، نیشکرها هر چه دست‌های خود را به سوی آب می‌کشند و التماس می‌کنند، حتی تَر نمی‌شوند، چه برسد به اینکه سیراب شوند، حلقشان خشک شده و هیچکس صدای فریادهای مظلومانه شان را نمی‌شود، با آهی جگرسوز آتش به دل‌ها می‌زنند.
این قصه غم انگیز حال و روز کشت و صنعت دهخدا را نجوا می‌کند، همان زمین‌هایی که تا پیش از این فقط دهان‌ها را شیرین می‌کرد، خبر خوش داشت و کارگران از زمین‌ها نی برداشت می‌کردند و نان به خانه می‌بردند، سفره‌ای کوچک، اما با صفا پهن می‌شد، دور آن جمع می‌شدند و هر لقمه‌ای که می‌خوردند صد شکر برای نعمت خدا می‌گفتند.

کاهش دبی رودخانه دز، حال نیشکرها را ناخوش کرد

جواد همان کارگری است که صبح‌ها قبل از طلوع خورشید لقمه‌ای کره و مربای هویج می‌خورد، بقچه ای که بطری آب و قابلمه‌ای پُر شده با عدس پلو در آن سنگینی می‌کرد را به دست می‌گرفت و بسم اللّه ... می‌گفت و از خانه بیرون می‌آمد، اما این روزها خبرهای خوبی در راه نیست.

او می‌گفت: این روزها سطح آب رودخانه به میزان زیادی کاهش یافته و آب به نیزارها نمی‌رسد، رشد نیشکرها خوب نیست و نسبت به دوره‌های قبل شرایط خوبی ندارند، در این فصل حداقل قد نیشکر ها باید حدود ۳۰ تا ۳۵ سانتیمتر باشد، این در حالی است که هم اکنون ۸ سانتیمتر دارند و علت آن کم آبی است.

نابودی اراضی نیشکر برابر با بیکاری هزاران کارگر

این کارگر در حالی که انگشتهایش را بین موهایش می‌کشید، افزود: اگر آب به اراضی نرسد، نیشکر ها قبل از فصل برداشت نابود می‌شوند و بسیاری از کارگرها که مخارج خانواده را از این طریق تامین می‌کنند، بیکار خواهند شد، تنها راه کسب درآمد ما کار کردن در اراضی نیشکر است.

جواد اظهار داشت: سال ۹۸ که سیلاب همه زمین‌ها را در خود غرق کرد، محصولات هم از بین رفتند، ولی با تلاش و مشارکت همگانی و حمایت‌های مسئولان شرکت کشت و صنعت نیشکر دهخدا و با توکل به‌خدا، پس از تخلیه آب از زمین ها، کشت را آغاز و زمین‌ها را احیا کردیم و تولید شکر از سر گرفته شد.

نابودی نیشکرها چرخ تولید را متوقف می‌کند

این پیرمرد روستایی در حالیکه که بین نی‌های کوتاه قامت قدم می‌زد و از شدت گرما از پیشانی اش عرق می‌ریخت، بیان کرد: اگر نیشکرها نابود شوند، فقط با مشکل تولید شکر روبرو نمی‌شویم، بلکه تولید فرآورده‌های جانبی آن از جمله؛ کمپوست، شکر دارویی، کاغذ، ام دی اف، خوراک دام و... هم متوقف خواهد شد، زیرا نیشکر گیاهی جادویی است که دوریز ندارد و از همه قسمت‌های آن استفاده می‌شود.

اینطور که چهره اراضی نیشکر نشان می‌داد، موضوع جدی و حیاتی بود و باید با جدیت بیشتری آن را پیگیری می‌کردم، در روزهای اخیر خبرهایی از افزایش تولید شکر و نزدیک شدن به خودکفایی و بی نیازی از واردات این محصول دست به دست می‌شد، ولی حالا خبر می‌رسد که کشت و صنعت دهخدا در یک قدمی مرگ است و چرخ‌های تولید می‌خواهند از حرکت بایستند.

از شکرستان تا ساختمان اداری راهی نبود، کارگر بیچاره درست می‌گفت، دوره‌های قبلی کاشت، داشت تا برداشت، نی‌ها چنان بلند بودند که وقتی می‌خواستم امتداد آن‌ها را نگاه کنم، بی اختیار آبی آسمان را هم می‌دیدم، گویی بر دامن صاف آسمان نشسته بودند و دست ابرها زلف‌های نیشکرها را نوازش می‌کردند و از تماشای آن سوی مزارع عاجز می‌ماندم، اما حالا آنقدر کوتاه و نحیف شده اند که عبور خودروها از آن دوردست‌ها را می‌توانستم ببینم و دست نوازش بر سرشان بکشم و آن‌ها دلداری بدهم، شاید در این گرمای سوزان در بی آبی تاب بیاورند.

راهی دفتر مدیرعامل کشت و صنعت دهخدا شدم، غم از چهره اش هویدا بود، سراسیمه به این سو و آن سو می‌رفت، دنبال راه چاره‌ای بود تا نی‌ها را نجات دهد و آب را به کام تشنه آن‌ها برساند، تلاش می‌کرد راه بیکار شدن کارکنان شرکت را سد کند، دلش پُر از حرف‌های شنیدنی و حقیقت بود.

کشت و صنعت نیشکر دهخدا، آخرین بهره بردار رسمی رودخانه دز

منصور همدان نژاد مدیرعامل شرکت کشت و صنعت نیشکر دهخدا به خبرنگار ما گفت: کشت و صنعت دهخدا تنها شرکت در مجموعه توسعه نیشکر و صنایع جانبی است که آب مورد نیاز اراضی آن به طور انحصاری از رودخانه دز تامین می‌شود، این در حالی است که در پایین دست‌ترین بخش رودخانه قرار دارد.او افزود: به عبارت دیگر ایستگاه پمپاژ شرکت در حدود ۱۵ کیلومتری از بند قیر که محل اتصال رودخانه دز به رودخانه کارون است، قرار دارد و آخرین بهره بردار رسمی رودخانه دز محسوب می‌شود، این در حالی است که هر سال ۲ مشکل اراضی نیشکر را تهدید می‌کند.

۳معضل کشت و صنعت دهخدا را آزار می‌دهد

همدان نژاد در تشریح مشکلاتی که شرکت کشت و صنعت دهخدا را تهدید می‌کند، بیان داشت: در فصل تابستان و اوج مصرف آب، تعداد زیادی از کشاورزان نیمه صنعتی با مساحت گسترده کشت محصولات از شبکه شمال در حوزه شوش، دزفول و اندیمشک تا کشاورزان پایین دست تحت عنوان خرده مالک و کوچک شامل؛ برنج یا شلتوک از آب را بهره برداری می‌کنند.

این مقام مسئول اظهار کرد: این بهره برداران که از آب رودخانه دز برداشت می‌کنند، اصولا خارج از سهمیه آب مورد نیاز اراضی خود را تامین می‌کنند که یکی از معضلاتی است که با آن روبرو هستیم، همچنین مشکل دوم این است که سازمان آب و برق خوزستان به عنوان متولی در قانون توزیع عادلانه آب باید بهره برداران را مدیریت نماید، ولی در این زمینه به خوبی عمل نمی‌کند.

مدیرعامل شرکت کشت و صنعت نیشکر دهخدا با بیان اینکه کشاورزان در بالادست بیش از سهمیه مجاز آب برداشت می‌کنند، ادامه داد: شلتوک کاران نیز که امسال حقابه ندارند نسبت به برداشت و تامین آب موردنیاز اقدام می‌نمایند، این در حالی است که سازمان‌ها و دستگاه‌های متولی آن را کنترل و مدیریت نمی‌کنند.

سازمان آب و برق خوزستان ریسک پذیر نیست

او ریسک پذیری پایین سازمان آب و برق خوزستان را به عنوان سومین معضلی که گریبان این شرکت را گرفته است، معرفی و تصریح کرد: در واقع منافع این سازمان با منافع کشاورزان به ویژه کشاورزی های بزرگی مثل کشت و صنعت دهخدا که ۲ هزار نفر نیروی انسانی دارد، همخوان و همسویی ندارد، به عبارتی دیگر به فکر نیروها و کارگران نیست.

همدان نژاد گفت: سازمان آب و برق محاسبه‌های هیدرولیکی و مهندسی رودخانه را انجام می‌دهد و اگر جایی برای ریسک مشاهده نکرد، از اجرای طرح خودداری می‌کند و در نتیجه اراضی نیشکر و کشاورزی نابود می‌شود، ضمن اینکه تعهداتی را که به کشاورزان و شرکت کشت و صنعت دهخدا داده را نادیده می‌گیرد، این در حالی است که به استناد ماده ۲۱ قانون توزیع عادلانه آب، مصوب ۱۶ اسفندماه ۱۳۶۱، پروانه بهره برداری از آب رودخانه صادر شده و هر سال نیز تمدید می‌شود و آخرین تمدید آن در ۲۷ اردیبهشت ماه امسال انجام شده است.

سازمان آب و برق تعهدات خود را نادیده می‌گیرد

او افزود: براساس این پروانه که به امضای فرهاد ایزدجو مدیرعامل سازمان آب و برق خوزستان رسیده است، تعهد شده که در تیرماه امسال، ۴۵ میلیون متر مکعب آب برای آبیاری اراضی نیشکر تامین شود، این در حالی است که دستگاه متولی به تعهد خود پایبند نیست، در صورتی که طبق تعهد، مساحت کشت محصول تنظیم می‌گردد، اما بجای میزان آب مصوب شده، ۲۵ میلیون مترمکعب آب تحویل می‌دهند.

مدیرعامل شرکت کشت و صنعت نیشکر دهخدا با بیان اینکه سازمان آب و برق با چنین اقدامی تعهدات خود را نادیده می‌گیرد، اظهار کرد: از سویی دیگر در برنامه ریزی‌های سازمان، اقلیم جایگاهی ندارد، به این معنا که وقتی برای خروج آب از سدها برنامه ریزی می‌کند، فصل زمستان و تابستان و شرایط آب و هوایی تفاوتی ندارد، در صورتیکه در تیر ماه که شاهد حرکت اقلیم به سوی گرم شدن، تبخیر زیاد آب، وزش بادهای شدید، تعرق بیش از حد گیاه و نبود رطوبت نسبی هوا هستیم، نیاز گیاه به آب نیز افزایش می‌یابد.

مانع تراشی برای شلتوک کاران با خودداری از رهاسازی آب

منصور همدان نژاد ادامه داد: اگر قرار است برای آب موجود در پشت سد برنامه ریزی صورت گیرد، پس باید میزان آبی که برای کشت تابستانه در نظر گرفته شده، در تیرماه رهاسازی شود، زیرا نیاز به آب در این ماه بالا است، اما در سازمان آب و برق در تیرماه خروجی سد را کاهش می‌دهد تا شلتوک کاران از کشت این محصول منصرف شوند، در صورتیکه آب در سد وجود دارد و معمولا در مرداد و شهریور رهاسازی می‌کنند، اما چرا آن را در تیر ما رها نمی‌کنند تا شلتوک کاران بتوانند محصول بکارند و امرارمعاش نمایند؟

او خودداری از رهاسازی آب در تیرماه را عامل از بین رفتن محصولات کشاورزی و اراضی نیشکر دانست و بیان کرد: وقتی نیشکر دچار تنش آبی و کمبود آب می‌شود، فرصت رشد در مرداد و شهریور را از دست می‌دهد، ضمن اینکه مانع از فعالیت شلتوک کاران می‌شوند و در نهایت در مرداد ماه ۱۵ میلیون مترمکعب آب مازاد را رهاسازی می‌کنند که دیگر برای کشاورزان فایده‌ای ندارد.

همدان نژاد اظهار داشت: هر متر مکعب آب کشاورزی پشت سد، ۴ هزار تومان درآمد برای کشاورزان دارد، اگر این آب را به موقع در دسترس گیاه قرار دهیم، این مبلغ محقق می‌شود، اما اگر در زمان مناسب نسبت به رهاسازی آب اقدام نشود، هیچ سودی برای کشاورزان نخواهد داشت و خسارت زیادی به زمین‌های کشاورزی وارد می‌کند.

بزرگنمایی‌ها برای خشکسالی و نبود آب هدف خاصی را دنبال می‌کنند

این مقام مسئول عنوان کرد: افرادی که می‌گویند "باید کشت تابستانه در خوزستان از بین برود"، نظریه کاملا اشتباه محسوب می‌شود، زیرا آورد آب رودخانه‌های کارون و دز حق و سهم این استان است، آورد این رودخانه‌ها که سالیانه حدود ۲۰ میلیارد مترمکعب است، هر مترمکعب آب ۴ هزار تومان برای خوزستان درآمدزایی می‌کند، اما چرا باید مانع این درآمدزایی شوند؟ چرا نبود آب و خشکسالی را بزرگنمایی می‌کنند؟ این بزرگنمایی‌ها یک هدف خاص را دنبال می‌کنند و اعتقاد دارم با آب موجود در پشت سدها می‌توان به گونه‌ای برنامه ریزی کرد که علاوه کشت نیشکر، آب موردنیاز برنجکاران و صیفی کاران را پوشش داد، ضمن اینکه به لحاظ علمی، کارشناسی و فنی نیز حاضر به مذاکره برای اثبات وجود آب مورد نیاز برای موارد مذکور نیز هستم.

آب، گنجینه‌ای از اشتغال و درآمدزایی برای خوزستان

همدان نژاد امسال را بدترین سال برای سد دز طی ۶۰ سال اخیر دانست و ادامه داد: اما با مدیریت آب می‌توانستند آب موردنیاز همه کشاورزان پایین دست سد را بدون اینکه مشکلی برای سد، رودخانه و فعالان بخش کشاورزی رخ دهد، تامین کنند.

خسارت میلیاردی در کمین کشت و صنعت نیشکر دهخدا

این مقام مسئول با بیان اینکه تامین آب حکم گنجینه‌ای در اشتغال و درآمدزایی برای خوزستان محسوب می‌شود، گفت: هم اکنون ۲ هزار نفر در کشت و صنعت نیشکر دهخدا مشغول به کار هستند، به عبارتی دیگر به ازای هر ۵۰۰ هکتار یک نفر مشغول به کار است و هر متر مکعب آب از مزارع دریغ شود، سبب اُفت روزانه محصول خواهد شد، ضمن اینکه ماهیانه ۲۳ میلیارد تومان حقوق به کارکنان پرداخت می‌شود، اما کاهش سهمیه آب از ۱۲ خرداد تاکنون، ۱۱۵ میلیارد تومان خسارت به مجموعه وارد کرده است و در صورتیکه این روند ادامه پیدا کند، تا پایان تابستان ۵۰۰ تا ۶۰۰ میلیارد تومان ضرر و زیان بر شرکت تحمیل خواهد شد.

او تصریح کرد: در صورتیکه این میزان خسارت مالی به شرکت تحمیل شود، همانند این است که ۲ سال و نیم حقوق پرسنل، کارکنان و کارگران پرداخت نشده و ۲ هزار نفر بیکار شدند، این در حالی است که این تعداد اشتغال به مثابه پشتوانه‌ای برای کشور به شمار می‌روند، ضمن اینکه به ازای تامین نشدن آب برای هر یک هزار هکتار، باید ۳۰۰ نفر اخراج و بیکار شوند، البته تا به امروز ۱۰ تن در هر هکتار و معادل ۳ هزار هکتار زمین خسارت به شرکت وارد شده است .

تضعیف پشتوانه اشتغال با تامین نشدن آب

مدیرعامل شرکت توسعه نیشکر دهخدا گفت: این شرکت در یک سال اخیر با هدف کمک به اشتغال و کاهش بیکاری، یک هزار و ۴۰۰ نیروی انسانی استخدام کرده است، زیرا سایر شرکت‌ها جای خالی برای جذب نیرو نداشتند، استخدام در این شرکت انجام شد تا باری از روی استان خوزستان در این زمینه برداشته شود، اما در حال حاضر و در سالی که از سوی مقام معظم رهبری به عنوان «تولید، پشتیبانی‌ها، مانع زدایی‌ها» نامگذاری شده، برعکس مانع تراشی‌ها و مانع زایی در حوزه اقتصاد و کشاورزی که بیشتری نیروی انسانی در حال کار هستند، آغاز شده است.

همدان نژاد کاهش سهمیه آب و عمل نکردن به تعهدات سازمان آب و برق خوزستان به عنوان دستگاه متولی را اوج مانع تراشی در زمینه اشتغال دانست و افزود: شرکت توسعه نیشکر دهخدا تاکنون ۱۱۵ میلیارد تومان ناشی از تامین نشدن آب مورد نیاز کشت دچار خسارت شده است و با تداوم این روند تا پایان شهریورماه و پرداخت نشدن حقوق ۲ سال و نیم پرسنل و کارگران، باید ۵۰ درصد نیروها باید اخراج شوند تا بتوان حقوق ۵۰ درصد باقیمانده را پرداخت کرد.

۵۰۰ میلیارد تومان بدهی کمر شرکت را می‌شکند

او شرکت توسعه نیشکر را مجموعه‌ای بزرگ و گسترده عنوان و تصریح کرد: بانک‌های ملی و صادرات سهامداران شرکت هستند و شاید بتوانند با تامین نقدینگی به پرداخت حقوق و بدهی‌ها کمک کنند، اما دیگر توان قبلی برای فعالیت اقتصادی نمی‌ماند و به سادگی نمی‌توان از زیر بار بدهی‌ها کمر راست کرد، در این شرایط است که به شرکتی ورشکسته تبدیل می‌شود و حتی نمی‌توان بُن کارگرها را هم پرداخت نمود و همه این اتفاقات در نتیجه نبود برنامه و مدیریت صحیح از سوی سازمان آب و برق خوزستان است.

نابودی ۵۰ هزار تن شکر موجود در ساقه‌های نیشکر

منصور همدان نژاد نابودی ۱۰ هزار تن شکر موجود در ساقه‌های نیشکر را از پیامدهای منفی دیگر اختصاص ندادن آب و کاهش سهمیه عنوان کرد و اظهار داشت: اگر این روند ادامه پیدا کند، ۵۰ تن در هر هکتار و معادل ۵۰ هزار تن شکر از بین خواهد رفت، به عبارتی دیگر ۶۵۰ میلیارد تومان سرمایه و درآمد از بین می‌رود.

او افزود: هم اکنون شرکت توسعه نیشکر در سرازیری سقوط قرار گرفته و دقایق و ساعت‌ها برای نجات شرکت و محصول نیشکر سرنوشت ساز است، در این شرایط با تعداد زیادی از مسئولان استان خوزستان دیدار کردم تا بتوانم رضایت آن‌ها را برای تامین آب و برداشتن موانع جلب کنم، این در حالی است که آب به مدت ۳ روز تامین شد، ولی مجدد مسیر آب مسدود گردید و هم اکنون اراضی خشک شده اند. شرکت توسعه نیشکر دهخدا در سال ۱۳۹۹ با تولید ۱۰۸ هزار تن شکر با میانگین رقمی بی سابقه معادل ۱۳,۲ تن در هر هکتار با ۸ هزار تن بیشتر از ظرفیت اسمی به عنوان بزرگترین تولیدکننده شکر در ایران معرفی شد، این در حالی است که کارخانه برای تولید سالیانه ۱۰۰ هزار تن شکر احداث شده، ولی ۱۰۷ هزار و ۴۸۴ تن محصول تولید شده است.

همچنین این شرکت در سال ۱۳۹۹ واحد نمونه استانی در حوزه استاندارد جهانی شد، ضمن اینکه جایزه ملی مدیریت انرژی را در سطح کشور از آن خود کرده است، همچنین در مدت مذکور عنوان واحد نمونه کارگری کشوری را کسب کرد و در جشنواره کشوری امتنان کارگری حائز رتبه برتر در سطح کشور شده، کسب جایزه مشتری مداری نیز طی پارسال به شرکت توسعه نیشکر دهخدا اعطا شد و افتخارهای زیادی را از آن خود کرد.

سازمان آب و برق برای رهاسازی آب مدیریت ندارد

حکیم ناصری معاون کشاورزی شرکت کشت و صنعت توسعه نیشکر دهخدا در گفت و گو با خبرنگار ما از عملکرد نامناسب آب و رهاسازی آن از سوی سازمان آب و برق خوزستان انتقاد کرد و گفت: ماه های خرداد، تیر و مرداد زمان اوج رشد نیشکر است، اما مسئولان این سازمان در این زمان به عقیده خود آب را مدیریت کردند و از رهاسازی آن خودداری نمودند.

او به وقوع تنش آبی در مزارع نیشکر اشاره کرد و افزود: این اتفاق سبب کاهش رشد نی‌ها شده است، بطوریکه تا پایان خرداد ماه ۱۴۰ میلیارد تومان ضرر و زیان بر شرکت تحمیل شد و این روند ادامه دارد، ضمن اینکه احتمال دارد بیش از ۵۰ درصد نیروهای انسانی که حدود یک هزار و ۷۰۰ نفر جمعیت را در بر می‌گیرد، بیکار شوند.ناصری به تبعات دیگر کاهش آب و در نتیجه کاهش تولید نیشکر اشاره کرد و اظهار داشت: کارهای پیمانکاری و مشاغل غیرمستقیم نیز دچار مشکل می‌شوند و بطور کلی با این اتفاق با ضرری غیرقابل جبران مواجه خواهیم شد.

خطر کاهش تولید جدی است

این مقام مسئول میزان سهمیه آب برای اراضی نیشکر را ۲۱ مترمکعب عنوان و بیان کرد: در حال حاضر تنها حدود ۵ مترمکعب آب دریافت می‌کنیم و همین باعث کاهش رشد، ارتفاع و تناژ نیشکر و در نتیجه کاهش تولید می‌شود که این موضوع موجب می شود در تامین هزینه‌های شرکت و حقوق پرسنل دچار مشکل می‌شویم، همچنین تولید فرآورده‌های شکر از جمله؛ ملاس، باگاس، خوراک دام، کمپوست و ... متوقف خواهد شد، ضمن اینکه هزینه‌های تولید افزایش خواهد یافت.

معاون کشاورزی شرکت کشت و صنعت نیشکر دهخدا کاهش نیروی انسانی و تعدیل نیرو تا ۵۰ درصد را تنها راهکار برای تداوم تولید به میزان محصول برداشتی دانست و ادامه داد: اگر تا چندروز آینده تهمیدات جدی برای تامین آب اندیشیده نشود، استحصال ۱۰۰ درصد از نیشکر به ۶۰ درصد کاهش پیدا خواهد کرد و فقط ۴۰ درصد عایدی خواهد داشت و مجبوریم کارگران و پرسنل را اخراج کنیم.

آب تامین نشود، کابوس بیکاری نیروها محقق می‌شود

ناصری نسبت به تبعات منفی تامین نشدن آب برای اراضی نیشکر هشدار داد و گفت: درآمد سالیانه این شرکت یک هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان است که به حدود ۴۰۰ میلیارد تومان خواهد رسید، این در حالی است که میزان حقوق کارکنان به صورت سالیانه حدود ۶۰۰ میلیارد تومان برآورده شده، ضمن اینکه سایر هزینه‌ها شامل؛ آب، برق، گاز، اورهال کارخانه و دستگاه‌ها و... باید تامین شود.

او به شعار مقام معظم رهبری مبنی بر "اشتغالزایی، پشتیبانی‌ها و مانع زدایی ها" اشاره و اظهار کرد: دقیقا مسئولان سازمان آب و برق خوزستان عکس این شعار عمل می‌کنند و عقیده دارند آب نیست، در صورتیکه آب کافی موجود است و باید مدیریت شود و براساس توافق‌ها مقرر شده بود ۸۰۰ میلیارد مترمکعب آب در خرداد، تیر، مرداد و شهریور رهاسازی شود، از متولیان خواستیم به صورت مساوی آن را رهاسازی نکنند و براساس نیاز اراضی این اقدام صورت گیرد، ولی تاکنون همکاری نکرده اند.

کشاورزان و کشت و صنعت دهخدا را از آب محروم کرده اند

ناصری بیان داشت: سازمان آب و برق عقیده دارد که نباید شلتوک کشت شود، بنابراین هم کشاورزان و هم شرکت دهخدا حق برداشت آب ندارند، پس آب پشت سد سهمیه چه کسانی است؟ این در حالی است که با توجه به حجم آب پشت سد، هردو می‌توانیم از آب برداشت کنیم، برنامه‌ای هم به سازمان ارائه شده و آن‌ها نیز قبول کردند، اما همچنان در این زمینه مقاومت می‌کنند.

او میزان رشد نیشکر طی پارسال در همین فصل را ۲۰ سانتیمتر عنوان کرد و افزود: این در حالی است که هم اکنون نیشکرها فقط ۵ سانتیمتر رشد کرده اند، ضمن اینکه پارسال در همین بازه زمانی ارتفاع نیشکر ۱۳۰ سانت بود، ولی هم اکنون شاهد کاهش رشد آن هستیم و قامت آن‌ها به ۸۸ سانت رسیده، به عبارتی دیگر هر ۲.۵ سانت در هر هکتار یک تن نیشکر است.

تامین نشدن آب برابر با یکسان شدن شرکت با خاک

ناصری میزان اراضی زیر کشت نیشکر را ۱۰ هزار و ۵۰۰ هکتار دانست و گفت: با کاهش ارتفاع نیشکرها با اُفت ۱۰ هزار و ۵۰۰ تن محصول مواجه خواهیم شد، به عبارت دیگر ۱۰ درصد این میزان که شکر باشد، در مجموع یک هزار و ۵۰ تن شکر به دست می‌آید و در حال حاضر در این زمینه متضرر شده ایم و اگر این روند ادامه پیدا کند، باعث خشک شدن و نابودی نیشکرها شده و این شرکت تولیدی با ۲ هزار نفر نیروی انسانی با خاک یکسان خواهد شد.

معاون کشاورزی کشت و صنعت توسعه نیشکر بیان داشت: سال ۹۸ با پدیده سیلاب و نابودی اراضی مواجه بودیم، ولی با تلاش و همت همگانی زمین‌ها احیا شدند و تولید از سرگرفته شد و امسال نیز با بزرگنمایی خشکسالی و نبود آب باید شاهد نابودی شرکت، توقف تولید و بیکاری کارکنان باشیم.

قصه واقعی و غم انگیز شرکت کشت و صنعت نیشکر دهخدا را خواندیم، زمین‌ها تشنه و در عطش آب می‌سوزند، نیشکرهایی که آهنگ تولید می‌نواختند، حالا باید مرثیه نابودی بخوانند و غزل خداحافظی را نجوا کنند و از بین بروند، آنچه باعث جلوگیری از این اتفاق تلخ می‌شود، مدیریت آب و رهاسازی به موقع آن است، اما سالهاست که مدیریت منابع جزو حلقه‌های مفقوده در بسیاری از اداره ها و سازمان خوزستان به شمار می‌رود و روز به روز این استان زرخیز را در منجلاب مشکلات بیشتر فرو می‌برد.



نفرسوم جشنواره

شهرزاد امیری

عنوان اثر:

نواختن نغمه های زندگی در سرزمین نیستان/ کام شیرینی زندگی در کرانه تالاب ها

مقدمه : تا چشم کارمی کند دور تا دور این مزرعه بزرگ پر شده از نیشکرهایی که آهنگ زندگی را می نوازند ؛ نیشکرهایی که سبزبودنشان نوای امید را برای ما به ارمغان آورده اند و چه کسی می دانست روزی می رسد که همین گیاهان سبز نیشکر به نبرد با خطرناک ترین ویروس قرن خواهند رفت و چه خوشبخت و خوشحال هستند سرزمین هایی که این گیاه درمانی را در دل خود دارند.

آری لشکر نی کارنامه پیروزی با نمره های قبولی در هر رشته ای دارد مثل ام دی اف ، کاغذ ، خمیر مایه ، متادون درمانی و..شاید برای نگهداشت این گیاه جادویی همچنان باید جنگید.

خوزستان به دلیل داشتن ظرفیت های مهمی مانند رودخانه ها ، سدها ، تالاب ها و طبیعت بکر یکی از استان های گردشگر پذیر کشور محسوب می شود که سالانه تعداد زیادی از گردشگران به ویژه در ایام عید به این استان سفر می کنند. با توجه به اینکه گردشگری نیشکر به عنوان یکی از حوزه های بخش کشاورزی منشا تولید درآمد ، اشتغال زایی و شکوفایی اقتصادی برای منطقه است، می توان گفت ظرفیت های این صنعت در کنار رونق تولید و ایجاد اشتغال می تواند نقش مهمی نیز در گردشگری خوزستان و توسعه پایدار ایفا کند .

هتل نیشکر از جمله این ظرفیت هاست که با چشم اندازی زیبا در موقعیتی جغرافیایی مناسب نسبت به دانشگاه‌های اهواز، بیمارستان و مراکز درمانی، ساحل زیبای رودخانه کارون واقع شده است. همچنین تالاب ناصری به عنوان جاذبه های صنعت گردشگری نیشکر در خوزستان معرفی شده که صد البته برنامه ریزی اولین گام برای هدفمند سازی و رونق صنعت گردشگری نیشکر خواهد بود . از این رو درگزارش زیر به پتانسیل های مهم این صنعت و راهکارهای تقویت گردشگری صنعت نیشکر پرداخته ایم که آن را می خوانید .

پوشش سبز نیشکر تفریحگاهی برای جذب گردشگران/ مزارع نیشکر سپری برای مقابله باگردوغبار

فعال گردشگری و روزنامه نگار خوزستانی مزارع نیشکر را سپری برای مقابله با گرد وغبار در استان خوزستان می داند .

مجتبی گهستونی در گفتگو با خبرنگار نبض شهر می گوید : تولید شکر در کشت و صنعت های هفت گانه با عمل فتوسنتز گیاه نیشکر موجب تولید و رهاسازی هزارتن اکسیژن می‌شود و علاوه بر تلطیف هوای منطقه باعث کاهش اثرات زیانبار گازهای گلخانه‌ای و جلوگیری از بروز پدیده گرمایش جهانی می‌شود.

گهستونی اظهار می دارد: مزارع همیشه سرسبز نیشکر و آبراهه‌های متعدد بصورت زیستگاهی مصنوعی برای حیات وحش منطقه عمل کرده و سبب افزایش تنوع زیستی ، غنای گونه‌ها و فراوانی انواع جانوران و پرندگان آبزی و کنار آبزی (مانند ماهیخورک ابلق ، اگرت بزرگ و کوچک)در حاشیه و فراز کانال های انتقال آب و زه‌آبها و تالاب های انسان‌ساز شده اند .

وی براین باوراست : مزارع نیشکر و تالاب نیشکر زیستگاهی برای حیات وحش محسوب می شود که ضمن ترغیب کردن گردشگران عمومی برای بازدید و بهره مندی از این تفریحگاه ها ، بسیاری از گردشگران تحصصی نیز می توانند از فضای موجود بهره مند شوند.

گهستونی می گوید : در حاشیه تالاب و زمین های شورو قلیایی گونه هایی از گیاهان زیست می‌کنند که نسبت به میزان های شوری خاک مقاوم هستند. از جمله این گیاهان می توان به گز و علف شور اشاره کرد که آشیانه سازی تعدادی از پرندگان شده اند .

وی ،با بیان اینکه درطی سالهای گذشته گردشگرانی در رشته حشره شناسی در خوزستان داشتیم تصریح می کند : مزارع و تالاب نیشکر مملو از گروه های متنوعی از حشرات شامل، قاب بالان، دوبالان، حلزونها و انواع سنجاقک ها است که این موضوع در افزایش آمار بازدید کنندگان ازصنعت گردشگری نیشکر اهمیت دارد .

از دیدگاه این پژوهشگر حوزه میراث فرهنگی و گردشگری ، حضور گسترده پرندگان در این پوشش سبز و تالاب و حوضچه های آبی فرصت مناسبی برای عکاسی و پرنده نگری گردشگران تخصصی است ؛ بررسی ها و بازدیدهای صورت گرفته نیز نشانه غنای گونه ای بالای پرندگان مهاجر و بومی در این صنعت گردشگری است .

وی می افزاید : بسیاری از مزارع نیشکر به واسطه نزدیکی به جاده ارتباطی اهواز - خرمشهر، اهواز - آبادان مکان مناسبی برای توسعه گردشگری صنعتی هستند بنابراین این پوشش سبز نیشکری چشم انداز و تفریحگاه خوبی برای گردشگران است و می توان با ارائه سایر فعالیت های مفرح نظیر پرنده نگری و ماهیگیری و ورزش های متنوع وعکاسی بر رونق این گردشگری افزود.

صنعت گردشگری نیشکر را از رکود خارج می کنیم / ایجاد بسته سفر در آینده نزدیک برای گردشگران

سرپرست معاونت گردشگری اداره کل میراث فرهنگی خوزستان معتقد است: صنعت نیشکر در خوزستان توسط بخش خصوصی مدیریت می شود و نوع گردشگری این صنعت با گردشگری کشاورزی عام متفاوت است .

پیمان نیهانی ،در گفتگوی اختصاصی با خبرنگار نبض شهر با اشاره به پتانسیل های صنعت گردشگری نیشکر اظهار می دارد : بطور قطع محصولات کارخانه ای نیشکر برای گردشگر جذابیت چندانی ندارد . از این رو تلاش ما این است تورهای گردشگری به آنجا بفرستیم که از امکانات سنتی و صنایع دستی حاصل از نیشکر بهره مند شود .

نیهانی می گوید : برنامه ریزی هایی در سال ۹۷ برای معرفی صنعت نیشکر به گردشگران و اعزام تورهای گردشگری به جاذبه های این صنعت داشته ایم اما به دلیل نبود اعتبارات لازم این برنامه ها اجرایی نشده است .

وی، وقوع سیلاب و ایجاد شرایط کرونایی را دو عامل اولویت قرار نگرفتن برنامه ریزی های اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان در راستای جذب گردشگری صنعت نیشکر عنوان می کند .

این مقام مسئول می گوید : ظرفیت های گردشگری درصنعت نیشکر وجود دارد و عمده کار ما معرفی بسته تبلیغاتی محصولات نیشکری به گردشگران و ایجاد بسته سفر است که باید پس از بررسی کارشناسان در اداره کل و معاونت گردشگری استان این امکانات بطور علمی ظرفیت سنجی و با همکاری تور لیدرها و آژانس ها این بسته سفر تهیه شود .

وی ، به سوال ما که" بسته سفر گردشگران چه ویژگی هایی باید داشته باشد ؟" اینگونه پاسخ می دهد : بسته سفر و محصولات نیشکری باید آنقدر جذاب و با کیفیت باشند که سبب ترغیب تعداد بیشتر گردشگر برای سفر به خوزستان شود .

این مقام مسئول تصریح می کند : شرایط کشور به گونه ای است که به دلیل واکسیناسیون گروه های مختلف سنی ، برخی محدودیت های اولیه شرایط کرونا درحال رفع شدن هستند . سعی ما این است ضمن رعایت پروتکل های بهداشتی ، با بررسی ظرفیت های صنعت گردشگری و اقدامات کارشناسی معرفی این ظرفیت ها به گردشگران ، این صنعت را از رکود خارج کنیم و گام های مهمی در رونق صنعت گردشگری استان برداریم تا برنامه ریزی ها بر آن اساس انجام شود ولی این کار زمان بر است

وی اضافه می کند : تدوین برنامه ریزی های صحیح و اختصاص اعتبارات لازم منجر به توسعه و پیشرفت صنعت نیشکر، افزایش آمار گردشگران به خوزستان گردی و درآمدزایی برای استان می شود .

عطر نیشکر ها در مزارع

قدم زدن در مزارع نیشکر آنقدر زیبا و دلنشین است که سکوت و آرامش آن نه تنها برای ما بلکه برای تلاشگران این صنعت که شب و روز برای قد کشیدن این گیاه زحمت می کشند، شادی آفرین و به یادماندنی است. آنها دیگر به صدا و لبخند و عطر نیشکر عادت کرده اند و اگر یک روز از این مناظر زیبا دور باشند دلتنگ شان می شوند .

آری گیاه نیشکر با همان قد بلندش در باغ چون سروی می ماند که ایستادگی را در سرزمین زرخیز خوزستان به رخ دیگر گیاهان می کشد و با برگ های پهن و توان فتوسنتزی به سایر گیاهان زراعی فخر فروشی می کند .

بنا به گفته های کارشناسان محیط زیست، تالاب ناصری یا نیشکر در دل خوزستان دیگر ظرفیت مهم جذاب گردشگری محسوب می شود که اگر برنامه ریزی مناسبی برای آن صورت گیرد نقش مهمی در چرخه اقتصادی استان بویژه در ماهیگیری و زیستگاه پرندگان ایفا می کند .

اولین چیزی که در تالاب ناصری نگاهت را به خود جلب می کند کلبه هایی از حصیر و از جنس نخل و نیشکر ، صدای دلشنین آب، آواز خوش پرندگان و قایق های ماهیگیری در گوشه و کنار تالاب است که یاد و خاطره ی دریا را در ذهن تداعی می‌کند .

پرندگانی که در آن تالاب جمع شده اند اغلب یا بومی هستند یا طی مهاجرت های فصلی در این اکوسیستم زمستان گذرانی می‌کنند از این رو وجود انواع پرندگان از گونه های حواصیل ، آبچیلک ، کاکایی و.. نشان از مطلوبیت زیست بوم ایجاد شده در تالاب و تطابق اکولوژیک بین شرایط زیستی پرندگان و حیات تالاب است .

اجرای کشت وصنعت های نیشکر پیش زمینه بازگشت حیات وحش

بنا به گفته مدیر عامل شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی استان خوزستان ، مزارع نیشکر در حال حاضر از معدود زیستگاه هایی هستند که گونه های پرندگان در حال انقراض همچون دراج درآن زندگی می کنند. از این رو ایجاد زیستگاه های مناسب برای پرندگان در مزارع نیشکر، شکل گیری اکوسیستم طبیعی و جاذبه های دیدنی از جمله تالاب نیشکر و ... فضای مناسبی را برای گردشگران و دوستداران محیط زیست ایجاد کرده است.

عبد علی ناصری می گوید : سطح سبز ایجادشده توسط نیشکر هر هکتار حدود ۵ تا ۸ هکتار است که در اثر زیرکشت رفتن اراضی نیشکری، حداقل ۵۰۰ هزار هکتار سطح سبز در منطقه پدیدار می شود. این حجم وسیع از پوشش گیاهی نقش مهمی در جذب دی اکسید کربن و تولید و رهاسازی اکسیژن داشته و باعث افزایش رطوبت نسبی هوا، کاهش دما و بهبود شرایط اقلیمی شده است .

وی عنوان می کند: با اجرای کشت و صنعت های نیشکر محیط مناسب برای بازگشت حیات وحش مهیا شده و در نتیجه آن، پستاندارانی مانند گراز، گربه وحشی، شغال، انواع جوندگان و تعداد بی شماری پرندگان آبزی، آبچر، کنار آبزی از قبیل فلامینگو، کاکائی، آبچلیک، چوب پا، حواصیل و ... به منطقه روی آورده و در این مزارع نیشکر سکنی گزیده اند و فضای عمومی منطقه برای دوستداران محیط زیست و حیات وحش بسیار جذاب و نشاط آور شده است .

این مقام مسئول به سوال ما درخصوص"گونه های زیست محیطی تالاب ناصری "اینگونه پاسخ می دهد : این تالاب با وسعتی برابر ۹ هزار و۶۰۰ هکتار در شمال خرمشهر واقع شده و طبق سرشماری های محیط زیست بیش از ۲ هزار پرنده از گونه‌های بوتیمار، فلامینکو، کورکور، بیدمک، خوتکا، آب چلیک و همچنین ۲۸ رأس پستاندار از قبیل روباه، شغال، خدنگ، گراز و تشی در این منطقه حضور دارند .

تالاب ناصری پناهگاهی برای حیات وحش / وجود ۲۰ هزار فلامینگو در تالاب

ناصری بیان می کند : تالاب ناصری حاصل زه آب های کشت و صنعت نیشکر امیر کبیر و میرزا کوچک خان در جنوب خوزستان است که به دلیل کیفیت مناسب زه آب ها به پناهگاهی برای حیات وحش و به خصوص پرندگان مبدل شده است و فلامینگو با ۲۰ هزار قطعه درراس گونه های پرندگان تالاب نیشکر هستند .

وی می افزاید : تالاب نیشکر که نوعی اکوسیستم مصنوعی است به سرعت توانسته با اکوسیستم منطقه همزیستی پیدا کرده و کارکردهای خود را منطبق با اکولوژی منطقه آشکار کند .

آنچه مشخص است سیاست های کلان گردشگری بایستی همراه با منابع و مصالح محیطی طرح و اجرا شوند، در غیر این صورت گسترش این صنعت می تواند در منابع طبیعی، ملی و حتی میراث فرهنگی اثرات مخربی را برجای بگذارد. برای حفاظت بهتر از محیط زیست مورد استفاده این صنعت و حرکت کردن در جهت توسعه پایدار، باید زمینه ای معقول و منطقی را فراهم کرد. در این رابطه سه پایداری بوم شناختی، پایداری فرهنگی - اجتماعی و پایداری اقتصادی باید در ارتباط با توسعه صنعت گردشگری مورد توجه قرار گرفته و توسط مسئولین ذیربط به مرحله اجرا درآیند، زیرا هیچ چاره ای جز این نیست که استراتژی های سازگار بین توسعه گردشگری و محیط زیست برقرار گردد.

همانطور که می دانیم تاریخچه کشت نیشکر در خوزستان ۸۰۰ سال قبل از میلاد برمی گردد و از جمله دلایلی که باعث استقرار این گیاه در منطقه شده، وجود خاک‌های حاصلخیز، آب فراوان، درجه حرارت مناسب و نور کافی عنوان شده است .اما نکته مهم این است که با توجه به تاریخچه کشت نیشکر در خوزستان، چرا توسعه گردشگری این صنعت تا کنون مورد توجه قرار نگرفته و برای آن نقشه راه تدوین نشده است ؟ آیا سیاست های اجرایی اداره کل میراث فرهنگی وگردشگری استان در مسیر اصلی خود قرار نگرفته است یا نبود اعتبارات دلیل خوبی برای تحقق نیافتن برنامه های میراث فرهنگی و گردشگری خوزستان محسوب می شود ؟ آیا برنامه های اداره کل میراث فرهنگی وگردشگری خوزستان برای توسعه صنعت گردشگری خواهد توانست به افزایش درآمد اقتصاد استان کمک کند ؟ آیا شرکت توسعه نیشکر وشرکت های جانبی استان نیازمند اعتبارات خاص برای ایجاد زیر ساخت های جدید در عرصه توسعه صنعت گردشگری است ؟ چرا تا کنون به مسئله گردشگری نیشکر در خوزستان توجه خاص نشده است ؟..

شرکت توسعه نیشکر
و صنایع جانبی

SUGARCANE & BY-PRODUCTS
Development Company

بخش یاداشت





نفر اول جشنواره

سمیه غافلی

عنوان اثر:

شکوفایی اقتصاد روستاها با بالفعل ساختن گردشگری نیشکر

گردشگری کشاورزی اقدامی است برای جذب گردشگران به یک منطقه است، در اصل برای تحقق اهداف کشاورزی .

گردشگری کشاورزی با جذب گردشگران به مناطق روستایی باعث ایجاد شکلی از آرامش روحی و روانی در آنها می شود که به دنبال روند رو به رشد نوعی گردشگری آنها با عنوان گردشگری کشاورزی می باشد. در دنیای امروز، تیمی از جدید ترین جاذبه های گردشگری با نام گردشگری کشاورزی می باشد که طرفداران فراوانی دارد.

زندگی در شهر و سبک زندگی ماشینی و شهری ، بسیاری از ما انسان ها را نه تنها از طبیعت و مزارع کشت دور کرده و بلکه مزایای بودن در چنین فضا هایی را هم از ما گرفته است.

چگونگی زندگی مردم روستا و اغلب کشاورزان برای مردم شهری بسیار ناشناخته ، تعجب آور و هیجان انگیز می باشد.

بسیاری از امور روستایی را برای مردم شهری ناشناخته ساخته اما با رشد گردشگری، گردشگری کشاورزی نیز سمت و سوی خود را گرفت و گردشگران زیادی را به سمت خود هدایت کرد و گردشگران را به مزارع، مراتع و محل های طبیعی دیگری از جمله مزارع نیشکر جذب کرد.

گردشگری کشاورزی یا گردشگری مزارع یکی از راهکارهای حاضر برای توسعه روستاها و رونق اقتصادی آنها و نیز معشتی پایدار برای روستایان می باشد.

در این میان اما،صنعت گردشگری در استان خوزستان با توجه به گردشگرپذیر بودن آن از اهمیت قابل توجهی برخوردار است که وجود مزارع نیشکر جاذبه های خاصی در صنعت گردشگری کشاورزی ایجاد کرده و به اهمیت رونق بخشی این صنعت می افزاید.

با توجه به این که استان خوزستان از دیرباز مهد کشت نیشکر در کشور بوده و خوزستان را به نام سرزمین شهد و شرجی می شناسند، کلمه خوزستان به معنی شکرستان می باشد.

روستاهای حاشیه طرح های نیشکر یا بهتر بگوییم روستاهای که مزارع نیشکر دارند با داشتن پتانسیل و ظرفیت های گردشگری از جمله صنعت نیشکر ظرفیت تبدیل شدن به یکی از قطب های گردشگری و همچنین ایجاد اشتغال پایدار را دارا است.

توجه به اهمیت و ظرفیت صنعت گردشگری کشاورزی به ویژه گردشگری نیشکر، اشتغال و توسعه پایدار را برای روستاها به ارمغان خواهد آورد.

گردشگری نیشکر یک صنعت بزرگ با ظرفیت های بیشماری می باشد که در سطح ملی می تواند دیده شود و به آن اهمیت داد تا شکوفایی اقتصادی منطقه را به همراه آورد.

مزارع نیشکر استان خوزستان از محدود زیستگاه های هستند که گونه های پرندگان در حال انقراض در آنجا زندگی می کنند که این ظرفیت خود بر اهمیت صنعت گردشگری نیشکر می افزاید.

صنعت نیشکر با دارا بودن ظرفیت های بیشماری علاوه بر رونق تولید ایجاد اشتغال، نقش تاثیر گزاری در صنعت گردشگری استان دارد.

با اشاره مجدد به اینکه خوزستان از استان های گردشگر پذیر می باشد، شرکت توسع نیشکر و صنایع جانبی استان نیز با اهتمام بخشی به توسعه پایدار و ایجاد اشتغال مولد در صنعت گردشگری اقدام به تأمین زیر ساخت های اقامتی تفریحی و...

در راستای رونق بخشی به گردشگری استان به ویژه گردشگری کشاورزی نموده است، چرا که مدیریت این شرکت ، نیک می داند که گردشگری نیشکر منشأ تولید درآمد و اشتغالزایی و شکوفایی اقتصادی برای روستاهای حاشیه طرح های نیشکر می باشد.

ایجاد زیستگاه های مناسب برای پرندگان در مزارع نیشکر، شکل گیری اکوسیستم طبیعی و جاذبه های دیدنی از جمله تالاب ناصری، فضای مناسبی را برای گردشگران نیشکر ایجاد کرده است.

از این رو، امید می رود با ایجاد راهکارهای مدون و بلند مدت و بهره گیری از ظرفیت بالقوه و تبدیل آن به ظرفیت های بالفعل صنعت گردشگری در مزارع نیشکر خوزستان، می توان آینده درخشانی را برای صنعت گردشگری کشاورزی پیش بینی کرد تا بلکه بیش از این از وابستگی به صنعت نفت که ارمغانی برای مردم خوزستان ندارد، خارج شویم.



نفر دوم جشنواره

مرتضی آژند

عنوان اثر :

شکر تر از نفت!

بر اساس آمار ارائه شده، اهمیت مزارع هفت گانه توسعه نیشکر و صنایع جانبی در خوزستان آنجا روشن می شود که با تامین شکر مصرفی ۲۸ میلیون نفر در کشور و سایر تولیدات جانبی مانند تولید ۷۶ درصد الکل طبی کشور، تولید ۱۰ هزار تنی خمیرمایه، تامین تخته صنعتی مصرفی بیش از ۵ میلیون نفر، تامین گوشت قرمز به میزان ۳۵ هزار تن با استفاده از خوراک دام تولیدی، تامین کاغذ مصرفی بیش از ۵ میلیون نفر و .. از خروج بیش از ۷۰۰ میلیون دلار ارز از کشور جلوگیری می کند.

کاوش اخبار؛ مرتضی آژند: نام خوزستان با اقتصاد گره خورده و از آن به عنوان قلب تپنده اقتصاد کشور یاد می شود و دلیل آن سهم دوم استان در تولید محصول ناخالص داخلی کشور بعد از تهران است. استانی حاصلخیز که از آن به عنوان سرزمین نفت یاد می شود و سایر بخش های اقتصادی آن تحت الشعاع این برادر بزرگتر خود، چندان به چشم نیامده و از نقش حیاتی آنها در اقتصاد کشور غفلت شده است. نمونه ای از آن شرکت های هفت گانه توسعه نیشکر در خوزستان است که آمار آن می گوید، شکرتر از نفت هستند.

سالانه دو تا ۳ میلیون تن شکر در کشور مورد استفاده قرار می گیرد که نشان دهنده جایگاه هرچند اندک اما مهم آن در سبد خانوار است، از این مقدار مصرفی حدود ۱,۵ میلیون از نیاز بازار در داخل تولید می شود که سهم خوزستان با ظرفیت تولید ۷۰۰ هزار تن در سال، حدود ۴۰ درصد از میزان تولیدی شکر در داخل است. در اهمیت تامین شکر مورد نیاز بازار همین بس که در چند وقت گذشته کمبود آن در بازار به یم مسئله برای کشور تبدیل شد و نگرانی و اعتراض هایی از سوی مردم به همراه داشت و همین کمبود هم باعث شد که قمیت آن چندین بار دچار تغییر شود و در واردات آن با توجه به مشکلات اقتصادی کشور و تحریم، مسائلی رخ دهد.

بر اساس آمار ارائه شده، اهمیت مزارع هفت گانه توسعه نیشکر و صنایع جانبی در خوزستان آنجا روشن می شود که با تامین شکر مصرفی ۲۸ میلیون نفر در کشور و سایر تولیدات جانبی مانند تولید ۷۶ درصد الکل طبی کشور، تولید ۱۰ هزار تنی خمیرمایه، تامین تخته صنعتی مصرفی بیش از ۵ میلیون نفر، تامین گوشت قرمز به میزان ۳۵ هزار تن با استفاده از خوراک دام تولیدی، تامین کاغذ مصرفی بیش از ۵ میلیون نفر و .. از خروج بیش از ۷۰۰ میلیون دلار ارز از کشور جلوگیری می کند.

اهمیت این آمار و ارقام در شرایط تحریمی کشور که در آن نفت هم به سختی به فروش می رود و در واردات محصول و پرداخت بهای ارزی آنها مشکلاتی وجود دارد بیشتر خود را نشان می دهد. ویژه تر آنکه همین آمار می گوید، مزارع هفت گانه توسعه نیشکر و صنایع جانبی در خوزستان ۲۰ هزار شغل مستقیم و ۲۵ هزار شغل غیر مستقیم ایجاد کرده اند و نقش مهمی در اشتغال استان دارند، آنهم استانی که رتبه سوم بیکاری را در کشور را دارد.

شکر تر از نفت!

آمارهای قابل دفاع اقتصادی را که کنار بگذاریم به ایجاد و توسعه شرکت های هفت گانه توسعه نیشکر و صنایع جانبی خوزستان انتقادهایی نیز وارد است که بیشترین آن مربوط به مسائل محیط زیستی است و به نوع برداشت این محصول و میزان مصرف آب آنها در شرایط خشکسالی بر می گردد. آتش زدن مزارع برای برداشت نیشکر و دود و خاکستری که از آن به مکان های جمعیتی اطراف این مزارع می رسد باعث انتقادهایی به نوع برداشت از مزارع شده است. هرچند که شرکت توسعه نیشکر می گوید که برداشت عمدتا بصورت سبز و با دستگاه هاروستر انجام می شود مگر در مواقعی که امکان برداشت سبز وجود نداشته باشد.

با در نظر گرفتن جمیع شرایط می توان گفت که شرکت های هفت گانه توسعه نیشکر و صنایع جانبی خوزستان حداقل در شرایط کنونی، نقش مهمی در اقتصاد استان و کشور ایفاء می کنند هرچند که ظرفیت های آنها ناشناخته مانده و خدمات اقتصادی آنها به کشور کمتر معرفی شده است.

البته شرط پایداری و ماندگاری هر صنعتی آن است که خود را با آخرین دستاوردهای عملی و سخت افزاری روز دنیا در حوزه خود، بروزرسانی کند و مسائل محیط زیستی را به حداقل ممکن برساند و با مردم بومی که صنعت در آن مکان ایجاد شده، ارتباط دو سویه برقرار کند و برای آنها عایدی هم داشته باشد. اقداماتی که شرکت های هفت گانه توسعه نیشکر و صنایع جانبی خوزستان برای ماندگاری باید آنها را در سرلوحه برنامه های خود قرار دهد به ویژه در بحث چگونگی تامین آب این مزارع با توجه به خشکسالی های اخیر و پیش رو.

کاوش اخبار

نفر سوم جشنواره



احسان سپهوند

عنوان اثر:

صنعت نیشکر و الزامات توسعه پایدار

احسان سپهوند - استان خوزستان پیش از اینکه به عنوان یک استان صنعتی و نفتی برای کشور شناخته شده باشد؛ به واسطه جلگه مسطح و خاک حاصلخیزش، از قرن ها پیش مرکز تولیدات زراعی و باغی بوده است. وجود رودهای پر آب و شرایط آب و هوایی مستعد کشت و کار در خوزستان، امکان کاشت سه تا چهار محصول کشاورزی در طول یک سال زراعی را فراهم آورده که در نوع خود بی نظیر است.

امروزه رشد روزافزون جمعیت، سبب نیاز بیشتر بشر به عوامل تولید شده و موجبات گسترش تولیدات کشاورزی را فراهم آورده که به تبع آن تاثیرات سوء بر محیط زیست پدیدار کرده است. بر اساس آموزه ها، تولید تنها راه حفظ و توسعه ساختار اقتصادی کشور است. اما هیچ متفکری به صرف توسعه اقتصادی یک جامعه را پیشرو و توانمند نمی داند. به عبارتی افزایش تولید و بهبود رفاه اقتصادی در سطح یک کشور، متضمن دستیابی به کشوری پیشرفته نیست؛ زیرا که در مفاهیم توسعه، علاوه بر توسعه اقتصادی که ناظر به ابزارهای تولید مانند نیروی کار، ادوات و زمین است؛ ما با توسعه پایدار که ناظر بر حفظ منابع تولید برای نسل های آینده است روبرو هستیم.

کشاورزی پایدار، روندی است که ضمن مدیریت صحیح و استفاده از منابع برای تأمین نیازهای بشر، کیفیت محیط زیست و ذخایر منابع طبیعی را افزایش می دهد. همچنین این کارکرد از نظر اقتصادی پویا بوده و مواد غذایی حاصل از آن، اثرات سوء بر زندگی بشر ندارند و در حفظ و مراقبت از منابع برای نسل های آینده نیز کوشش شده است.

در این میان، صنایع بزرگ کشاورزی مانند طرح های کشت و صنعت نیشکر در کنار کشاورزان خرده پا، رونق چشم گیری را در بخش اقتصادی استان به وجود آورده اند اما با وجود منافع کلان اقتصادی، در صورت عدم توجه به توسعه پایدار می توانند عواقب ناگواری بر زندگی نسل های آینده داشته باشند.

طرح هایی که سالیانه هزاران دلار به تولید ناخالص ملی می افزایند و ضمن ایجاد اشتغال برای استان خوزستان و پایداری چرخه اقتصاد کشور در بُعد کلان، معیشت کارکنان و تقویت بخش تقاضا در اقتصاد خرد را ضمانت می کنند.

با وجود این، روشن می شود که افزایش تولید با از دست دادن منابع نمی تواند برای حاکمیت یک کشور موفقیت و دستیابی به هدف محسوب شود؛ زیرا که در جریان تولید از شاخصه های توسعه پایدار چشم پوشی شده است. همچنان که قطع کامل درختان یک جنگل علیرغم افزایش درآمد ملی در کوتاه مدت، نمی تواند موفقیت در نظر گرفته شود.

بنابر مطالب پیشین، شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی به مثابه کارخانه عظیم کشاورزی ایران می تواند فرصت و یا تهدیدی جدی برای استان خوزستان باشد.

در علم کشاورزی روند تولید متشکل از سه بخش کاشت، داشت و برداشت است و لزوم توجه به محیط زیست در هر سه مرحله بسیار ضروری است.

در اهواز هم از میدان مولوی تا چهار راه نادری تردد انسانی غیر ممکن بود، زمانی که با خودروی بالابر شرکت توزیع برق برای تصویر برداری به ارتفاع رفتم از آن بالا به محبوبیت سردار پی بردم که به حق شهید سلیمانی «سردار دلها» است که با شهادتش این جمعیت را به خیابان ها کشانده است.

تلخ ترین واقعه در ساعت ۱ و ۲۰ دقیقه بامداد رخ داد

ثریا زندیار؛ خبرنگار روزنامه روزان در خوزستان این گونه از شناخت خود در مورد سردار قبل از شهادت می گوید: سردار را بسیار عمیق می شناختم، اوج شناختم از این شخصیت محبوب، زمان حملات داعش به مردم بی گناه عراق و سوریه بود که آرزو می کردیم کسی بتواند داعش را نیست و نابود کند، از آنجایی که اقدامات امنیتی مرزی و برون مرزی را پیگیری می کردم، شخصیت مبارزه طلبانه و وطن دوستانه سردار سلیمانی را بیشتر شناختم و با سخنان ایشان در خصوص نابودی داعش، و حراست از خاک ایران، احساس امن بودن داشتم.

زندیار روز خبردار شدن شهادت سردار این گونه توصیف می کند: ساعت ۵ و ۴۰ دقیقه صبح بود از خواب بیدار شدم. طبق معمول هر روز، گوشی تلفنم را برداشتم که پیامهای دریافتی را بخوانم، یکی از دوستانم یک خبر کوتاه برایم ارسال کرده بود که: *"سردار قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس در فرودگاه بغداد به شهادت رسید."* برق از سرم پرید، بلند شدم ایستادم و دوباره نشستم؛ علیرغم اینکه دلم نمیخواست صحت خبر را پیگیری کنم اما همه ناگزیر بودیم آنچه رخ داده بود را بخوانیم، گروه های خبری و خبرگزاری های رسمی را چک کردم، و متاسفانه تلخ ترین واقعه در ساعت ۱ و ۲۰ دقیقه بامداد رخ داده بود و تلخ ترین خبر در تاریخ ثبت شده بود.

وی با بیان این که حال آن لحظه قابل توصیف نیست، و اصلا در قالب کلمات نمی گنجد، ادامه می دهد: فرمانده بیدار و هشیار ملت ایران در میدان ها بود، عمیقا ناراحت بودم و اینکه هیچ کاری از دست هیچکس بر نمی آمد، به عمق ناراحتی مان اضافه میشد. این روزنامه نگار با اشاره به اینکه یک سال از شهادت سردار گذشته، شهادت را پایان قصه مقاومت نمی داند و می گوید: البته که پس از شهادت ایشان، سردار سلیمانی های ایرانِ بزرگ بیشتر می شوند و راه سردار دلها ادامه دار خواهد بود اما اکنون دلمان برای سردار محبوبمان تنگ شده و این دلتنگی تمام شدنی نیست.

زندیار در ادامه از احوال و واکنش اطرافیانش در مواجهه با شهادت سردار می گوید: اطرافیانم هم از این رخداد تلخ به شدت ناراحت بودند، مادرم به محض اینکه برنامه ای در خصوص حاج قاسم از تلویزیون پخش می شود، تا پایان برنامه گریه می کند، تصاویر ایشان را که در روز تشییع با خود به خانه آورده بود، در خانه قاب کرده و برای شخصیت این شهید بزرگ و تمام تصاویر ایشان بسیار احترام قائل است. این حس در بین تمامی اعضای خانواده و نزدیکان وجود دارد.

احساس یتیمی کردم

در ادامه فاطمه زومند خبرنگار روزنامه کیهان می گوید: سردار را می شناختم و در جریان فعالیت های ایشان در سپاه قدس و مبارزه با داعش در عراق و سوریه بودم.

این روزنامه نگار خوزستانی ادامه می دهد: باشنیدن خبرشهادت سردار به شدت غمگین شدم و گریه کردم و قلبم درد گرفت و یکبار دیگر احساس یتیمی کردم چون سردار را به اندازه پدرم و شاید هم بیشتر دوست داشتم. زورمند بیان می کند: یکسال از شهادت سردار گذشته و بار غمش کم که نشد سنگین تر هم شد، دنیای بدون قاسم سلیمانی پشیزی نمی ارزد، دنیایی که خونخواران تحمل وجود نازنین سردار آزاده ما را نکردند و بزدلانه ترین راه یعنی ترور او را برنامه ریزی کردند، دنیای بدون حاج قاسم دنیای ترسناک و بی مهری است.

او از حال و هوای اطرافیانش می گوید: اطرافیان همه از محبین حاج قاسم بودند، مادر روزها کارش گریه بود و حسرت و افسوس میخورد، ساعت ها جلوی تلویزیون می نشست و با فیلم های حاج قاسم اشک می ریخت.

این روزنامه نگار در ارتباط با روز تشییع در اهواز اظهار می کند: عشق سردار که در دل همه بود و مخصوص هیچ دسته و گروهی نبود و همه طیفی برای تشییع آمده بودند و بسیار ناراحت و اندوهگین بودند، اهواز آن روز عجیب جمعیتی به خود دید ، مردم موج موج می آمدند تا فقط ارادت خود را به سرباز مخلص وطنشان ثابت کنند.

حاج قاسم برای ما اسطوره ای تاریخی بود

یکی دیگر از خبرنگاران خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) در خوزستان عنوان می کند: باتوجه به اینکه شغل رسانه و عرصه فعالیت در حوزه نیروهای مسلح را انتخاب کردم آشنایی خوبی با چهره‌ها و قهرمانان ملی از جمله سردار رشید اسلام حاج قاسم سلیمانی داشتم و از سال ۹۲ که نبرد مدافعان حرم با نیروهای تکفیری در سوریه و عراق شدت گرفت، رشادت های این انسان بزرگ، روز به روز برای ما بیشتر نمایان و آشنایی ما نیز بیشتر می شد.

رضا خبازان اظهار می کند: حاج قاسم دیگر برای ما به اسطوره ای تاریخی تبدیل شده بود و روزی نبود که اخبار ایشان را در رسانه ها دنبال نکنیم.

او ادامه می دهد: بامداد جمعه سال ۱۳۹۸ شاید خبر شهادت سردار دل ها بزرگترین شوک تاریخی بود که به ملت ایران وارد شد؛ روز جمعه معمولاً وقت استراحت است اما با این وجود ساعت ۸ صبح از خواب پریدم و مانند همیشه ابتدای گوشی همراه خود را چک کردم که یکی از همکاران رسانه ای عکسی از صحنه شهادت حاج قاسم برای من ارسال کرده بود بدون هیچ توضیحی، فقط نوشته بود رضا حاج قاسم رفت .

خبرنگار خبرگزاری ایرنا خوزستان با بیان اینکه در ابتدا گمان کردم یک شوخی رسانه ای است اما وقتی سایر گروه های مجازی را بررسی کردم یکباره آوار بر سرم خراب شد، می افزاید: فعالیت در عرصه رسانه و دیدن صحنه های خشن و شاید تا اندازه احساسات را از ما به دور کرده اما این نخستین باری بود که بغض گلوی من را گرفته و اشک از چشمانم جاری شد و بیشترین چیزی که من را ناراحت میکرد این بود که چرا در این لحظه کاری از دست من بر نمی آید.

او تصریح می کند: هرچه ساعت های بامداد جمعه میگذشت خبرها و روایت های متعددی از لحظه شهادت سردار سلیمانی به گوش ما می رسید و تنها کاری اهواز دستم بر می آمد این بود که به دفتر خبرگزاری بیایم تا شاید بتوانم اخبار را بهتر پیگیری کنم.

خبازان می گوید: آن روز سخت ترین لحظه‌های زندگی را تجربه کردم و گویا آرزوی دیرینه دیدار سردار سلیمانی را دیگر باید به فراموش می سپردم و این بیشتر از هرچیزی آزارم می داد.

او در ادامه با بیان اینکه اکنون که یک سال از شهادت سردار سلیمانی گذشته، هنوز داغ از دست دادن این بزرگمرد و رشادت هایی که در زمان سیل خورستان داشت از یاد من نرفته و روز به روز برای الگو برداری از شخصیت والای ایشان با خود تمرین می کنم. تاکید می کند: حاج قاسم از میان ما رفت اما مکتب سلیمانی زنده است و ما نیز رهروان او خواهیم ماند.

خبازان در ارتباط با روز تشییع سردار دلها در اهواز می گوید: در زمان تشییع پیکر مطهر سردار سلیمانی حضور کودکان گریان بیشترین صحنه قابل توجه بود چرا که این کودکان هیچگاه درکی از وجود حاج قاسم نداشتند اما غم از دست رفتن یک بزرگمرد تاریخی ایران را احساس کرده بودند.



پایبندی بر رعایت شاخصه های توسعه پایدار در برخی از رویه های این شرکت عظیم نشان می دهد در کنار تولید، اقدامات قابل توجهی برای حفظ محیط زیست استان صورت گرفته است.

از دهه ۱۹۷۰ به بعد که اهمیت تالاب‌ها در سطح جهان مطرح شد، این نتیجه به دست آمد که تعریف تالاب بسیار با اهمیت تر از تعریف هر اکوسیستم دیگری می‌باشد.

تالاب نیشکر یا ناصری یکی از مجموعه تلاش های زیست محیطی شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی است. این تالاب حاصل تجمع زهاب هایی است که در نتیجه آب شویی و آماده سازی اراضی برای کشت نیشکر مورد استفاده قرار گرفته اند. تالاب نیشکر در مساحتی معادل ۱۸ هزار هکتار در محدوده نوار مرزی ایران و عراق و در حوزه شهرستان خرمشهر از زهاب هـای کشت و صنعت هـای نیشکـر امیرکبیـر و میرزاکوچک خان در زمین های بایر و موات و بیابانی منطقه تشکیل شده است.

از این رو، علیرغم صدماتی که تولید در ابعاد وسیع یک شرکت کشاورزی همپای شرکت توسعه در مواردی مانند شوری خاک، آلودگی آب و از بین رفتن تنوع زیستی منطقه می تواند بر زیست بوم منطقه ایجاد کند؛ تالاب نیشکر اکوسیستمی با پتانسیل صیادی، گردشگری و میزبانی گونه پرندگان مهاجر را فراهم آورده که در نوع خود بسیار قابل توجه است.

از آنجایی که خاک منطقه دارای نمک فراوان بوده به شکلی که به لحاظ پوشش گیاهی، از ضعیف ترین پوشش برخوردار بوده و امکان کشاورزی نیز در این اراضی ممکن نبوده است؛ از اینرو هدایت زه آب ها به این منطقه با در نظر گرفتن این شرایط و تبدیل این اراضی به زیست بومی آبی و پتانسیل مناسب گیاهی و جانوری کمک شایانی به بیابان زدایی کرده است.

تالاب نیشکر گونه‌هایی شامل گیاهان، جانوران، میکروب‌ها و طیف و دامنه‌ای از موجودات تطابق یافته با شرایط مرطوب یا خشک را به طور اختیاری (faculative)، تا آنهایی که تنها در شرایط مرطوب به طور اجباری (obligate) زندگی می‌کنند را دارست. گیاهان رشد کرده در بستر تالاب از نوع گیاهان پرستار تالابی هستند که نقش تغذیه کننده و پناهگاه جانوران تالاب را بازی می کنند و برای پایداری محیط زیست خوزستان بسیار کارآمد هستند.

مساله قابل توجه در کنار اثرات محیط زیستی تالاب نیشکر وجه اقتصادی آن است. جالب اینجاست که در ایـن تالاب گونه های مختلفی از ماهی های خوراکی وجود دارند که تعداد زیـادی از ماهیگیران بـومـی از طـریق صید و فـروش شان ارتزاق مـی کنند. از سویی وجود مناظر زیبای طبیعی در کنار وجود حیات وحش مخصوص و مهاجرت پرندگان تالاب زی امکان توسعه صنعت اقتصادی جهانگردی و بوم گردشگری را به وجود آورده است.

شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی در کنار مدیریت زه آب با ایجاد تالاب، در کلیه تصفیه خانه هایش با بهره گیری از تصفیه خانه های UASB با سیستم بیولوژیک کمترین اثرات سوء در محیط زیست مناطق همجوار و پایین دست برجای می گذارد؛ حال اینکه در بخش های از همین زه آب ها کشت های مختلفی از جمله گندم و کلزا صورت می گیرد که البته در سال جاری به خاطر وضعیت خشکسالی شدید، زه آب حاصل از آبیاری مزارع بالادست با استفاده از روش های کاربردی مجددا به چرخه تولید و آبیاری مزارع باز می گردد که در نوع خود روش مدیریتی تلفیقی جدیدی است.

همانطور که پیشتر عنوان شد، در مجموع وجود صنایع عظیم در خوزستان نمی تواند به تنهایی عامل توسعه باشد مگر با در نظر گرفتن الزامات زیست محیطی تا اینکه چرخ صنعت همچنان برای نسل های آینده در گردش بماند.

تابا خبر

شرکت توسعه نیشکر
و صنایع جانبی

SUGARCANE & BY-PRODUCTS
Development Company

بخش خبر

NEWS



نفر اول جشنواره

شایان حاجی نجف

عنوان اثر:

مقایسه نیشکر "دهخدا" با "هفت‌تپه"، اصلا درست نیست

رئیس مجمع نمایندگان خوزستان گفت: اینکه عده‌ای عنوان می‌کنند اگر آب مورد نیاز شرکت دهخدا تامین نشود این شرکت نیز مثل شرکت نیشکر هفت تپه خواهد شد، یک مساله کاملا غلط و نادرست است و کسانی که این مسائل را مطرح می‌کنند، نیت‌های خوبی ندارند.

سید کریم حسینی در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به مشکلات شرکت کشت و صنعت نیشکر دهخدا در تامین آب مورد نیاز مزارع، اظهار کرد: شرکت دهخدا واقع در شهرستان باوی، یکی از شرکت های نیشکری خوزستان است که با توجه به شرایط تنش آبی، در تامین آب به جد دچار مشکل شده است.

وی افزود: بر اساس پیگیری‌های انجام‌شده، با دستور استاندار خوزستان و هماهنگی سازمان آب و برق، یک مرحله رهاسازی آب و افزایش دبی رودخانه دز انجام شد تا آب به مزارع این شرکت برسد.

رئیس مجمع نمایندگان خوزستان گفت: علی‌رغم یک مرتبه رهاسازی آب، این شرکت با مشکل جدی در تامین آب برای مزارع نیشکر مواجه است و شرایط تنش آبی و کمبود آب در خوزستان، وضعیت را به شدت دشوار کرده است.

حسینی افزود: اینکه عده‌ای عنوان می‌کنند اگر آب مورد نیاز شرکت دهخدا تامین نشود این شرکت نیز مثل شرکت نیشکر هفت تپه خواهد شد، یک مساله کاملا غلط و نادرست است و کسانی که این مسائل را مطرح می‌کنند، نیت‌های خوبی ندارند.

وی تصریح کرد: مقایسه نیشکر دهخدا با نیشکر هفت تپه اصلا مقایسه درستی نیست و افرادی که چنین اظهار نظرهایی می‌کنند به دنبال مسائل دیگری هستند.

رئیس مجمع نمایندگان خوزستان افزود: تنش آبی و کمبود آب، بدیهی است و همه بر آن اذعان دارند و نباید به چنین اظهار نظرهایی پرداخته شود.

خبرگزاری ایسنا



نفر دوم جشنواره

محمد رضا بنوره

عنوان اثر :

رباط جوشکار در شرکت توسعه نیشکر خوزستان ساخته شد

اهواز – ایرنا – ساخت و بومی سازی ربات جوشکار برای نخستین بار در شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی با همکاری موسسه تحقیقات توسعه نیشکر و کشت و صنعت نیشکر دهخدا در خوزستان طراحی و تولید شد.معاون صنعت موسسه تحقیقات و آموزش شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی روز جمعه با اعلام این خبر به ایرنا گفت: پیش از این کشور برزیل سازنده ربات‌های جوشکار در صنعت نیشکر کشورمان بود که با همت متخصصان شرکت توسعه نیشکر این ربات بومی سازی و ساخته شد.

مسعود جوبنده افزود: با توجه به بومی‌سازی این ربات در داخل کشور، صنعت نیشکر در شرایط تحریم نیز از خدمات و پشتیبانی شرکت‌های خارجی بی‌نیاز می‌شود.

وی با اشاره به کاربرد ربات جوشکار در صنعت نیشکر اظهارداشت: نیشکر پس از عملیات برداشت و حمل به محل تخلیه نی در کارخانه شکر، وارد بخش آسیاب می‌شود تا عملیات آماده سازی و عصاره گیری انجام شود.

معاون صنعت موسسه تحقیقات و آموزش شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی افزود: بخش عصاره گیری نیشکر از پنج آسیاب و هر آسیاب از پنج غلتک تشکیل شده است که در این بین سه غلتک اصلی کار فرآیند عصاره گیری نیشکر را انجام می‌دهند.

وی با بیان اینکه در فرآیند عصاره گیری، غلتک‌ها دچار سایش می شوندظهار داشت:همین روند کاری موجب می‌شود عملیات عصاره‌گیری برای مدتی به منظور تعمیر و بازسازی غلتک‌ها متوقف شود.

جوبنده با اشاره به عملکرد ربات جوشکار در جلوگیری از وقفه در تولید شکر عنوان کرد: ربات جوشکار به منظور جلوگیری از وقفه در عملیات عصاره گیری نیشکر ساخته شده و عملیات تعمیر و جوشکاری غلتک‌ها در حین فرآیند انجام می‌شود و از این پس دیگر وقفه‌ای در فعالیت کارخانه تولید شکر ایجاد نمی‌شود و همین امر سبب افزایش راندمان تولید خواهد شد.

وی افزود: ربات جوشکار براساس برنامه ریزی‌های صورت گرفته و به صورت هوشمند در زمانی که غلتک‌های آسیاب مشغول فعالیت هستند در صورت ساییدگی عملیات تعمیر و جوشکاری انجام می دهد.معاون صنعت موسسه تحقیقات و آموزش شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی قیمت تمام شده پایین ربات جوشکار نسبت به قیمت محصولات خارجی را از مزایای این محصول عنوان کرد و گفت: قیمت ربات جوشکار در کشور برزیل ۲۵ هزار یورو معادل ۷٫۵میلیارد ریال است اما متخصصان توسعه نیشکر با ۱٫۳ میلیارد ریال موفق به ساخت این فناوری شدند.

به گزارش ایرنا عملیات اجرایی واحدهای هفتگانه نیشکری خوزستان درسطح ۸۴هزار هکتار در جنوب و شمال اهواز از دهه ۷۰ شروع و از ابتدای دهه ۸۰ یکی پس از دیگری به بهره برداری رسید. واحدهای هفتگانه نیشکری سلمان فارسی، حکیم فارابی، امام خمینی(ره)، دهخدا، امیرکبیر، میرزاکوچک خان و دعبل خزاعی حدود ۴۰ درصد شکر کشور را تامین می‌کنند.واحدهای نیشکری هفت تپه و کارون از دیگر واحدهای مستقل تولید شکر در خوزستان هستند. نیاز سالانه کشور به شکر ۲٫۲ میلیون تن است که از این میزان ۱٫۵ میلیون تن در داخل تولید و حدود ۷۰۰ هزار تن شکر خام از خارج وارد می‌شود؛ بخش مهمی از شکر خام (زرد) وارداتی در شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی خوزستان به شکر سفید تبدیل می‌شود.

خبرگزاری ایرنا



نفر سوم جشنواره

دلال شهبازی

عنوان اثر:

خط تولید آغشته‌سازی کاغذ MDF در خوزستان راه‌اندازی شد

مدیرعامل شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی از پیش‌بینی تولید بیش از ۶۰۰ هزار تن شکر با اتمام برداشت در مزارع نیشکر خوزستان خبر داد.

عبدعلی ناصری در مراسم راه‌اندازی خط تولید آغشته‌سازی کاغذ کارخانه MDF شرکت لوح سبز جنوب که امروز (۲۴ دی‌ماه) انجام شد، اظهار کرد: به منظور تکمیل چرخه صنایع جانبی صنعت بزرگ نیشکر، خط آغشته‌سازی کاغذ کارخانه MDF شرکت لوح سبز با به کارگیری ماشین‌آلات و تکنولوژی با ظرفیت تولید روزانه ۱۲ هزار ورق راه‌اندازی شده است که این میزان دو برابر ظرفیت تولیدی این شرکت است.

به گزارش ایسنا، وی با اشاره به اثرات راه‌اندازی این خط، افزود: این خط تولیدی اثرات اقتصادی زیادی در چرخه صنایع پایین دستی توسعه نیشکر خواهد داشت و علاوه بر اشتغال ۲۵ نفر به صورت مستقیم و بیش از ۱۰ نفر به صورت غیرمستقیم، ارزش افزوده ۳۳ درصدی تولید MDF از باگاس نیشکر را در پی دارد.

مدیرعامل شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی بیان کرد: صیانت از منابع ملی، توسعه اقتصادی، اشتغال‌زایی و جلوگیری از خروج ارز از جمله اهداف شرکت شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی در تکمیل زنجیره صنایع جانبی نیشکر است.

وی با بیان اینکه صنعت تولید MDF از باگاس نیشکر نقش و تاثیر مهمی در خودکفایی و جلوگیری از خروج ارز دارد، گفت: تولید MDF از باگاس نیشکر علاوه بر جلوگیری از خروج ارز، سبب حفظ و صیانت از جنگل‌ها می‌شود. جلوگیری از آلودگی و صدمات زیست محیطی ناشی از خودسوزی باگاس، ایجاد اشتغال مستقیم و غیرمستقیم، اثرات مثبت اقتصادی و اجتماعی در منطقه و ایجاد ارزش افزوده در فرآیند تولید MDF از ماده اولیه باگاس، از دیگر مزایای های تولید MDF از باگاس نیشکر است.مدیرعامل شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی با اشاره به برداشت مجدد نیشکر در کشت و صنعت‌های هفت‌گانه پس از بارش باران و کاهش رطوبت در مزارع نیشکر، گفت: از زمان آغاز برداشت نیشکر تاکنون بیش از ۲۰۰ هزار تن شکر در کارخانه‌های تولید شکر شرکت توسعه نیشکر تولید شده است.

ناصری افزود: با کاهش رطوبت مزارع نیشکر، عملیات برداشت نیشکر در کشت و صنعت‌های هفت گانه توسعه نیشکر آغاز شده است و برای اولین بار در تاریخ توسعه نیشکر، رکورد برداشت روزانه بیش از ۸ هزار تن نیشکر در کشت و صنعت‌ها به ثبت رسید.

وی بیان کرد: اورهال کارخانه‌های تولید شکر در تابستان امسال، رشد مناسب نیشکر و تلاش همه پرنسل، نویدبخش سال زراعی پربار برای شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی است و پیش‌بینی می‌شود تا اواسط فروردین‌ماه سال آینده برداشت نیشکر به اتمام برسد و بیش از ۶۰۰ هزار تن شکر تولید شود که این میزان در مقایسه با تولید دو سال گذشته حدود دو برابر است.

خبرگزاری ایسنا